

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصلنامه علوم خبری

(علمی)

سال یازدهم - شماره ۴۳ - پاییز ۱۴۰۱

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر عباس اسدی

مدیر اجرایی و علمی: حامد بابازاده مقدم

مدیر داخلی: سمیه عقبائی

این فصلنامه با همکاری قطب علمی ارتباطات اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، انجمن علمی انقلاب اسلامی ایران و انجمن علمی جامعه شناسی سیاسی ایران، منتشر می‌شود.

- فصلنامه علوم خبری از کلیه پژوهشگران، استادان و صاحبان نظران در زمینه‌های علوم ارتباطات (روزنامه‌نگاری، روابط عمومی، مدیریت رسانه، حقوق ارتباطات، سیاست‌گذاری ارتباطات، اقتصاد ارتباطات و...) برای ارسال مقالات علمی - مروری دعوت می‌نماید.
- مشاوران علمی فصلنامه، مقالات را بررسی کرده و تصمیم‌گیری در خصوص چاپ آنها برعهده هیئت تحریریه می‌باشد.
- فصلنامه در قبول، رد یا ویرایش مقالات دریافتی آزاد است.
- مسئولیت آراء و نظرات ابراز شده در مقالات بر عهده نویسندگان بوده و چاپ آنها به معنی تأیید مطالب نیست.

نشانی: تهران، بلوار دهکده المپیک، تقاطع بلوار شهید همت، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده

علوم ارتباطات، طبقه سوم، اتاق ۳۰۸

تلفن: ۱۹-۴۴۷۳۷۵۱۰ داخلی ۲۵۲۳

درگاه اینترنتی: www.jourcom.com

پست الکترونیکی: mag.jourcom@gmail.com

چاپ و صحافی: نگار نقش

طراحی، صفحه آرایی و ویراستاری: آثار فکر

شمارگان: ۲۱۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

اعضای هیات تحریریه (به ترتیب حروف الفبا) :

عباس اسدی	دانشیار روزنامه‌نگاری دانشگاه علامه طباطبائی
محمدجعفر جوادی ارجمند	دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تهران
محمد باقر خرمشاد	استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی
آسیه ذبیح‌نیاعمیران	دانشیار ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور
عباسعلی رهبر	دانشیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی
زهرا طاهری‌پور	استادیار معارف اسلامی دانشگاه سوره
ابراهیم کلانتری	دانشیار معارف اسلامی دانشگاه تهران
علی اصغر کیا	استاد روزنامه‌نگاری دانشگاه علامه طباطبائی
محمدرضا مجیدی	دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تهران
مصطفی ملکوتیان	استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران
علی نجفی	استادیار ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان
محمد هادی همایون	دانشیار فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع)
اردشیر زابلی زاده	دانشیار علوم ارتباطات دانشگاه صدا و سیما

داوران این شماره :

استاد روزنامه نگاری دانشگاه علامه طباطبائی	علی اصغر کیا
کاندیدای دکتری حقوق بین الملل عمومی	حامد بابازاده مقدم
استادیار ارتباطات دانشگاه آزاد اسلامی	سمیه تاجیک اسماعیلی
دکترای مدیریت رسانه ای دانشگاه آزاد اسلامی	نرجس عباداتی
استادیار و دکترای علوم ارتباطات اجتماعی	نازنین ملکیان

شیوه نامه تدوین مقالات در فصلنامه علوم خبری

هیئت تحریریه فصلنامه علوم خبری، از کلیه‌ی اساتید، پژوهشگران و دانشجویان فرهیخته دعوت می‌نماید، مقالات علمی خود را برای چاپ در مجله با رعایت نکات زیر ارسال نمایند:

۱- مقالاتی که برای چاپ در سال می‌گردند باید محصول مطالعات و تحقیقات نویسندگان بوده و متضمن دست‌آوردهای علمی جدید باشد.

۲- مقالات از سالی نباید قبلاً در مجله‌ای چاپ شده و یا همزمان برای نشریه دیگر ارسال شده باشد.

۳- مقاله در قالب برنامه‌ی ورد ۲۰۱۰ با قلم Bzar۱۲ با حاشیه‌های ۳ سانتی‌متر و حداکثر ۲۵ و حداقل ۱۵ صفحه (یا حداکثر ۱۰۰۰۰ کلمه) همراه با فایل PDF ارسال شود.

۴- مقاله شامل قسمت‌های زیر باشد:

- صفحه‌ی اول دربرگیرنده: عنوان مقاله (فارسی و انگلیسی)، مشخصات نویسنده یا نویسندگان شامل نام و نام خانوادگی (در بالا بعد از عنوان)، مرتبه دانشگاهی و تخصص، ذکر نام مؤسسه یا سازمان متبوع (بصورت پاورقی در همان صفحه) هر کدام به فارسی و انگلیسی و آدرس Email و شماره تماس نویسندگان. در این بخش عهده‌دار مکاتبات یا نویسنده‌ی مسئول مشخص شود. همچنین برای هر نویسنده صرفاً یک عنوان از یک مؤسسه معرفی شود.

- صفحه‌ی دوم شامل عنوان و چکیده مقاله به فارسی و انگلیسی (چکیده حداکثر در ۱۵۰ کلمه) و کلید واژگان فارسی و انگلیسی (حداکثر ۵ واژه) آورده شود.

- متن اصلی مقاله شامل مقدمه، پیشینه تحقیق، سؤال تحقیق، روش تحقیق و نتایج باشد. جداول به تعداد محدود با شماره و عنوان در زیر آنها و مناسب برای چاپ باشد. شکل‌ها، نمودارها و تصاویر به تعداد محدود با شماره و عنوان در زیر آنها و مناسب برای چاپ باشد.

۵- روش ارجاع دهی:

منابع به صورت درون متنی (نام خانوادگی، سال، صفحه) نوشته شوند. مسئولیت ارجاع دهی دقیق و کامل به منابع بر عهده نویسنده است.

در منابع کتاب‌ها، مقالات، اسناد و آرای دادگاه‌ها و سایت‌های اینترنتی به ترتیب حروف الفبا آورده شوند.

منابع در پایان مقاله به صورت حروف الفبایی نام خانوادگی آورده شوند و منابع پایان متنی شماره گذاری نشوند؛ (با تیره مشخص شوند)

کتاب:

- نام خانوادگی، نام، (سال انتشار)، عنوان کتاب، نام مترجم یا مصحح، جلد چندم، چاپ چندم، محل انتشار، ناشر.

مقاله:

- نام خانوادگی، نام، (سال)، «عنوان مقاله»، نام مجله، شماره، دوره، ماه. در عناوین انگلیسی حروف اول همه ی کلمات (بجز حروف اضافه و حروف ربط) به صورت حرف بزرگ و در عناوین فرانسه بصورت حرف کوچک نوشته شوند. عناوین کتابها به صورت ایتالیک نوشته شده و عنوان مقاله ها در داخل گیومه قرار داده شوند. در ارجاع سایت های اینترنتی موارد ذیل رعایت شوند: حداکثر نام و نام خانوادگی نویسنده ی مقاله استنادی موجود در سایت و تاریخی که مقاله در سایت قرار داده شده است.

عنوان سایت

آدرس سایت

تاریخ مراجعه ی نویسنده به سایت

نحوه ی ارسال مقالات:

پست الکترونیکی mag.jourcom@gmail.com

فهرست مطالب

- بررسی فعالیت‌های حرفه‌ای و مطبوعاتی «عبدالحسین سپنتا»، در جراید فارسی شبه‌قاره هند و ایران..... ۱۱
حمیدرضا عشقی‌پور - بهناز رفیعی‌مقدم
- بازخوانی اولین متن‌های فارسی روزنامه‌نگاری در ایران: «تحفه‌العالم» و «مسیر طالبی»..... ۳۳
داود آقارفعی
- روزنامه «جنگل» و قانون مطبوعات، تحلیلی بر محتوا و مضامین روزنامه «جنگل» در سال‌های ۱۲۹۴-۱۳۰۰ ش..... ۵۷
قربانعلی کنارودی
- بررسی عملکردهای هیبریدی- شناختی روسیه با تکیه بر دیاسپورا در منطقه بالتیک..... ۸۳
داود فریدپور - محمدحسین قربانی زواره - حمیدرضا فریدپور
- بازخوانی و تحلیل نقش مطبوعات بوشهر در جنبش مشروطیت..... ۱۱۱
عبدالرسول هاشمی
- تحلیل جرم شناختی قانون‌گزیزی با چشم انداز سایبری (مطالعه موردی جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهرستان اصفهان در بازه زمانی سال ۱۳۹۵)..... ۱۳۵
امین امیریان - الهام کشوری

Investigating the professional and press activities of "Abdul Hossein Sapenta" in the Persian newspapers of the Indian and Iranian subcontinents

Hamidreza EshghiPour¹  | Behnaz RafieiMoghadam²  |

1. PhD in culture and communication, lecturer, researcher in the field of culture, communication and media, Esfahan, Iran. E-mail: dr.hamideshghi@gmail.com
2. Corresponding author, Media and news researcher Esfahan, Iran. E-mail: bhnzrafiei@gmail.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 11 September 2022
Received in revised form 23 October 2022
Accepted: 19 November 2022
Published online: 21 December 2022

Keywords:
Abdul Hossein Sepanta, content arrangement, Indian subcontinent, Iran, newspapers, Persian journalism, press,

ABSTRACT

The structural penetration of written media, thanks to Gutenberg's completion of the printing industry from Europe, on the world's newspapers and press, is an undeniable issue. Based on the researches and findings of Persian written media experts, especially the geographical area of Iran, Tajikistan, India, Pakistan, Afghanistan, parts of Turkey, Iraq, Syria, etc., where the Persian language is the center of their verbal communication, the historical impact of the press The Farsi of the Indian subcontinent (Akhbarat) is determined and proved by the layout and morphology of their Persian newspapers, and it is a clear example of those newspapers during the constitutional period until several decades after that. "Abdul Hossein Sepanta", an Iranian thinker, journalist, poet, writer, historian, researcher, translator and artist, whose title is known in the public opinion with the film "Ler's Girl", plays a significant role in the context of media interactions between India. And Iran has created a scholar and has exerted a penetrating influence on the common patterns of content, arrangement, theme and form of contemporary newspapers. This research, while referring to some well-argued passages about the influence of the Persian-language press of the subcontinent on Iranian Persian newspapers, explains the biography of Spanta's media and press career and his achievements.

Cite this article: EshghiPour1, Hamidreza., RafieiMoghadam, Behnaz. (2022). Investigating the professional and press activities of "Abdul Hossein Sapenta" in the Persian newspapers of the Indian and Iranian subcontinents. *News Science*, 11 (43), 11-32.



بررسی فعالیتهای حرفه‌ای و مطبوعاتی «عبدالحسین سپنتا»، در جراید فارسی شبه‌قاره هند و ایران

حمیدرضا عشقی‌پور^۱ | بهناز رفیعی‌مقدم^۲ |

۱. دکترای فرهنگ و ارتباطات، مدرس، پژوهشگر حوزه فرهنگ، ارتباطات و رسانه رایانامه: dr.hamideshghi@gmail.com
۲. نویسنده مسئول محقق و پژوهشگر رسانه و اخبار. رایانامه: bhznrafiei@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۲۰</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۸/۱</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۲۸</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۹/۳۰</p> <p>کلیدواژه‌ها: ایران، روزنامه‌نگاری فارسی، شبه‌قاره هند، جراید، چینش محتوا، عبدالحسین سپنتا، مطبوعات</p>	<p>رسوخ ساختاری رسانه‌های مکتوب به مدد تکمیل صنعت چاپ توسط گوتنبرگ از اروپا بر شاکله جراید و مطبوعات جهان، موضوعی غیر قابل انکار است. بر اساس پژوهش‌ها و یافته‌های خبرگان رسانه‌های مکتوب فارسی، به ویژه گستره جغرافیایی ایران، تاجیکستان، هندوستان، پاکستان، افغانستان، قسمت‌هایی از ترکیه و عراق و سوریه و ... که زبان فارسی محور ارتباطات کلامی آنهاست، تأثیر تاریخی مطبوعات فارسی شبه‌قاره هند (اخبارات) بر چینش و ریخت‌شناسی جراید فارسی آنها متعین و مبرهن است و مصداق واضحی بر آن جراید دوران مشروطیت تا چندین دهه بعد از آن است.</p> <p>«عبدالحسین سپنتا»، متفکر، روزنامه‌نگار، شاعر، نویسنده، ادیب، مورخ، محقق، مترجم و هنرمند ایرانی که عنوانش با فیلم «دختر لر» در افکار عمومی شناخته می‌شود، نقشی بسزا در بستر فعل و انفعالات رسانه‌های مابین هند و ایران محقق ساخته و تأثیرات تکوینی نافذی بر الگوهای رایج محتوایی، چیدمانی، مضمونی و صوری جراید هم‌عصرش ایفا نموده است. این پژوهش ضمن اشاره به فزاینده‌ی مستدل از تأثیر مطبوعات فارسی زبان شبه‌قاره بر جراید فارسی ایرانی به تبیین شرح حال حرفه‌ای رسانه‌ای و مطبوعاتی «سپنتا» و دستاوردهای وی می‌پردازد.</p>
<p>استناد: عشقی‌پور، حمیدرضا؛ رفیعی‌مقدم، بهناز؛ (۱۴۰۱). بررسی فعالیتهای حرفه‌ای و مطبوعاتی «عبدالحسین سپنتا»، در جراید فارسی شبه‌قاره هند و ایران. <i>علوم خبری</i>، ۱۱ (۴۳)، ۳۲-۱۱</p>	

مقدمه

لغات «چاپ» و «چاپ‌خانه» از همین دوره از هندوستان وارد زبان فارسی شده و سرمنشاء آن از واژه‌های «چاو» و «چاوخانه» می‌باشد. علی‌اکبر دهخدا، لغت چاپ را از ریشه «چهاپ» یا «چهاپه» سانسکریت برمی‌شمارد (مسعودی، ۱۳۷۹: ۶۱). نخستین چاپخانه در ایران، دردوران صفویان توسط کشیشان ارمنی در جلفای اصفهان احداث شد و در آن چاپ اوراق، با موضوعات آگاهی‌رسانی، ادعیه، انجیل و... انجام می‌گرفت (مسعودی، ۱۳۷۹: ۶۲). حضور فارسی‌زبانان، در کشورهای هند، ترکیه، انگلیس، فرانسه، مصر و قفقاز و... محل پیدایش جراید فارسی در آنجا شد (مرادف، ۱۳۹۸: ۲۸۰)، گاه تأثیر مطبوعات فارسی خارج از ایران بر افکار عمومی مردم داخل کشور از جراید چاپ شده پیشروتر و نافذتر بود (رابینو، ۱۳۸۰: ۵۵). چاپ نخستین روزنامه فارسی زبان متعلق به متفکری هندی بنام «رام مهان‌روی» است که با عنوان «مرآت الاخبار» در سال ۱۳۲۴ق، انتشار یافت و بر تاریخ ظهور «کاغذ اخبار میرزاصالح» اقریب به ۳۰ سال تقدم زمانی دارد. عمده دلیل رواج این روزنامه در قرن نوزدهم میلادی در هندوستان، استفاده از زبان فارسی، بعنوان زبان رسمی و دیوانی آن است (آدمیت، ۱۳۵۵: ۶۷)، تا حد زیادی شاکله سازی بنیادین مطبوعات فارسی مرهون طبیعت فکری، نخبگانی و ساختارهای اجتماعی و فرهنگی در پیوند با اهداف سیاسی و اقتصادی و تعاملات سازنده مهاجران و مسافران مابین دو تمدن دیرینه ایرانی و هندی و دیاسپوراهای علاقه‌مند به موطن مادری است.

از انتشار جراید در ایران قریب به دو سده (شاه‌صفی صفوی تا فتحعلیشاه قاجار) اطلاعات دقیقی در دست نیست، اما خاطرات سیاحان و شرق‌شناسان غربی، موید است که در دوره نادرشاه افشار و زندیه جزوه‌های وقایع نگارانه‌ای به زبان‌های فارسی، لاتینی و عربی به شکلی پراکنده در اقصی نقاط ایران و بخصوص در اصفهان به دلیل حضور پیروان ادیان توحیدی و اقوام مختلف منتشر می‌گردید (آذرنگ، ۱۳۷۸: ۲۴۴). جراید بشکل امروزی از دوران ولایت عهدی عباس‌میرزا به بعد در ایران منتشر شده و نقش «میرزا محمد صالح شیرازی» در ساختارمندسازی نشریات به سبک اروپایی مطابق با استانداردهای رایج آن دوران انجام می‌گرفت (افشار، ۱۳۴۹: ۳۳). نشریات یا مطبوعات مشتمل بر روزنامه، جریده، مجله، صحیفه، ماهنامه و فصلنامه از ره‌آورد‌های تمدنی و فرهنگی جامعه جهانی است که از دوره قاجار در ایران رواج یافت (محیط‌طباطبایی، ۱۳۶۳: ۹۸). مطبوعات، به‌عنوان رسانه نخبگانی، تأثیر بسزایی در تعالی و کمال اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جوامع ایفا می‌نماید (معمدنژاد، ۱۳۸۰: ۳۱). اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی بر تقلید شیوه روزنامه‌نگاری از ملل پیشگام حوزه چاپ و کتابت به ایران تصریح نظر دارند.

۱ - سفرنامه‌نویس، روزنامه‌نگار و نماینده عباس‌میرزا قاجار در انگلیس که در سال ۱۸۳۷ «کاغذ اخبار» را منتشر کرد.

تعاملات فرهنگی، اجتماعی، ادبی و زیستی مابین دو کشور هندوستان و ایران بر شیوه نگارش، تهیه، تنظیم، تدوین و انتشار محتوای مکتوبات، موثر بود. اشاعه معارف و اندیشه‌های ناب بین دو پهنه

ردف	نام روزنامه	نام مدیر	شهر	سال انتشار میلادی	زبان انتشار
۱	مفتاح الفکر	سید حسن کاشانی (موبد الاسلام)	کلکته	۱۸۹۷	فارسی
۲	آزاد	سید حسن کاشانی	کلکته	۱۸۹۹	فارسی
۳	لودیه اخبار	-	کلکته	۱۸۴۶	فارسی
۴	حبل المتین	موبد الاسلام	کلکته	۱۸۹۶	فارسی
۵	سکندر	-	کلکته	۱۸۴۶	فارسی
۶	سلطان الاخبار	-	کلکته	۱۸۴۶	فارسی
۷	ملک و ملت	موبد الاسلام	کلکته	۱۹۰۴	فارسی
۸	اصلاح	محمد رضا بوشهری	بهنی	۱۹۰۹	فارسی
۹	مدرسه فارسی	میرزا جعفر و میرزا محمد صادق	بهنی	۱۸۸۳	فارسی و انگلیسی
۱۰	جام جهان نما	-	بهنی	۱۸۴۶	فارسی و انگلیسی
۱۱	جام جمشید	-	بهنی	۱۸۴۶	فارسی و انگلیسی
۱۲	چایک	-	بهنی	۱۸۴۶	فارسی و انگلیسی
۱۳	کوکب ناصری	آقا میرزا مصطفی	بهنی	۱۸۹۲	فارسی و انگلیسی
۱۴	دعوت الاسلام	محمدعلی حسینی داعی الاسلام	بهنی	۱۹۰۶	فارسی و اردو
۱۵	نامه وطن	صحاف باشی	حیدرآباد	۱۹۰۸	فارسی
۱۶	سیدالاحبار	آسید آقا شیرازی	حیدرآباد	۱۸۸۹	فارسی
۱۷	قند پارسی	محمد احسن الله	دهلی	۱۸۸۵	فارسی
۱۸	آزاد دهلی	-	دهلی	۱۸۸۵	فارسی
۱۹	مفرح القلوب	محمد شفیع و محمد جعفر	کراچی	۱۸۸۵	فارسی

شبه‌قاره هند و ایران به مدد زبان و رسم الخط فارسی و تشابهات فرهنگی و زیستی میان دو ملت؛ دستمایه رسوخ گسترده تبادلات فکری و زیستی میان دو جغرافیا شده‌است (علی‌اف، ۲۰۰۱: ۱۶). مراد مرادف، مدرس روزنامه‌نگاری دانشگاه ملی تاجیکستان معتقد است، محتوا و شیوه چیدمان نشریات در ممالک دارای صنعت چاپ و پیشگام در حوزه جراید از جمله اروپا در روزنامه‌نگاری فارسی هندوستان، توانست در جنس و چیدمان محتوا، قالب‌ها، مضامین و اندیشه‌های حاکم بر روزنامه‌نگاری در میان فارسی‌زبانان و بخصوص ایرانیان تأثیرات شگرفی

اعمال نماید (مرادف: ۱۳۹۸: ۲۷۹). اقوام و پیروان ادیان توحیدی ایرانی در اعصار گذشته با بهره‌مندی از فضای دنج و فرهنگ غنی جاری میان ملل پارس و هندوستان، دارای تعاملات عدیده بوده و همواره در راستای تقویت و تعالی ارکان یکدیگر کوشیده‌اند. بررسی عرفی و تحلیل مضمونی جراید فارسی هند، نشان می‌دهد ۱۹ روزنامه فارسی چاپ شده در هندوستان، از نظر محتوا، شیوه نگارش، سبک تنظیم، کاربست آرایه‌های مطبوعاتی پیش از نهضت مشروطه ایران تا چند دهه بعد از آن، بر فرهنگ نویسایی و تربیت روزنامه‌نگاران ایرانی تأثیر متناهی داشته‌اند. فعالیت روزنامه‌گاران همچون: موبدالاسلام، محمد رضا بوشهری، میرزا جعفر و میرزا محمد صادق، میرزا مصطفی، محمدعلی حسینی داعی الاسلام، عبدالحسین سپنتا و... (یوسفی‌نیا، ۱۳۸۲: ۱۱۵) و تاسی جریده «صوراسرافیل» از «حبل‌المتین» در قالب صوری و مضامین چاپی (فرجی، ۱۳۹۹: ۱۸) شمه‌ای از این رویکرد است. هندوستان در طول تاریخ همواره مامن مهاجران و منورالفکرهای ایرانی خسته از اتفاقات وطن بوده که بر دامنه تبادلات فزاینده فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و رسانه‌ای دو کشور اعتبار بخشیده‌اند (رایینو، ۱۳۸۰: ۳۰). در ابتدای قرن نوزدهم میلادی پیش از وقوع جنگ جهانی دوم، ممالک عثمانی با ۸، مصر با ۵، عراق با ۴، فرانسه با ۳، آذربایجان با ۲، آمریکا با ۲، تاجیکستان و گرجستان و سوئیس و عربستان مجموعاً با ۱۲ عنوان روزنامه فارسی و هندوستان با بالغ بر ۱۹ روزنامه فارسی از جایگاه شاخصی حائز اهمیتند.

نقش دیرباز پارسیان و تأثیر عمیق آنها بر تعاملات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مابین هندوستان و ایران از جایگاهی خاص در تبادلات ملموس و ناملموس هنر، فرهنگ و رسانه، از جمله: پوشش رسانه‌ای وقایع و رخداد های ایران در جراید و رسانه‌های هندوستان از آستانه مشروطیت به بعد با انتشار روزنامه‌های مرآت‌الآخبار، حبل‌المتین، جام‌جهان نامه، میراث‌الآخبار، پنجاب، جام‌جمشید، چابک، سکندر، سلطان‌الآخبار، لودیانه‌آخبار، مفرح‌القلوب، آزاد، سیدالآخبار، کوب‌ناصری، مفتاح‌الظفر، دعوت‌الاسلام، قندپارسی، اصلاح؛ تأسیس رادیو BBC فارسی؛ ساخت فیلم‌های ناطق فارسی و... اشاره کرد.

ایرانیان مهاجر «مطبوعات در تبعید» را منتشر ساختند و هندوستان همواره به‌عنوان میزبان قدیمی ایرانیان و عمده‌ترین پایگاه تحولات فکری و فرهنگی بخصوص در آستانه انقلاب مشروطه ایران قلمداد می‌شود (مولانا، ۱۳۷۲: ۱۰۹). فزونی روزنامه‌های فارسی و روی‌آوری مردم به خواندن آنها خصوصاً «حبل‌المتین» کلکته در شکل‌گیری و پیشبرد اهداف جنبش مشروطه‌خواهی ایران بسیار مؤثر بود (کسروی، ۱۳۶۹: ۳۹). «حبل‌المتین» در سال ۱۲۷۲ شمسی در کلکته به همت مویدالاسلام چاپ شد. این جریده مطابق با نحوه تنظیم و تدوین محتوا و صفحه‌آرایی جراید رایج هندوستان که از سبک و چیدمان محتوایی و صوری جراید انگلیسی تبعیت می‌کردند، تنظیم و منتشر می‌شد (Browne, 1890: 257).

انتشار موفق «حبل‌المتین» زمینه راه‌اندازی نخستین مؤسسه مطبوعات فارسی بین‌المللی در دوران قاجار را محقق نمود. مؤسسه‌ای که شماری مکتوبات، مرقومات و نشریات با عناوین مختلف به زبان های اردو، انگلیسی و فارسی در ایران و هند چاپ و منتشر می‌کرد و نقشی بنیادین در توسعه ارکان تهیه، تنظیم، تدوین و انتشار جراید برای علاقه‌مندان و مخاطبان فارسی زبان جنوب آسیا و خاورمیانه ایفا می‌نمود (قاسمی، ۱۳۹۷: ۲۰۹). راه‌اندازی چاپخانه «پیشگام حبل‌المتین» در اصفهان به اهتمام مویدالاسلام و با شراکت سیدعلی محمد موسوی (گلستانه) و پسران در سال ۱۲۹۷ شمسی نشان از تأثیربخشی راهبردی اصفهان در مدیریت افکار نخبگان ایران در آن دوران داشت و علاقه‌مندی مردم این خطه را در خصوص سرمایه‌گذاری به‌منظور گسترش چتر نشریات هویدا می‌سازد (قاسمی، ۱۳۹۷:

^۱ - هومی جهانگیربابا، اردشیر و پیروچشا گودرج، فردونجی مرزبان (بنیانگذار نخستین روزنامه هند)، دارابیجی و جهانگیر و جمشیدجی نوشروانجی تاتا، فریدون مرزبان (ناشر اولین روزنامه محلی هند)، اردشیر ایرانی (فیلمساز)، بهرام بوسی (روزنامه‌نگار)، درادشیر کوسجی (روزنامه‌نگار)، درفرخ دهندی (روزنامه‌نگار)، فیردوس کنگا (روزنامه‌نگار)، درشاپور خرگت (روزنامه‌نگار، مدیر اکونومیست)، بهرمجی ملیری (روزنامه‌نگار)، میستری رهینتن (روزنامه‌نگار)، بیسی سیدهو (روزنامه‌نگار)، شیورجی سربجی کیخسرو (روزنامه‌نگار)، سونی تریپولا (روزنامه‌نگار)، درمینو مثنی (روزنامه‌نگار و عضو مجلس مؤسسان)، فرز گاندی (روزنامه‌نگار)، مهتافیروز شاه (روزنامه‌نگار)، سهراب بلسارا (روزنامه‌نگار) و ...

۳۰۱). وجود منورالفکرهای پویا و قلم بدست که نفوذ آنان بر روند تغییر و تعقیب حوادث و وقایع هم عصرشان غیر قابل کتمان است بر تکوین این موافقت نامه با مشارکت طرفین در خصوص کلیه فعالیت‌های جریده «حبل‌المتین» در اصفهان و کلکته مسجل و محقق شد (قاسمی، ۱۳۸۰: ۹۸). این رخداد سهم بسزایی در تمکین مطبوعات ایران و بالاخص اصفهان از شیوه تهیه، تنظیم، تدوین، چاپ و انتشار روزنامه «حبل‌المتین» به دلیل تعلق خاطر شایگان گروه‌های مرجع، همچون علما، مشروطه خواهان و روشنفکران ایرانی ایفا نمود (آبادانی، ۱۳۴۸: ۲۷). شیوه مدیریت رسانه ای و فرم محتوایی و ظاهری «حبل‌المتین» در میان مطبوعات فارسی از مرجعیت جامعی برخوردار بود و روزنامه‌نگاران تحول‌خواه و جوان همچون سپنتا، با بهره‌گیری از تعاملات بسیط با هم‌قطاران خود در هندوستان بمنظور جذب مخاطبان حداکثری، از اسلوب مضمونی و ظاهری جراید فارسی آن دیار معیار آفرینی نموده و اقدام به تهیه، تدوین، چاپ و انتشار جراید می‌کردند (مکی، ۱۳۶۳: ۲۱۴).

استفاده معنادار سپنتا و نخبگان رسانه‌ای هم عصرش از کاربست اشعار فکاهی و نقادانه؛ چیدمان مطالب، بهره‌مندی از صور و شمایل مطابق با مضامین فرهنگی، اجتماعی و سیاسی همچون روزنامه‌نگار هندی و اروپایی، رونقی شایانی به بازار مطبوعات فارسی بخشید (محیط‌طباطبایی، ۱۳۶۳: ۹۸). تا بدانجا که «حاجی زین‌العابدین تقی‌اف»، از متمکین باکو، پول فراوانی برای مسئولان روزنامه «حبل‌المتین» می‌فرستاد تا این جریده به دلیل مقبولیت عمومی و محبوبیت همگانی میان علما، مشروطه‌خواهان و منورالفکرهای نجف، اصفهان و تهران و... منتشر و توزیع گردد (زاهد، ۱۳۹۰: ۱۰۱). «حبل‌المتین»، در زمان مشروطیت گاه‌ها افزون بر ۳۵ هزار نسخه در ایران توزیع می‌شد که بالغ بر ۵ هزار نسخه آن به‌صورت رایگان مابین علما و نخبگان پخش می‌گردید (زاهد، ۱۳۹۰: ۱۰۲). گرایش به سبک انتقادی در نشریه «صوراسرافیل» از لحن سرمقاله‌های تند و انتقادی «حبل‌المتین» نشأت می‌گرفت حتی تا دهه‌های بعد جراید فارسی ایران از خط نستعلیق، سرلوحه‌ها، صفحه آرایی‌ها، چینش ستون‌ها، تقسیم‌بندی مطالب، سبک نوشتار، ابعاد ظاهری و... تا حد زیادی از اسلوب روزنامه‌نگاری فارسی هندوستان تبعیت می‌کردند (مرادف: ۱۳۹۸: ۲۷۹).

در این پژوهش ضمن بررسی اسنادی آثار ادبی، هنری «عبدالحسین سپنتا» در دو پهنه هندوستان و ایران و تحقیق و تتبع در خاطرات و سخنان برجای مانده از وی و نزدیکانش به کنکاش در آثار رسانه‌ای و تحریر زندگینامه‌اش می‌پردازیم. سپنتا، از پیشگامان الهام‌بخش در حوزه ادب، هنر و سینما است، لیکن باتوجه به مذاقه صورت گرفته این تیم پژوهشی، آثار ممتاز و شاخص وی در زمینه روزنامه‌نگاری، ترجمه و تألیف در سایه آثار سینمایی و نمایشی او قرار گرفته است. او سبک‌های عرفی جراید فارسی شبه‌قاره هند را درک و به مدد آموزه‌هایش به‌نحوی متعالی در افکار عمومی جامعه مشتاق

آگاهی متجلی ساخت. سپنتا، با خلق آثار رسانه‌ای نفیس، نظیر روزنامه، فیلم، تصنیف، ترجمه و...، تعامل میان منورالفکرهای فارسی زبان هندی و نخبگان ایرانی را غنا بخشید و در زمره ادیبانی قرار گرفت که در هم‌گرایی و انسجام بخشی میان نسل‌های قبل و بعد از خود به تاسی از شیوه‌های بدیل، خلاقانه و آوانگارد که از ذائقه هنری و تبحر ژورنالیستیش بهره می‌گرفت به چهره‌ای ماندگار بر تارک رسانه‌های فارسی قرار گرفت.

زندگی‌نامه عبدالحسین سپنتا:

عبدالحسین در شب دوشنبه ۱۴ خرداد ۱۲۸۶ شمسی و در خیابان واگونخانه (اکباتان) تهران متولد شد.



پدرش غلامرضا، فرزند ابوطالب ملقب به «شیروانی» بود که به دلیل اقامت طولانی در رشت به «رشتی» شهرت داشت. غلامرضا از ملتزمان مظفردالدین شاه (۱۳۲۴-۱۳۱۳ق) بود و چون مسلط به زبان انگلیسی بود بعنوان مترجم دکتر «ادکاک»، پزشک مخصوص دربار در سفرهای مظفردالدین شاه به اروپا، همراه با میرزاابراهیم عکاس‌باشی، حضور داشت. وی در سال ۱۳۰۵ شمسی در تهران فوت کرد (صدرهاشمی، ۱۳۵۱: ۳۰۰). مادر عبدالحسین، «شوکت شیرازی» زنی فاضله و از

نوباوگان امام جمعه وقت شیراز بود که سرپرستی سپنتا را پس از فوت پدرش همراه با برادرش (میرزا محمدحسین شیرازی) برعهده گرفت. این بانوی اندیشمند، در تعلیم و تربیت فرزندش سعی وافیه و جهد کافی محقق ساخت و پیوسته او را به تحصیل علم و معرفت، تشویق و ترغیب می‌نمود (امید، ۱۳۶۳: ۱۱).

این بانوی متفکر در سال ۱۳۲۸ شمسی چشم از جهان فروبسته و در آرامگاه خانوادگی سپنتا در تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد (مجله ارمان، ۱۳۲۸: ۹۸). عبدالحسین، تحصیلات خود را به ترتیب در مدارس سن لوئی؛ زرتشتیان جمشیدجم تهران طی و سپس در کالج آمریکایی تهران ادامه و در نهایت از استوارت مموریال کالج در جلفای اصفهان فارغ التحصیل شد. عبدالحسین، در زمان فارغ التحصیلی به زبان‌های انگلیسی، اوستایی و همچنین حرفه روزنامه‌نگاری و موسیقی تسلط داشت

(مهودی، ۱۳۳۴: ۸۷). آبادانی از نزدیکان و مصاحبین وی، نقل می‌نماید: «مدرسه زرتشتیان سپنتا، را به تاریخ، هنر و ادبیات و تمدن ایران قدیم علاقه‌مند ساخت و این علاقه وافر و انگیزه عدیده، او را به مطالعه و ترجمه آثار فلسفی، اجتماعی، فرهنگ و باستانی ایران تحریص و تحریک کرد. در همان دوران تحصیل در مدرسه زرتشتیان قریحه نویسندگی سرشار عبدالحسین میرز گردید و در همان ایام مقارن با ۱۶ سالگی ضمن نوشتن در روزنامه مدرسه، در جریده «فروهر»^۲ نیز بکار روزنامه‌نگاری پرداخت (آبادانی، ۱۳۴۸: ۱۰). وی، در تحریریه این روزنامه با نحوه چیدمان و مدیریت مطالب، سبک‌ها و شیوه‌های خبری از طریق دوستان روزنامه‌نگاران «خدارحم آبادیان» که در هندوستان قلم فرسایی می‌کردند، آشنا شد و این مراودات و تعاملات در ترقی او در دنیای رسانه بسیار نافع بود.

عبدالحسین، همواره پیشرفت‌های فرهنگی، ادبی، هنری و معرفتی خود را بعد از اهتمام مادر و معاضدت دایی مرهون «اردشیرجی ایدلجی» و «میرزاعلیرضاخان علی‌آبادی» برمی‌شمرد و همواره از آنها به نیکی یاد می‌کرد. عبدالحسین، در صفحه ۲۴ مقدمه دیوان اشعارش، می‌گوید: «اردشیرجی»، مرا به تحصیل ادب، هنر و علوم ایران باستان ترغیب نمود و هم او بود که مرا باخالق روزنامه قرن بیستم «میرزاده عشقی» که با وی مراوده و دوستی داشت، آشنا ساخت و عشقی، روح شیدا و قریحه مشتاق مرا به سمت نویسندگی، سرایش شعر، تامل، تفکر در آیین‌های باستانی ایران ترغیب و تشویق نمود (آبادانی، ۱۳۴۸: ۱۲).

به اصرار مقاله‌ای در خصوص شرایط ناکارآمد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حاکم بر جامعه آن زان ایران در روزنامه «فروهر»، منتشر کردم که با استقبال گسترده مخاطبان روبرو شد و چندین چاپ مجدد به‌همراه آورد، ولیکن در دسرهای جدیی نیز برای من و «خدارحم آبادیان» به دنبال آورد که در نهایت به تعطیلی جریده «فروهر» انجامید (سپنتا، ۱۳۱۵: ۲۳). عبدالحسین، که در مدرسه زرتشتیان به هنر نمایش و تئاتر علاقه‌مند گردید از همانجا به صورت حرفه‌ای پا به این عرصه نهاد و چون توانمندی‌های خود را به منصفه بروز رسانید، در مجامع فرهنگی و هنری ایران خوش درخشید و مربی تئاتر مدرسه شد. همزمان با این فعالیت‌ها بود که ایران‌شناسان برجسته «دینشاه ایرانی»^۳ از پاریس هندوستان، در سفرش به

^۱ - فرهاد آبادانی (۱۳۲۹-۱۳۵۹): زبان شناس، مصحح و پژوهشگر ایرانی است. او رشته‌های باستانشناسی و زبان و ادبیات فارسی را در دانشگاه تهران و دکترای خود را از دانشگاه بمبئی در رشته زبان‌های پیش از اسلام اخذ کرد. آبادانی دانشیار دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان بود و تا پایان عمر سپنتا، در حلقه مصاحبان و نزدیکان وی قرار داشت.

^۲ - نخستین روزنامه فارسی زرتشتیان در تهران به سرپرستی «خدارحم آبادیان»

^۳ - «سلیسیتر» (۱۲۶۰-۱۳۱۷)، مترجم، ادیب و نویسنده هندی است. وی از پیشوایان مشهور زرتشتیان هندوستان است. دینشاه، در سال ۱۳۱۱ به‌همراه تاگور از ایران دیدار نمودند. از جمله آثار ادبی او می‌توان به ترجمه انگلیسی دیوان حافظ و تذکره انگلیسی شعرای معاصر ایران همراه با منتخب اشعارشان اشاره کرد.

تهران با عبدالحسین آشنا شد و چون پی به علاقه زیاد و انگیزه وافر سپنتا، در خصوص مضامین فرهنگ و ادب باستان ایران برد، وی را به منظور کسب معرفت و تحقیق در مراکز آکادمیک به هندوستان ترغیب و دعوت کرد.

عبدالحسین، در زمان طرح اعطای سبج ملی به توصیه دوستانش نام خانوادگی خود را از «شیرازی» به «سپنتا» تغییر داد و همزمان با اشتغال به ترجمه و مطالعه تاریخ و ادبیات ایران باستان به آموختن حرفه‌ای زبان و ادبیات فارسی باستان نزد استاد «پورداد» پرداخت. وی، پس از فوت دائی‌اش با تمام سختی‌های که از جانب روزگار و اجتماع برایش فراهم آمده بود، هیچگاه از کار و مطالعه و تحقیق در تاریخ و علوم و فرهنگ و ادبیات ایران زمین باز نایستاد و در شهریور ۱۳۰۷ شمسی مقارن ۲۰ سالگی، به پیشنهاد دوستان و آشنایان به منظور پیگیری امور شغلی و علمی به بمبئی نزد «دینشاه ایرانی» عزم سفر نمود (امید، ۱۳۶۳: ۱۱).

سپنتا، با سری پر شور از راه بوشهر به هندوستان رفت و پس از ۲ ماه به شهر زیبا و بزرگ بمبئی رسید و نزد «دینشاه» سکونت گزید و از مصاحبت وی، بهره‌مند گردید. عبدالحسین، در بمبئی با بهره‌مندی از تجارب و ظرفیت‌های جاری دوستان روزنامه‌نگار هندی، بر تجربیات خود می‌افزود و هم‌زمان به تحصیل، تحقیق و تتبع در ساحت فرهنگ، هنر، تاریخ و ترجمه انگلیسی متون مبادرت می‌کرد و با پیگیری مجدانه در حرفه روزنامه‌نگاری، مطالب و نوشته‌های «دینشاه» را به منظور بهره‌مندی بیشتر فارسی‌زبانان، به فارسی سلیس ترجمه و در جراید هند و ایران منتشر می‌کرد (مهدوی، ۱۳۸۳: ۲۱۵). دینشاه، در پیشگفتار کتاب «اخلاق ایران باستان» ضمن قدردانی از اهتمام «سپنتا» در همکاری با وی می‌نویسد: در اینجا لازم می‌دانم از آقای سپنتا، که گفته‌های مرا به زبان پارسی به رشته تحریر در می‌آورند، تقدیر و تشکر کنم، زیرا متأسفانه در دارالفنون هندوستان فقط ادبیات قدیم فارسی تدریس و تحصیل می‌شود و اغلب متفکرین و ادیبان فارسی‌دان هندی در این زمان از طرز نگارش فارسی روان کنونی کم‌بهره هستند» (آبادانی، ۱۳۴۸: ۸). همکاری سپنتا و دینشاه، تا پایان عمر دینشاه، ادامه یافت و ثمره این همراهی و همکاری ترجمه متون دینشاه به فارسی بود که در چاپخانه هور بمبئی به مالکیت «رشید شهردان» چاپ و منتشر می‌شد. سپنتا، از فوت ناپهنگام «دینشاه ایرانی» بسیار مغموم گشت و در رثاء دوستش، قصیده‌ای بلند تحت عنوان «در مرگ دوست»^۲ سرود که تحسین ادیبان هند را برانگیخت.

^۱ - در زبان پهلوی بمعنای «نور پاک و مقدس» است.

^۲ - این سروده در ابتدای کتاب یادنامه دینشاه (۱۹۴۳) ایرانی چاپ «هور بمبئی» منتشر شده.

عبدالحسین، در یکی از مراجعاتش به اصفهان به توصیه خانواده و نزدیکانش در سال ۱۳۱۰ شمسی با دختری اهل فضل و تحصیلکرده از خانواده‌ای اصیل و متمکن اصفهانی بنام «گوهرتاج» پیوند زناشویی بست که تا پایان عمر به این عقد وفادار ماند. حاصل این وصلت، سه پسر به نام‌های ساسان، بهمن و کاوه می‌باشد

(آبادانی، ۱۳۴۸: ۱۵). عبدالحسین سپینتا، سرانجام در سحرگاه ۸ فروردین ۱۳۴۸ شمسی به دلیل سکت در اصفهان در سن ۶۲ سالگی دارفانی را وداع گفت و پیکر بی‌جانش با بدرقه خیل عظیم علاقه‌مندان هنر و فرهنگ در آرامستان تخت فولاد اصفهان (لسان الارض) جنب تکیه بابارکن‌الدین آرام گرفت (هادوی، ۱۳۸۱: ۲۶۷).

آثار مکتوب عبدالحسین سپینتا:

چندماهی بیشتر از اقامت سپینتا، در هند نمی‌گذشت که با توجه به اخبار اسفناک شرایط سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایران در صدد انتشار روزنامه‌ای راهگشا همچون «جبل‌المتین» برآمد تا بتواند وقایع



و اخبار ایران را به سمع و نظر مشتاقان فارسی زبان در شبه‌قاره برساند. از اینرو با حمایت دوستانش جریده «دورنمای ایران» را به صورت هفتگی با رویکرد سیاسی، اجتماعی و ادبی، وارد مارکت روزنامه‌های هند و ایران کرد. جریده‌های پیشرو و تأثیر پذیرفته از سبک چیش محتوایی جرید سلف فارسی زبان هندوستان، روزنامه‌ای در ۴ صفحه با ابعاد متوسط در آذرماه ۱۳۰۷ در شهر بمبئی هند به زبان سلیس فارسی روانه بازار گردید. «دورنمای ایران» متأثر از دغدغه‌های نسل جوان ابتدای قرن چهاردهم شمسی با نگاهی انتقادی و تعقیب‌گرا در عصر طلایی مطبوعات ایران از دیار هندوستان بود.

سپنتا، «دور نمای ایران» را با حمایت «رشید شهردان» صاحب چاپخانه هور واقع در گوالیا تانک بمبئی منتشر کرد، رفاقتی که تا پایان حیات سپنتا، استوار ماند. این جریده به واسطه انتشار مقالات تندوآتشین تا پانزده شماره بیشتر دوام نیاورد و سپنتا در ادامه به انتشار روزنامه دیگری به نام «جنگل» با چاپ سنگی با رویکرد سیاسی، انتقادی نمود. پس از انتشار چند شماره از «جنگل» بازهم بدلیل انتشار مقاله‌ای شدیدالحن و آتشین به طرفداری از دولت مرکزی ایران در مقابل سیاست‌های بریتانیا در خصوص بحرین، این جریده مورد غضب ذی نفوذان محلی قرار گرفت و توقیف شد، اما عبدالحسین جوان، از پاننشست و ضمن انتشار جریده «پیام راستی»، مرقوماتش را با اسم مستعار در نشریه *Iran League Quarterly* هندوستان نیز چاپ می‌نمود (مجله ارمان، ۱۳۵۰: ۹۹).

سپنتا در دوره‌های حضورش در اصفهان، ضمن نوشتن مطالب مختلف، مقالاتش را در جراید و روزنامه‌های پایتخت و اصفهان چاپ می‌کرد و در سال ۱۳۲۲ شمسی به انتشار هفته‌نامه «سپنتا» در اصفهان مبادرت کرد که بالغ بر ۱۰ سال به صورت بی‌وقفه و مستمر منتشر و در اختیار مخاطبان قرار می‌گرفت. این جریده که از پختگی خاصی برخوردار بود، مهمترین و ارزشمندترین اثر مطبوعاتی سپنتا در ایران محسوب می‌شود که به صورت هفتگی، در ۴ صفحه متوسط انتشار می‌یافت و به اقصی نقاط واصل می‌گردید. این اثر عموماً جنبه‌های سیاسی، اجتماعی و انتقادی داشت، ولیکن از محتواهای علمی، تحقیقاتی و تاریخی، اخبار داخلی و خارجی، حوادث، ترجمه دستاوردهای سیاحان خارجی با محوریت فرهنگ، جغرافیا، آداب و رسوم ایران و ایرانیان، مضامین نشریات دیگر ملل نیز متنعم بود. این نشریه تا سال ۱۳۳۲ شمسی به شکل مستمر انتشار یافت و عبدالحسین، شخصاً تمام مطالب آنرا از نثر، نظم، کاریکاتور، خبر، نقد و طنز را، خود تهیه و تدوین می‌نمود (یغمایی، شماره ۲: ۱۱۰). هفته‌نامه «سپنتا»، از قلم فصیح، شیوا، حکیمانه و ادیبانه سپنتا بهره می‌گرفت که در تعالی و کمال جراید فارسی ایران و هندوستان نقشی پیش‌گامانه و مهتدی داشت (روزنامه مکرّم، ۱۳۴۸: شماره ۵۵۹). سپنتا، مجموعه مقالات خود را در مطبوعات مختلف دیگر مانند: «معارف اسلامی»، «ووحید»، «یغما»، «فرهنگ استان دهم»، «ارمان»، «مجاهد»، «خبرهای روز»، «اصفهان» و «راه نجات» منتشر می‌کرد (صدرهاشمی، ۱۳۵۱: ۳۰۰)، این آثار عموماً در حوزه‌های: مباحثات انتقادی، آثار ادبی و هنری، چهره‌های ماندگار، معرفی صناعات و هنرمندان و هنروران گمنام، معرفی معماری سنتی ایران، مکان‌ها و زیستگاه‌ها، میراث فرهنگی ملموس و ناملموس، اشیاء باستانی و... تحریر و منتشر شده‌اند. نگاه موشکافانه و داهیهانه سپنتا، نمایانگر روح بلند و شیفته او به فرهنگ و تمدن ایران زمین است. سلسله مقالات شناخت جریان‌های بزرگ فکری و اجتماعی و اثر آن بر حوزه شعر و ادب فارسی؛ نفوذ تمدن ایران در میان دیگر ملل؛ تتبع در روابط ایران و هند؛ آشنایی با هنر کاشیکاری از گذشته تا حال؛ مینیاتور

ایرانی؛ معماری اسلامی در شبه‌قاره هند؛ آثار و تمدن ایران در خرابه‌های تاکسیلای؛ و... شمه‌ای از پهنه بسیط فعالیت سرآمد سپنتا، در میان هم‌قطارانش است.

یکی از اتفاقات مهم زندگی سپنتا، آشنایی او با اندیشمند شهیر «بهرام‌گور طهمورث»^۱ و «مهربانو» همسرش به‌واسطه «دینشاه ایرانی» است که نگرش وی را در زمینه پژوهش در تاریخ، هنر و فرهنگ پارسی دگرگون ساخت. سپنتا، در سال ۱۳۰۸ شمسی به اتفاق پروفیسور بهرام و همسر وی به‌عنوان مشاور و مترجم به کشور عراق (بابل و بغداد) سفر کرد و ضمن همکاری میدانی با آن هیئت، اقدام به تدوین کتاب «اشک سپنتا» و سرودن تصنیفی عبرت‌انگیز بنام «مهتاب مدائن» نمود. سپنتا، در خصوص نحو سرودن این شعر می‌نویسد: «خزان سال ۱۳۰۸ شمسی یک شب مهتاب از گردش و مطالعه در خرابه‌های بابل عراق با پروفیسور گور در تیسفون و در کنار طاق کسرا، محو تماشای آن بنای عظیم بودیم و من بر تپه خاکی نرمی که در مجاورت آن سازه عظیم و متروکه بود، لمیده بودم که قطار شتری از مسیر جلوی سرا در حال گذار به سمت بیابان تاریک و خاموش بود، بی‌اراده تاریخ پرفراز و نشیب ایران در جلوی چشمانم به‌تصویر درآمد و اشک در چشمانم حلقه زد و شروع به سرایش آن اشعار نمودم» (سپنتا، ۱۳۱۵: ۳۲).

عبدالحسین، از سال ۱۳۰۸ تا ۱۳۱۵ هندیستان را به‌منظور دیدار خانواده و تحقیق به مقصد ایران ترک و در اصفهان سکونت یافت. به گفته او، این دوران از دوره‌های طلایی و پرثمر زندگی اوست (پروین، ۱۳۷۷: ۱۴۵). او در این دوره ضمن چاپ جریده «سپنتا»، کتب و آثاری را که با خود از شبه‌قاره آورده بود همچون آثاری از «دینشاه ایرانی»، شامل: اخلاق ایران باستان؛ پرتویی از فلسفه ایران باستان؛ پیک مزدیستان؛ نوآموز مزدیسنا و... به زبان فارسی ترجمه و منتشر کرد. همچنین به تنظیم و ترجمه فارسی کتاب وزین «ایران و اهمیت آن در ترقی و تمدن بشری» نوشته «پشوتن پ بلسارا»^۲ پرداخت که این اتفاق تأثیر بسزایی در دوران شکوفایی زبان فارسی در میان نخبگان شبه‌قاره و علاقه‌مندان به جنبش استقلال طلبی هندیستان از استعمار انگلیس ایفا نمود. بلسارا، و ناشر این اثر در مقدمه آن از سپنتا، بدلیل اهتمام مجدانه‌اش و طبع بلندنظرانه وی در خصوص تدوین و ترجمه فصیح و بلیغ آن

^۱ - آنکلساریا (Bahramgor Tehmuras Anklesaria) (۱۹۴۱-۱۸۷۷) ایران‌شناس مشهور هندی و متخصص زبان و ادبیات ایران باستان و پهلوی، وی پسر طهمورث دینشاه بود. بهرام، اوستا را نزد پدر آموخت و از استادان بزرگ پهلوی‌دان گردید. او بر زبان هندی، فارسی و انگلیسی کاملاً مسلط بود. وی در سال‌های ۱۳۰۹ و ۱۳۱۴ شمسی به ایران آمده و در مراسم افتتاح دانشگاه تهران و جشن هزاره فردوسی شرکت داشته است.

^۲ - محقق، اندیشمند، پژوهشگر و وکیل سرشناس هندی که از پارسیان بود. تألیفات فراوانی در زمینه مردم‌شناسی و ایران‌شناسی بانجام رسانده است.

قدردانی شایگانی نموده‌اند. نسخه انگلیسی این کتاب پس از استقلال هندوستان از استعمار انگلیس به صورت سلسله مقالاتی در مجله *iran league quarterly mumbai* چاپ و منتشر شد. گوهر تاج سپنتا، در بیان خاطرات همسرش، متذکر می‌شود: «عارف قزوینی» در پایان عمر به اصرار سپنتا، اشعار جدیدش را تنظیم و نزد وی می‌فرستد و عبدالحسین، این ابیات را به زبان انگلیسی با مقدمه خود و دینشاه در سال ۱۳۱۴ شمسی، دو سال پس از مرگ عارف ترجمه و منتشر می‌نماید. همچنین یکی از هم‌نشینان صمیمی و مشوق عبدالحسین، در هندوستان دکتر «رابیندرانات تاگور»^۱ شاعر و فیلسوف شهیر هندی است که در اردیبهشت ماه سال ۱۳۱۱ شمسی در سفری به ایران به همراه دینشاه و ابراهیم پورداوود با دوست قدیمیش عبدالحسین، دیدار و در خصوص شیوه‌های ترجمه آثار ادبی هند و ایران باستان مباحثات مستمری و دامنه‌داری بانجام می‌رسانند. سپنتا، ضمن پژوهش‌های مختلف و دنبال نمودن حرفه روزنامه‌نگاری اقدام به تألیف، ترجمه و نشر آثار ارزنده دیگری همچون: تألیف و انتشار کتب «پیام راستی»، «اشک سپنتا»، «تاریخچه وقف و اوقاف اصفهان»، «دیوان اشعار سپنتا»^۲، «انارگلی»، «مار»، «حافظ چه می‌گوید؟»، «آنچه که دنیا مرهون تمدن ایران است».

ترجمه کتب «زرتشت که بود و چه کرد؟» تألیف رابیندرانات تاگور، «یادداشت‌های آبراهام گاتوگی‌گوس».

گردآوری و تدوین «منتخبات اشعار دهقان سامانی»، «منتخبات اشعار عبدالوهاب گلشن ایرانپور»، «مجموعه اشعار ملی عارف قزوینی»، «اشعار داراب افسر بختیاری»^۳ و ... اقدام نمود که در زمره مراجع متقن علمی و تحقیقاتی محسوب می‌شود.

سپنتا، همچنین در سرودن شعر، تصنیف و ساختن موسیقی تبحر خاص داشت و در طنز و فکاهه و بداهه‌گویی شهره بود. او در اصفهان حلقه‌ای از دوستان از جمله: ملک‌الشعراى بهار، عبدالحسین برازنده، جلال‌الدین تاج اصفهانی، عارف قزوینی، ابوالحسن صبا و ... تشکیل داده بود (مجله ارمغان، ۱۳۵۰: ۹۹)، همچنین با میرزاده عشقی، عباس اقبال آشتیانی، بدیع‌الزمان فروزانفر، سعید نفیسی، صادق

^۱ - تاگور (۱۸۶۱ - ۱۹۴۱) شاعر، نمایشنامه‌نویس، فیلسوف، موسیقیدان، نقاش اهل بنگال هند و مسلط به زبان فارسی بود. تاگور به ایران علاقه‌ای وافر داشت. وی، نخستین آسیایی برنده جایزه نوبل است. پدرش دیندرانات (مهاریشی)، شیفته غزل‌های حافظ و حافظ آنها بود. تاگور ملقب به Gurdev بمعنای پیشوا است، وی از مدافعان سرسخت جنبش استقلال هندوستان بود. سرودهای ملی هند و بنگلادش از تصانیف او است.

^۲ - در اشعارش به «سپنتا» تخلص می‌نمود، در سرودن اوزان مختلف مسلط بود، مضامین و مفاهیم نو و بدیع را در اشعارش به شیوه ای خلاقانه شکوفا می‌ساخت.

^۳ - داراب افسر بختیاری (۱۲۷۹-۱۳۲۰)، اشعار فارسی او با گویش بختیاری بسیار معروف است. سروده «رستاخیز مسجد سلیمان» نمونه احساسات ملی و افکار وطن‌پرستانه وی می‌باشد. ملک‌الشعراى بهار از او فردوسی زبان بختیاری نام می‌برد.

فرهنگ از جمله وزارت معارف کثرت جامعه مخاطب فیلم‌های ناطق فارسی را مشاهده کردند، پیشنهاد ساختن دومین اثر سینمایی ناطق را بنام «فردوسی» توسط «علی‌اصغر حکمت» به سپنتا دادند. این پیشنهاد، سپنتا را به سمت ساختن آثار فاخر دیگری رهنمون گردید و در ادامه فیلم فردوسی در مهرماه سال ۱۳۱۲ شمسی به مناسبت هزارمین سالروز ولادت وی، همزمان با مراسم افتتاحیه ساختمان آرامگاهش در طوس اکران گردید و تشویق اهالی ادب، هنر و فرهنگ را برانگیخت، تا بدان حد که «محمدعلی فروغی» آثار مطبوعاتی و سینمایی وی را در محافل ادبی و هنری می‌ستوده و سپنتا را مصباح فرهنگ می‌نامید. سومین اثر به یادماندنی سپنتا، «شیرین و فرهاد» است که در سال ۱۳۱۴ شمسی پس از تدوین، با عنوان «خسرو و شیرین» به نمایش درآمد. فیلم چهارم سپنتا، «چشم‌های سیاه» به داستان نادرشاه و نحوه محاصره لاهور به‌دست وی و سپاهیانش می‌پردازد. این فیلم در خرداد ۱۳۱۵ شمسی در ایران و هندوستان بر روی پرده رفت و تشویق اهالی فن را برانگیخت. پنجمین فیلم سپنتا برگرفته از ادبیات کهن و فاخر ایران منظومه «لیلی و مجنون» بود که استقبال بینندگان و منتقدان همراه بود و سینمای فارسی را وارد عرصه جدیدی نمود. نقش اول مرد تمام این آثار توسط خود سپنتا ایفای نقش می‌شد و قسمت عمده اشعار نیز از سروده‌های او بود. این آثار با محوریت سپنتا و مشارکت استودیوهای امپریال فیلم (بمبئی)، کریشنافیلم (بمبئی) و کمپانی ایست ایندیا (کلکته) ساخته و اکران می‌شده‌اند.

دیگر آثار شاخص عبدالحسین سپنتا:

مباشرت سپنتا در طراحی تمبر یادبود «هزارمین سال تولد ابن‌سینا» در سال ۱۳۲۶ شمسی از جمله خدمات ارزنده وی به ساحت اندیشه، فرهنگ و ادب ایران می‌باشد. تهیه، تنظیم و نظارت بر کنسرت‌های «کاووس جی‌هال» در بمبئی از دیگر آثار این روزنامه‌نگار و هنرمند شهیر ایرانی است. تلاش مستمر سپنتا، در خصوص برگزاری نشست هفتگی «دورنمای ایران» به‌منظور آگاهی بخشی به نخبگان و متفکران از دیگر اقدامات قابل تحسین او می‌باشد که علی‌رغم وجود مسائل مادی بر استمرار آن تأکید می‌کرد. سپنتا، در طول عمر خود از هیچ خدمتی نسبت به هموطنانش، فارسی‌زبانان و بشریت فروگذار نکرد. او همواره در همه مجامع و محافل همسرش را تکریم و او را حامی خود برمی‌شمرد و بر زمینه‌سازی کمال و تعالی جایگاه شخصیتی، علمی و معرفتی نسوان، در همه عرصه‌ها پافشاری می‌کرد. سپنتا، علاقه وافر به مباحث دیرینه‌شناسی، باستان‌شناسی و مطالعه تاریخ و تمدن ایران و هند داشت و مباحث مردم‌شناختی و مطالعات فرهنگی را بنیاد ارتباطات بین‌الملل تعریف می‌کرد.

۱ - ذکاءالملک، در مجامع فرهنگی و ادبی، جسارت، تعهد، اندیشه، هنر و قلم سپنتا را می‌ستود و بداهه‌گویی و بدیهه‌نویسی همراه با طبع فکاهی و رویکرد نقادانه وی را خصیصه شاخص وی برمی‌شمرد.

وی، در محل سکونتش در اصفهان اقدام به برپایی کتابخانه و موزه‌ای شخصی و شاخص کرد که دقت نظر در گردآوری عناصر و چیدمان آثار، بصیرت هنری و ذوق فرهنگی گردآورنده را متجلی می‌کرد.

نتیجه‌گیری

عبدالحسین سپنتا شخصیتی ممتاز، فاضل با دغدغه‌های ملی است که علاوه بر پیشه پژوهش و تحقیق، در ساحت ادب، فرهنگ و هنر منشاء خیر فراوان بوده است. دوران زیست این دوستدار وطن دورانی پرتلاطم در تاریخ ایران بوده و طبع پویا و ذهن حساس این نخبه فرهنگی به مدد حضور دوستان و نزدیکان دلسوز توانسته است از وی روزنامه‌نگاری چیره‌دست، بازیگری بداهه‌گو، مترجمی مبرز، نویسندگی توانمند، ادیبی فاضل تربیت نماید. سپنتا نمادی از پویایی جوان ایرانی در اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم شمسی است که علی‌رغم محروم بودن از نعمت پدر ولیکن به حمایت قاطع مادر و دایی خود و دوستان دلسوز توانسته است نردبان ترقی و پیشرفت را در غایت کمال به ساحت ادب، هنر و فرهنگ ببیماید و برگ زرینی در دفتر چهره‌های ماندگار ایران زمین به خود و فعالیت‌های حرفه‌ایش اختصاص دهد. سپنتا، از پیشگامان الهام‌بخش در حوزه ادب، هنر دوران پسامشروطیت است وی از شارح سینمای ناطق فارسی است، لیکن به دلایل مختلف از جمله ضعف آرشپوی، گپ‌های بین‌نسلی، نگاه‌های سطحی، ضعف مطالعات بین‌رشته‌ای آکادمیک و ... آثار ممتاز و شاخص این ادیب در زمینه روزنامه‌نگاری، مدیریت مطبوعات، ترجمه و تألیف، نظم و نثر در سایه آثار سینمایی و نمایشی فاخر او در غفلت نخبگانی و ستایش همگانی قرار گرفته است. او سبک‌های عرفی و بدیل جراید فارسی در ایران و هندوستان را به هوشندی درک نموده و به مدد آموزه‌های نکته‌سنجانه‌اش، به‌نحوی متعالی نزد افکار عمومی در میان جامعه مشتاق آگاهی فارسی زبان بالاخص ادیبان هندوستان و ایران مشعشع و متجلی ساخته است. سپنتا، دروازه ارتباطی پارسیان، مرکز ثقل تعامل اندیشه‌ای و فرهنگی مجامع منورالفکرهای فارسی زبان هند و ایران و مصباح شناخت ادبیات اوستایی و زبان‌شناسی پهلوی در قرن چهاردهم شمسی است. او در نوع خود توانست در جنس و چیدمان محتوا، قالب‌ها، مضامین و اندیشه‌های حاکم بر روزنامه‌نگاری فارسی در میان مخاطبان ایرانی و هندی و حتی تاجیکستانی و افغانی تعامل و تعادل سازنده همراه با وقار ادبی و رسانه‌ای را جاری و اعمال نماید.

امید است این پژوهش توانسته باشد، بستری مستعد و مستوی برای پوییش و پژوهش‌های آتی دیگر علاقه‌مند محترم در ساحت بسیط جراید و مطبوعات مکتوب فارسی در ایران و دیگر ممالک جهان مهیا ساخته باشد.

منابع

۱. افشار، ایرج (۱۳۴۹). کتاب‌های چاپی قدیم در ایران و چاپ کتاب‌های فارسی در جهان، تهران: انتشارات هنرو مردم.
۲. امید، جمال (۱۳۶۳). عبدالحسین سپینتا زندگی و سینما، تهران: انتشارات ب بی نا بی تا.
۳. اوحدی، عبدالمجید (۱۳۵۰). تاریخ انجمن‌های ادبی اصفهان، اصفهان.
۴. آبادانی، فرهاد (۱۳۴۸). زندگینامه عبدالحسین سپینتا، تهران: انتشارات بی بی نا بی تا.
۵. آدمیت، فریدون (۱۳۵۵). فکر دموکراسی اجتماعی در نهضت مشروطیت، تهران: انتشارات خوارزمی.
۶. آذرننگ، عبدالحسین (۱۳۸۷). کتاب و کتابخوانی: تاریخ نشر کتاب در ایران، تهران.
۷. آنتوانوا، ک / بوذگار دلوین / کوتوفسکی، گ (۱۳۶۱). تاریخ نوین هند، ترجمه پرویز علوی، تهران: انتشارات بین‌الملل.
۸. براون، ادوارد (۱۳۳۷). تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ترجمه محمد عباسی، تهران: انتشارات معرفت.
۹. پارتا ساراتی، رانگا سوامی (۱۳۸۸). روزنامه‌نگاری و مطبوعات در هندوستان، ترجمه داوود حیدری، تهران: انتشارات مطالعات و رسانه.
۱۰. پروین، نا صرالدین (۱۳۷۷). تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی نویسان، تهران: انتشارات نشر دانشگاهی.
۱۱. توکلی طرقی، عبدالحسین (۱۳۸۳). سیر مطبوعات فارسی در هند، تهران.
۱۲. خانیکی، هادی (۱۳۹۰). مطبوعات ایران از دوره قاجار تا انقلاب اسلامی، تهران: ماهنامه نسیم بیداری، شماره ۱۵.
۱۳. رایینو، هل (۱۳۸۰). روزنامه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۳۲۹ شمسی، ترجمه جعفر خامی‌زاده، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۴. رجایی، عبدالمهدی (۱۳۹۵). دانشنامه روزنامه‌نگاران استان اصفهان، اصفهان: انتشارات یاقوت سپاهان.
۱۵. زاهد، فیاض (۱۳۹۰). عصر طلایی مطبوعات ایران، تهران: انتشارات خانه تاریخ.
۱۶. سپینتا، عبدالحسین (۱۳۳۴). دیوان اشعار عبدالحسین سپینتا، اصفهان: انتشارات گوهر.
۱۷. صدرهاشمی، سیدمحمد (۱۳۵۱). تاریخ جراید و مجلات ایران، تهران: انتشارات کمال.
۱۸. فرجی، مهدی (۱۳۹۹). حیل‌المتین و ترقی ایران، تهران: انتشارات نقد فرهنگ.
۱۹. قاسمی، سید فرید (۱۳۸۹). مطبوعات ایرانی، تهران: انتشارات نشر علم.
۲۰. قاسمی، سید فرید (۱۳۹۷). جست‌نوشت و کتاب کاوی و مجله پژوهی و روزنامه شناسی، تهران: انتشارات خانه کتاب.
۲۱. قاسمی، سیدفرید (۱۳۸۰). سرگذشت مطبوعات ایران، تهران: انتشارات مطالعات و رسانه.

۲۲. کسروی، احمد (۱۳۶۹). *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۲۳. محیط طباطبایی، محمد (۱۳۶۳). *تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران*، تهران: انتشارات بعثت.
۲۴. مرادف، مراد (۱۳۹۸). *نقش روزنامه‌نگاری فارسی هندوستان در شکل‌گیری روزنامه‌نگاری ایران*، تهران: فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۵۶.
۲۵. مسعودی، اکرم (۱۳۹۳). *تاریخچه چاپ سنگی در ایران*، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز.
۲۶. مکی، حسین (۱۳۶۳). *تاریخ بیست ساله ایران*، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۲۷. مولانا، حمید (۱۳۷۲). *سیر ارتباطات اجتماعی در ایران*، تهران: انتشارات دانشکده علوم ارتباطات دانشگاه تهران.
۲۸. مهدوی، سیدمصلح‌الدین (۱۳۳۴). *تذکره شعرای معاصر اصفهان*، اصفهان: انتشارات تایید.
۲۹. مهدوی، سیدمصلح‌الدین (۱۳۸۳). *دانشمندان و بزرگان اصفهان*، اصفهان: انتشارات گلدسته.
۳۰. نور علی‌اف، عبدالواسط (۲۰۰۱). *تاریخ ژورنالیست کشورهای پارسی‌زبان*، تاجیکستان: طبع دیوشنیچ.
۳۱. هادوی، مصطفی (۱۳۸۱). *تذکره شعرای معاصر اصفهان*، اصفهان: انتشارات سپاهان.
۳۲. یوسفی نیا، راضیه (۱۳۸۲). *پیدایش و تحول مطبوعات در ایران از آغاز تا پایان مشروطیت*، تهران: ماهنامه پیام بهارستان شماره ۲۴.
۳۳. روزنامه سپنتا، *نامه‌های سپنتا*، (شماره‌های برجای مانده).
۳۴. روزنامه مکرم (۱۳۴۸). شماره ۵۵۹.
۳۵. مجله ارمغان (۱۳۵۰). دوره ۳۸، شماره ۲.
۳۶. مجله وحید، *زندگینامه عبدالحسین سپنتا*، شماره‌های ۳ و ۱۷.
۳۷. مجله یغما، *در سوگ سپنتا*، نوشته حبیب یغمایی، سال ۲۲، شماره ۲.

1. Ahan, A.A (2008). Historical study of Persian journalism in indian. Dihli: Educational Publishing House
2. Aslam Sidiqi (1947). *Persian Press In India: indo-anica*, Vol 2, No2.
3. Cohen, B (1963). *The Press and Foreign policy*: Princeton, NJ: Princeton University Press: ISBN.
4. Browne, Edward Granville (1900). *A Literary History of Persia*; reprinted (Cambridge: University Press, 1948).
5. Lippman, w (1922). *Public Opinion*: Newyork. Macmilan.
6. Tahir, S.N and Baloch, M.A (2009). *War of Independence 1857 and the Role of Urdu and Persian Newspapers*.
7. <https://muse.jhu.edu/pub/3/article/777508>
8. <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.>
9. [https://www.researchgate.net/publication/342902222.](https://www.researchgate.net/publication/342902222)

**Review the first Persian texts of journalism in Iran:
"Tohf-at-al-alam" and "Masir talebi"
Dawood Agharafii¹ **

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Documents Institute, National Library and Archives, Tehran, Iran. E-mail: dawoodagharafii21@yahoo.com

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research Article</p> <p>Article history: Received :11 August 2022 Received in revised form 16 September 2022 Accepted: 30 October 2022 Published online: 21 December 2022</p> <p>Keywords: bibliography, journalism, Masir talebi, Persian texts, Tohf-at-al-alam</p>	<p>Objective: This article aims to examine the first Persian texts in the field of journalism. The beginning of Iran's journalism career during the time of Mohammad Shah Qajar along with the publication "Kaghaz Akhbar" and the efforts of its founder, "Mirza Saleh Shirazi" .Before Mirza Saleh newspaper and his efforts in this field, left texts, however brief, to introduce the newspaper and journalism in Persian language, however, their efforts were less noticed and appreciated by the public. The travelogue "Tohf-at-al-alam" written by "Mir Abdul-Latif Khan Shoushtari" and the travelogue "Masir Talebi" written by "Mirza Abutaleb Khan Isfahani" are among these neglected texts. In this article, we posing two questions: 1. What is the importance of Tohf-at-al-alam and Path of Talebi books in the social and cultural context of our time? 2. From the point of view of journalism and media science, what are the outstanding and significant points of Tohf-at-al-alam and Masir Talebi ?</p> <p>Methods: with a historical-descriptive approach and descriptive/analytical bibliographic method. Conclusions: Finally, the article suggests that these texts should be revised and re-read at the educational levels of journalism. Also, the importance of examining historical texts for a better understanding of the evolution and evolution of journalism in Iran is one of the results of the forward-looking research</p>

Cite this article: Agharafii, Dawood; (2022) Review the first Persian texts of journalism in Iran: "Tohf-at-al-alam" and "Masir talebi" *News Science*, 11 (43), 33-56.



بازخوانی اولین متن‌های فارسی روزنامه‌نگاری در ایران: «تحفه‌العالم» و

«مسیر طالبی»

داود آقارفعی^۱✉

۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه حفاظت اسناد، پژوهشکده اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی، تهران، ایران، رایانامه: dawoodagharafii21@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۲۰</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۶/۲۵</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۸</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۹/۳۰</p> <p>کلیدواژه‌ها: تحفه‌العالم، رسانه، روزنامه‌نگاری، کتاب‌شناسی متون فارسی، مسیر طالبی</p>	<p>موضوع: هر چند طلیعه آغاز حرفه روزنامه‌نگاری ایران در زمان محمدشاه قاجار همراه با نشریه «کاغذ اخبار» و کوشش‌های مؤسس آن یعنی «میرزا صالح شیرازی» صورتی قابل توجه یافت و این حرکت در واقع آغاز موج آشنایی ایرانیان با رسانه‌ها- اگر چه به صورت ابتدایی- نام گرفت، اما برخی نویسندگان و سیاحانی هم بودند روزنامه و روزنامه‌نگاری را پیش از وی به فارسی‌زبانان معرفی کردند این متن‌ها تا حدی بسیار در تاریخ روزنامه‌نگاری ایران مغفول مانده‌اند و لازم است از نو بازخوانی و بررسی شوند. سفرنامه «تحفه‌العالم» نوشته «میرعبدالطیف خان شوشتری» و سفرنامه «مسیر طالبی» نوشته «میرزا ابوطالب‌خان اصفهانی» از جمله این متون مغفول مانده هستند. در این مقاله سعی بر آن داریم با طرح دو سؤال، نقش و اهمیت کتاب‌های مذکور را در زمینه روزنامه و روزنامه‌نگاری مورد بازخوانی قرار دهیم: ۱. اهمیت کتاب‌های تحفه‌العالم و مسیر طالبی در بافتار اجتماعی و فرهنگی زمانه خود چیست؟ ۲. کتاب‌های تحفه‌العالم و مسیر طالبی از منظر روزنامه‌نگاری و علوم رسانه‌ای دارای چه نکات برجسته و قابل توجهی هستند؟ روش پژوهش: این مقاله با رویکردی تاریخی- توصیفی و با روش کتاب‌شناسی توصیفی/ تحلیلی نگاشته شده است و در صدد است به بررسی نخستین متن‌های فارسی در زمینه روزنامه‌نگاری بپردازد.</p> <p>نتایج: در نهایت مقاله پیشنهاد دارد که این متون بازبینی شوند و در سطوح آموزشی روزنامه‌نگاری مورد بازخوانی قرار گیرند. همچنین اهمیت بررسی متون تاریخی برای درک بهتر سیر تحولی و تکاملی روزنامه‌نگاری در ایران، از جمله نتایج حاصله پژوهش پیش‌روی است.</p>
<p>استناد: آقارفعی، داود؛ (۱۴۰۱). بازخوانی اولین متن‌های فارسی روزنامه‌نگاری در ایران: «تحفه‌العالم» و «مسیر طالبی». علوم خبری، ۱۱ (۴۳)، ۳۳-۵۶.</p>	

مقدمه

آشنایی ایرانیان با پدیده روزنامه و روزنامه‌نگاری، سال‌های طولانی بعد از ابداع آن در مغرب‌زمین صورت پذیرفت. توده مردم ایران تا نهضت مشروطه و اکثریت نخبگان جامعه تا پیش از دوره ناصرالدین‌شاه، روزنامه و روزنامه‌نگاری را نمی‌شناختند. مانند بسیاری از دیگر پدیده‌های نو، تنها گروهی انگشت‌شمار از درباریان و دیوانیان عالی‌رتبه و بازرگانانی که با خارج به‌ویژه هندوستان و روسیه در تماس بودند، از وجود «کاغذ اخبار» یا «گازت» آگاهی داشتند (رسول‌اف، ۱۳۸۹: ۱۷). این آگاهی نیز در حدی نبود که منتج به تأسیس اولین مطبوعه ایران شود و انگیزه‌ای را در این باب فراهم آورد. چنان‌که می‌دانیم، اولین روزنامه ایران که البته به‌صورت ماهانه به‌چاپ می‌رسید «کاغذ اخبار» میرزا صالح شیرازی بود ولی سفرنامه «تحفه‌العالم» میر عبداللطیف‌خان شوشتری ۳۷ سال پیش از چاپ روزنامه مذکور یعنی در حدود سال ۱۲۱۶ قمری نگاشته شده است.^۱ از سویی دگر، سفرنامه میرزا ابوطالب‌خان نیز که با عنوان «مسیرطالبی» تحریر شده در سال ۱۲۱۹ به‌چاپ رسید و از حیث پرداختن به روزنامه و روزنامه‌نگاری در میان متن‌های فارسی، جزو متن‌های پیشرو است. بنابراین دو متن و کتاب مذکور را می‌توان از مراجع نخستین زبان فارسی در زمینه روزنامه‌نگاری و مطبوعات لحاظ کرد و این ویژگی «اول بودن»، نه‌تنها سرآغاز نگارش در زمینه مطبوعات، میان ایرانیان را نشان می‌دهد، بل، از حیث قدرشناسی مساعی افرادی که در این زمینه، تحریراتی داشته‌اند نیز حائز اهمیت و انتفاع است.

تاکنون، التفاتی چندانی به واکاوی روش‌مند این قسم از مطالعات تاریخی روزنامه‌های فارسی نشده است و اگر تلاشی هم در گذشته صورت پذیرفته، گوشه‌ای از یک کتاب یا یادداشت مختصری را به‌خود تخصیص داده است. اما تحلیل متنی روزنامه‌نگارانه که برای توصیف مسئله روزنامه‌نگاری نوشته شده باشد، کم‌تر به‌چشم خورده و پر بی‌راه نیست اگر بگوییم بالکل، این موضوع دچار نسیان‌زدگی گشته و حتی از سر ناآگاهی محققان مربوطه، مورد بی‌مهری قرار گرفته است. ناگفته پیداست، روزنامه و روزنامه‌نگاری ایران تاکنون فرازها و فرودهای بسیاری به‌خود دیده است و این پدیده همانند سایر نقاط عالم، نقش‌های متفاوتی را در جامعه پذیرفته و از سوی دگر تأثیرات عمیقی نیز بر شاکله اجتماع گذارده است. این تأثیرگذاری آشکار نمی‌شود، مگر آن‌که رویکرد تاریخی را درباره آن به‌کار بست و روند این فراز و فرود را از منظر تحلیلی، به‌نظاره و قضاوت نشست. شناخت تاریخی و تاریخ روزنامه‌نگاری و نشریات چاپ شده در ایران و همچنین متن‌های مرتبط با چگونگی پیدایش رسانه‌ها و ارتقاء وسایل

^۱ . علی‌الظاهر، بخش دیگر کتاب، تحت عنوان «ذیل‌التحفه» به‌عنوان یک الحاقی، در سال ۱۲۱۹ قمری یعنی حدود یک سال پیش از درگذشت میر عبداللطیف‌خان، به‌کتاب مذکور اضافه شده است.

^۲ . کتاب ذکر شده تا سال ۱۲۶۳ قمری، به‌چاپ نرسید.

ارتباطی، باعث می‌شود دغدغه‌مندان این عرصه، به‌ویژه افرادی که به نوعی در حرفه‌های مرتبط با علوم ارتباطات نظیر روزنامه‌نگاری، روابط عمومی، مشاوران ارتباطات و نظایر این مشاغل درگیر هستند، قدرشناسانه‌تر حرفه خود را پیش گیرند و با درس از تجربیات گذشته برای گذر از مسیر نه‌چندان هموار روزنامه‌نگاری، توشه‌ای درخور به‌دست آرند. بی‌تردید، «نگاه به گذشته و تاریخ رسانه‌ها می‌تواند راهگشای آینده باشد» (راجر پری، ۱۳۹۳: ۱۲) و مالا این شناخت و تشخیص، باعث پیشگیری از تحریف و کژروی در عرصه تاریخ ارتباطات و مطبوعات ایران می‌شود.

از نظر بسیاری از پژوهش‌گران زبان و ادب فارسی، دوره قاجار یکی از مهم‌ترین دوران در عرصه سفرنامه‌نویسی ایرانیان بوده است و این‌گونه ادبی، رواج خود را مدیون گسترش ارتباط ایرانیان با سایر بلاد و سرزمین‌ها در دوره قاجار است. در این مقاله سفرنامه «تحفه‌العالم» نوشته «میرعبدالطیف خان شوشتری» و سفرنامه «مسیر طالبی» نوشته «میرزا ابوطالب خان اصفهانی» را از منظر پرداختن به معرفی رسانه‌های زمان خویش، خاصه روزنامه‌ها و مطبوعات در کشور مقصد خود یعنی انگلستان، مورد تبیین، تفسیر و بررسی قرار می‌دهیم. چنان‌که در بسیاری از متون تحقیقی آمده و پژوهش‌گرانی چند نیز بر آن صحنه گذارده‌اند، سفرنامه‌های مورد بحث، از جمله اولین سفرنامه‌هایی هستند که در آن به زبان فارسی، بسیاری از نوآوری‌ها و مظاهر تجدد مانند رسانه‌ها و روزنامه‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند و در واقع اولین متن‌هایی هستند که در آن‌ها با ویژگی فارسی‌نویسی، به وجود روزنامه، اشارت رفته است. بنابراین یکی از ویژگی‌ها و دغدغه‌های اصلی این مقاله پرداخت به معرفی «اولین متن‌ها» درباره روزنامه‌نگاری ایران است. بنابراین هدف اصلی مقاله نیز نشان دادن جوانب کمی و کیفی دو سفرنامه مذکور از منظر پرداختن به پدیده روزنامه و روزنامه‌نگاری در بافتار «اولین‌های روزنامه‌نگاری ایران» است. برای نائل شدن به چنین هدفی با طرح دو سؤال، می‌بایست نقش و اهمیت سفرنامه‌های مذکور را در زمینه روزنامه و روزنامه‌نگاری مورد بازخوانی قرار دهیم: ۱. اهمیت کتاب‌های تحفه‌العالم و مسیر طالبی در بافتار اجتماعی و فرهنگی زمانه خود چیست؟ ۲. کتاب‌های تحفه‌العالم و مسیر طالبی از منظر روزنامه‌نگاری و علوم رسانه‌ای دارای چه نکات برجسته و قابل توجهی هستند؟ طرح چنین سؤالاتی کمک می‌کند تا ابتدا وضعیت اجتماعی، فرهنگی و سیاسی عصر نویسندگان درک شود و در نهایت امر، اهمیت متن از منظر رسانه‌ای و تاریخ ارتباطات نیز عیان گردد.

پیشینه نظری

بررسی رویکردهای تاریخ‌نگاری ارتباطات و همچنین مفهوم و اهمیت سفرنامه و سفرنامه‌نویسی از جمله مهم‌ترین مفاهیم مقاله پیش‌روی است. بدین‌سان برخی رویکردها و تعاریفی که در زمینه مفاهیم مذکور وجود دارند، مرور می‌کنیم:

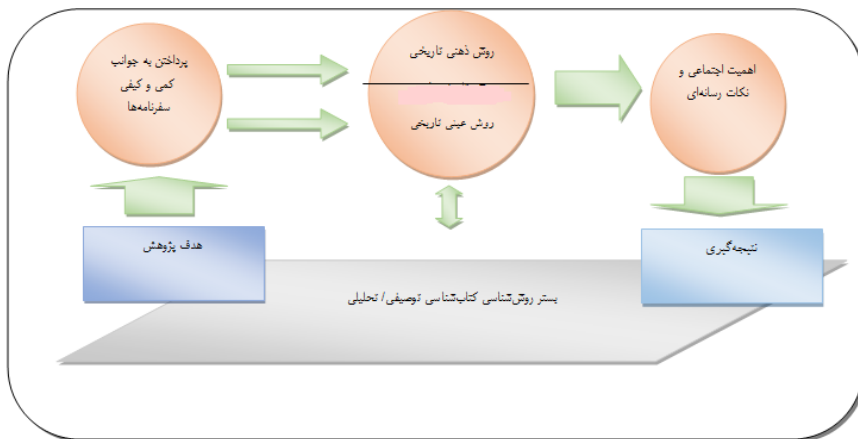
الف- رویکرد تاریخ‌گرایی در ارتباطات و روزنامه‌نگاری: چنان‌چه اشارت رفت، آشنایی با تاریخ مفاهیم و پدیده‌هایی که به‌طور ماهوی بر ساختار اجتماعی و فرهنگی جوامع اثرگذار هستند، بر قدرشناسی پژوهش‌گران پسین و حرفه‌مندان آن عرصه تأثیرگذار است. دانستن تاریخ ارتباطات و بالتبع آن، روزنامه‌نگاری نیز از این قاعده مستثنی نیست. برخی بر این باورند که تاریخ علم به‌طور «اعم» و تاریخ ارتباطات و روزنامه‌نگاری را به‌طور «اخص» باید در چارچوب دو رویکرد مختلف و یا متضاد مورد بررسی قرار داد. دارا بودن رویکرد تاریخی یا «تاریخ‌گرایی» در اواخر قرن نوزدهم و از جنبه متعارض‌گونه اول به‌معنی‌الگوی بود که بر یگانگی همه نمودهای تاریخی تأکید می‌کرد و معتقد بود که هر عصری را باید به اعتبار افکار و اصول آن تبیین کرد و یا به دیگر سخن مورخ نباید تمام تحولات علمی دوره‌های گذشته را با توجه به باورها، انگیزه‌ها و ارزش‌گذاری‌های دوره خود تبیین کند (آذری، ۱۳۸۱). از جنبه‌های متعارض‌گونه بعد دوم، که به اواخر قرن بیستم و اوایل هزاره سوم، بازمی‌گردد به‌معنی‌گرایشی است که به اندازه همان مفهوم نخستین به آن توجه می‌شود. یعنی تاریخ‌گرایی را به‌عنوان یک رویکرد روش‌مند، مبنی بر به‌کارگیری قوانین گذشته‌نگر قلمداد می‌کند که هدف اصلی آن حفظ و حراست از جهان‌بینی علمی است که در اعصار قدیم شکل گرفته و حال باید مورد توجه واقع شود (آذری، ۱۳۸۲). بنابراین در مجموع می‌توان گفت از منظر نظری و در برخورد با مفاهیم تاریخی در زمینه ارتباطات و رسانه‌ها همانند سایر تاریخ‌نگاری‌ها با دو نوع رویکرد عینی یا بی‌طرفانه و ذهنی یا وابسته به ذهن مورخ مواجهیم و در این مقاله سعی داریم با نسبتی از هر دو رویکرد متون مورد نظر خود را از منظر تاریخی و کتاب‌شناسی تحلیلی مورد واکاوی قرار دهیم.

ب- سفرنامه و سفرنامه‌نویسی: سفرنامه‌ها یکی از مهم‌ترین منابعی هستند که ضمن دست اول بودن می‌توانند به‌صورت مستند، اطلاعات و دانشی درخور، در زمینه‌های مختلف به خواننده و پژوهش‌گر عرضه کنند. به‌ویژه اگر سفرنامه‌ها در عصری تألیف شده باشند که رسانه‌های جمعی در تلاش به‌منظور گردش اطلاعات، به دلایل مختلف نظیر ضعف‌های فناوریانه و همچنین مساعد نبودن بافتار فرهنگی و اجتماعی جوامع، با محدودیت‌هایی مواجه بوده باشند. در این صورت است که سفرنامه‌ها می‌توانند نکات مهم و خواندنی بسیاری را برای خوانندگان و پژوهش‌گران عیان سازند. سفرنامه‌ها یکی از گونه‌های قدیمی روایی هستند که سابقه نگارش و نشر هزاران ساله دارند. در ادبیات فارسی نیز

سفرنامه قدمتی طولانی دارد. برای مثال «ارداویرافنامه» از کهن‌ترین سفرنامه‌های ایرانی است که سفری خیالی و نمادین به عالم پس از مرگ است؛ همچنین سفرنامه ناصر خسرو که شرح سفرهای واقعی نویسنده و سیر و سلوک معنوی اوست. با وجود این قدمت طولانی، به سبب گسترش ارتباط میان ایران و غرب در دوره قاجار، سفرنامه به یکی از محبوب‌ترین گونه‌های ادبی در ادبیات فارسی این دوره تبدیل شد (گل احمر، توانگر و عموزاده، ۱۳۹۶). سفرنامه‌ها، گنجینه‌ای غنی و اسنادی تاریخی و معتبر هستند که در بطن خود، اطلاعاتی از اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، آداب و رسوم، اقلیم، معماری، هنر و... را از جوامع مختلف در ادوار تاریخی ثبت و ضبط می‌کنند. از این جهت، مطالعات سفرنامه‌ها، در تحقیقات معاصر، یکی از مهمترین ابزارهای گردآوری اطلاعات مردم‌شناسی و فرهنگ‌شناسی است (خوش سعادت و همکاران، ۱۴۰۰). سفرنامه‌ها، روایت سیاحان از ویژگی‌های گوناگون سرزمین‌های میزبان است. توصیف جوامع مقصد عموماً از زاویه دید سیاح و با تکیه بر پس‌زمینه‌ها، پیشینه‌ها و برخی کلیشه‌های ذهنی صورت می‌گیرد (مرادی و دیانتی، ۱۴۰۰). یکی از مهم‌ترین ویژگی‌ها در زمینه سفرنامه‌نویسی بازتاب دستاوردهای مختلف در جوامع مورد بازدید سفرنامه‌نویس است. در واقع آن‌چه که سفرنامه‌ها را برای مخاطب و خواننده آن جذاب می‌کند، انعکاس نوآوری‌های مختلف در زمینه مسائل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، ادبی و علمی است. طرفه آن‌که در زمان نوشتن سفرنامه‌های مورد بررسی ما، تحولات و دستابی به پیشرفت‌های علمی در مسیری رو به تعالی قرار داشت و اطلاع‌یابی از این دستاوردها می‌توانست زمینه‌ها و بافتار اجتماعی، فرهنگی و حتی آموزشی داخل را برای کسب و کاربرد این دستاوردها و موفقیت‌های علمی و فرهنگی مساعد کند. بنابراین سفرنامه‌ها در این عصر به منبع بسیار مهمی برای پی بردن افراد جست‌وجوگر و محقق برای اطلاع از اوضاع بلاد دیگر بدل شده بودند. سفرنامه مسیر طالبی و تحفه‌العالم نیز با دارا بودن چنین ویژگی‌هایی سعی در ترسیم وضعیت فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی جوامع دیگر داشتند و از قضا توانستند بسیاری از دستاوردهای زمانه خویش را که بنا به دلایل متفاوتی در ایران مغفول مانده بود برای خوانندگان خود در ایران بازگو کنند و اذهان خوانندگان خویش را در زمانه‌ای که عصر تاریکی فکری ایرانیان رقم خورد روشنی بخشند. بنابراین قدیمی‌ترین متونی که از روزنامه‌نگاری در آثار نوشتاری فارسی ذکری رفته دو کتاب تألیف شده در هند است که نویسندگان هر دوی آن‌ها ایرانی‌تبار بوده‌اند. با این تفاوت که میر عبداللطیف شوشتری مؤلف تحفه‌العالم یعنی نخستین نوشته فارسی شناخته شده که در آن از روزنامه یاد شده متولد ایران و مسافر هند و میرزا ابوطالب خان اصفهانی مؤلف مسیر طالبی تولد یافته در ایران و نشو و نما یافته در هند بوده است (رسول‌اف، ۱۳۸۹: ۱۷). در مجموع از بعد مفهومی در این مقاله، دو مؤلفه «تاریخ‌گرایی عینی» و

۱. برخی از متون، از تولد وی در شهر لکهنو هند یاد کرده‌اند. اما آنچه مسلم است وی دارای تباری ایرانی بوده است.

«تاریخ‌گرایی ذهنی» بر بستر «سفرنامه‌نویسی» و با هدف نشان دادن جوانب کمی و کیفی این سفرنامه‌ها، مورد مذاقه نظری قرار می‌گیرد و در نهایت اهمیت کتاب‌های تحفه‌العالم و مسیر طالبی در بافتار اجتماعی و فرهنگی زمانه خود و همچنین از منظر روزنامه‌نگاری و علوم رسانه‌ای تبیین می‌شود. در این میان از سفرنامه‌های مذکور به‌عنوان متن‌های اصلی بهره برده می‌شود. نکته مهم و قابل توجه در این بررسی، تحلیل متن یک سفرنامه با ویژگی‌ها و شاخصه‌های خود است. در واقع متن مورد بررسی، یک متن رسانه‌ای که دارای جوانب و ابعاد مختلف رسانه‌ای باشد نیست. به‌ویژه آن که محتوای مورد بررسی، به‌صورت متن است و روزنامه‌ها نیز دارای چنین جنبه‌ای هستند. در شکل زیر مقدمات، مسائل روش‌شناختی و جنبه‌های اصلی مقاله ترسیم شده است:



شکل شماره ۱: شمایی کلی از ساختار مفهومی مقاله

چنان‌که در شکل مشخص است و همان‌گونه که پیش‌تر اشارت رفت، در این پژوهش، تلفیقی از دو روش ذهنی تاریخی و همچنین عینی تاریخی بر بستر روش‌شناسی کتاب‌شناسی تحلیلی، استفاده شده است و پس از بررسی اهمیت اجتماعی و رسانه‌ای این سفرنامه‌ها از منظر روزنامه‌نگاری، نتیجه‌گیری حاصل می‌شود.

پیشینه تجربی

زمینه‌های پژوهشی صورت گرفته در باب موضوعی مقاله پیش‌روی را می‌بایست در حیطه موضوعی سفرنامه‌های مذکور، مورد توجه و بازخوانی قرار داد. این مسئله مستلزم محوری بودن سفرنامه‌های مورد

مطالعه در مقاله پیش‌روی است و تا حدودی ممکن است مطالعه پیشینه‌ها را از چارچوب تاریخ روزنامه‌نگاری و ارتباطات دور سازد. اما مزیت مطالعه چنین پیشینه‌هایی آشنایی با تلاش پژوهش‌گران برای نشان دادن موضوعات گوناگونی است که مترتب بر سفرنامه‌های مورد مطالعه این مقاله است. در این جا سه پیشینه که از حیث موضوعی، قرابت بیشتری با مباحث مطروحه را دارند، معرفی می‌شوند.

گل احمر، توانگر و عموزاده (۱۳۹۶)، به این نتیجه رسیدند که سفرنامه‌های فارسی دوره قاجار جزء نخستین تلاش‌های ایرانیان برای شناخت و بازنمایی غرب بوده است و به همین سبب بررسی چگونگی دیگری‌سازی غرب در این سفرنامه‌ها اهمیت زیادی دارد. از نظر نویسندگان مقاله، تحلیل انتقادی - شناختی استعاره‌های متن سفرنامه‌های مورد بررسی، بیانگر آن است که مجموعه‌ای از استعاره‌های مفهومی در زیربنای بسیاری از عبارات‌های استعاری این متون قابل شناسایی است. نکته مهم درباره این استعاره‌های مفهومی، نقش آن‌ها در ایجاد تصویری اغراق‌آمیز، آرمانی و بهشت‌گونه از اروپاست به گونه‌ای که ترکیب این استعاره‌های مفهومی به شکل‌گیری تصویری بسیار درخشان و رویایی از غرب همانند «دیگری» منجر می‌شود. این تصویر مثبت و درخشان یک قالب ارجاع تصویری ایجاد می‌کند که اروپا در چارچوب آن همانند بهشت استعاری‌سازی می‌شود. این به معنای آن است که ویژگی‌های قالب بهشت مانند طبیعت زیبا و حیرت‌انگیز، قصرهای مجلل و باشکوه، آب و هوای بی‌نظیر، مردان خوش صورت و حوریان بهشتی و... به سرزمین‌های اروپایی در جایگاه حوزه مقصد منتقل می‌شود و میان این دو حوزه تناظر برقرار می‌گردد. استفاده از این قالب ارجاع تصویری از سه نظر اهمیت دارد: (۱) به نویسندگان این امکان را می‌دهد که تصویری عینی و ملموس از شکوه و زیبایی «دیگری» برای خوانندگان خود ترسیم کنند، (۲) حیرت و شگفتی فراوان «خود» ایرانی در مواجهه با «دیگری» غربی را به نوعی تشویح کنند، (۳) با ارائه تصویری منسجم و آرمان‌شهری از غرب، خوانندگان را به شکل غیرمستقیم به الگوبرداری از وجوه گوناگون تمدن و فرهنگ اروپا ترغیب کنند.

اسدیور و ولی‌عرب (۱۳۹۷) به نقش و تأثیر سفرنامه میرعبداللطیف شوشتری پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که با وجود محدودیت سفرنامه‌های ایرانی از غرب به ذکر عجایب‌نامه‌ها و حیرت‌نامه‌ها، ولی نویسنده سفرنامه تحفه‌العالم توانسته تا حدود زیادی ابعاد مختلف نوآوری‌هایی که در میان غربیان بوده از جمله نوآوری‌های فرهنگی نظیر روزنامه‌ها و صنایع چاپ را منعکس کند و به‌طور کلی خواننده نوشته خویش را با روح حاکم بر تمدن غربی آشنا سازد. یکی از نکات مهم و قابل توجه این سفرنامه اشاره به آزادی بیان و مطبوعات است.

زیوار و گودرزی‌فرد (۱۳۹۶) بیان می‌دارند که موضوع سفرنامه‌نویسی به‌صورت عام و تحفه‌العالم صوت خاص یک ابزار مطالعاتی مناسب در بازخوانی نحوه و مبادی نگرش روشنفکران نسل

اول قلمداد می‌شود، از این رو تمرکز و تحقیق در خصوص آرا و ایده‌های این سفرنامه‌نویس در برابر پیشرفت‌های شگرف غربیان، دستاوردهای علمی اروپا و توسعه‌طلبی‌های استعمارگرایانه آن‌ها اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و از جمله نقاطی از آن که نه تنها مورد عبرت واقع نشده بلکه در ادوار بعد تاریخ تحولات ایران و در شرایط کنونی نیز مبتلا به برخی از اقشار جامعه بوده و هست. این سفرنامه علی‌رغم خصوصیات مشترک، تفاوت‌های اساسی در رویکرد و ظرفیت با سایر متون هم‌طراز خود دارد چرا که نویسنده آن از جهات علمی، اندیشه‌ای و حتی سیاسی از وزن واحدی با سایر نویسندگان برخوردار نبوده است. عبداللطیف شوشتری به صورت مستقل و خارج از چارچوب هیأت حاکمه در مواجهه و تعامل با مدرنیته (کمپانی هند شرقی و انگلستان) قرار دارد و ورود و اثرگذاری‌های او در حوزه سیاست ایران و یا در مناسبات نخبگی، صورت و شمایل ایرانی آن غیردولتی بوده اگرچه به نحوی در نظام فکری-شغلی غرب و مدرنیته به استخدام درآمده، و طبیعتاً اختلاف نسبتاً بارزی با نگرش افرادی چون میرزا صالح شیرازی و آجودان‌باشی دارند که به صورت رسمی و در قالب مأموریت دولتی در کنش و یا مواجهه با غرب قرار گرفتند. به هر تقدیر آنچه از خواندن این سفرنامه به ذهن‌های مکاشفه‌گر متبادر می‌شود این است که با وجود آن که این سفرنامه‌نویس تصویر به ظاهر دقیقی از ظواهر تمدن غرب در وجوه مختلف نشان داده است لیکن این اثر علمی هیچ‌گاه به صورت متسلسل و پیشینه تاریخی، به صورت شایسته و مطلوبی دستمایه تحقیقات بعدی قرار نگرفته است.

روش تحقیق

در این مقاله از روش کتاب‌شناسی توصیفی بر بستر رویکرد تحلیلی-توصیفی استفاده شده است. بر این اساس با استفاده از رویکرد کتاب‌شناسی توصیفی تحلیلی عبدی و همکارانش (۱۳۹۲)، به بررسی ابعاد مختلف سفرنامه‌های مورد نظر می‌پردازیم. جدول ذیل، چارچوبی برای نحوه بررسی یک کتاب ارائه می‌کند که مؤلفه‌های اصلی آن به دو صورت توصیفی و تحلیلی بررسی می‌شوند. در این روش، از منظر نوع کتاب‌شناسی، از کتاب‌شناسی توصیفی و تحلیلی، بهره برده می‌شود و دو بخش گزینه‌ها و مؤلفه‌ها نیز با عنایت به تنیدگی موضوعی، در یک بستر مورد توجه قرار می‌گیرد. بدین قرار، گزینه‌هایی مانند مشخصات کتاب، معرفی نویسنده، اجزای کتاب و رئوس مطالب، در کنار تحلیل موضوعی و انتقادی، ساختار مؤلفه‌ها به لحاظ مختلف از جمله هدف نویسنده به لحاظ موضوعی، هدف نویسنده به لحاظ نوع مطلب، نوع اثر به لحاظ تأثیرپذیری، چاپ کتاب، اعتبار ناشر، اعتبار نویسنده، تطابق عنوان با محتوای کتاب، فهرست مطالب، ارزیابی پیشگفتار و مقدمه سبک و نثر و نظایر آن بررسی می‌شود.

جدول شماره ۱: خلاصه‌ای از چارچوب پیشنهادی برای کتاب‌شناسی توصیفی - تحلیلی از سوی عبدی و همکاران (۱۳۹۲)

نوع کتاب‌شناسی	گزینه‌ها	مؤلفه‌ها
توصیفی	مشخصات کتاب معرفی نویسنده اجزای کتاب و رئوس مطالب	
	موضوعی	هدف نویسنده به‌لحاظ موضوعی هدف نویسنده به‌لحاظ نوع مطلب نوع اثر به‌لحاظ تأثیرپذیری
تحلیلی	بخش انتقادی / ارزشیابی	چاپ کتاب اعتبار ناشر اعتبار نویسنده تطابق عنوان با محتوای کتاب فهرست مطالب ارزیابی پیشگفتار و مقدمه سبک و نثر ویژگی منحصر به فرد کتاب تحلیل متن میزان دستیابی نویسنده به هدف خود (به‌لحاظ موضوعی) میزان دستیابی نویسنده به هدف خود (به‌لحاظ تطابق با مخاطب) میزان پوشش اصلی مباحث کتاب دیدگاه حاکم بر کتاب یا نشانه‌های سوگیری نویسنده استقلال مطالب کتاب نتیجه‌گیری تحلیل وضعیت نمونه‌ها و جدول‌ها در کتاب پانویس‌ها و پی‌نویس‌ها منابع نمایه‌ها وضعیت ترجمه

یافته‌های پژوهش

الف - کتاب تحفه‌العالم:

کتاب تحفه‌العالم، نوشته میرعبداللطیف‌خان شوشتری است. کتاب مذکور بنا بر اشاراتی که در کتاب‌های مربوط به تاریخ روزنامه‌نگاری شده است، اولین نوشته یا به‌قول نویسنده سفرنامه، «یک جزء کاغذ» به زبان فارسی در توصیف اهمیت و نقش مطبوعات است. این کتاب در واقع شرح سفر میرعبداللطیف‌خان است که مانند سایر سفرنامه‌های نگاشته شده، مرادوات، دیده‌ها و دیدگاه‌های شخصی سفرنامه‌نویس را شامل می‌شود. تحفه‌العالم بنا بر تصریح مصحح کتاب، «سفرنامه‌ایست حاوی نکات بسیار تاریخی و جغرافیایی و شعر و ادب فارسی و هندشناسی». در این کتاب از اوضاع عمومی و تاریخی زادگاه سفرنامه‌نویس تا تعاملات اجتماعی و اقتصادی در هندوستان که شامل پاکستان و بنگلادش امروزی نیز می‌شده پرداخته شده است و دست بر قضا در زمینه نقش و اهمیت مطبوعات در بلاد مغرب‌زمین، به‌ویژه انگلستان نیز مطالبی درج شده است.

توصیف کتاب بر طبق الگوی مورد استفاده

الف - مشخصات کتاب: از آن‌جا که به متن اصلی نویسنده دسترسی نبود از کتاب چاپ شده سفرنامه مذکور در ایران استفاده شده است. کتاب مورد بررسی، نسخه‌ای هست که در سال ۱۳۶۳ منتشر شده است و به‌همراه بخش الحاقی آن با عنوان «ذیل‌التحفه» در مجموع، ۵۲۲ صفحه را شامل می‌شود. عنوان دقیق کتاب «تحفه‌العالم و ذیل‌التحفه» است و مقدمه، تصحیح، حواشی و فهرستی از اعلام هم دارد. قطع آن که توسط ناشر انتخاب شده است، وزیری است و ناشر آن نیز از ناشران پرسابقه در عرصه چاپ کتاب‌های مربوط به تاریخ و فرهنگ ایران است.^۳ با عنایت به اهمیت محتوای کتاب در زمینه روزنامه‌نگاری به همین مقدار بررسی توصیفی قناعت می‌شود و از سویی دیگر نیز به دلیل قدمت کتاب، به‌کارگیری روش‌های مرسوم نقد ظاهری برای کتاب، از حیز انتفاع ساقط می‌شود.

ب - معرفی نویسنده: میرعبداللطیف شوشتری از سادات نوریه شوشتر و از نوادگان سید نعمت‌الله جزایری، فقیه معروف اواخر دوره صفویه است (شوشتری، ۱۳۶۳: ۱۱). میرزا ابوطالب‌خان اصفهانی درباره وی می‌نویسد: «دیگ دوست دلی و حبیب روحانی، میرعبداللطیف‌خان شوشتری است.

^۱ . برای مثال بنگرید به کتاب «نخستین‌های تاریخ روزنامه‌نگاری ایران».

^۲ . نسخه مورد بررسی توسط انتشارات «کتابخانه طهوری» به چاپ رسیده است.

^۳ . کتابخانه طهوری ناشر کتاب مذکور است.

حالات نامداریش در تحفه‌العالم - که کتابی در غایت بلاغت و جودت، مشتمل بر معانی لطیف و علوم کثیره، و نوک‌ریز خامه‌گهر بار اوست - درج است. آن یگانه از سادات نوریه شوشتر است که به جلالت شأن در اطراف جهان معروف و به صلاح و تقوی و علم و عقل بین‌الامم موصوف، شیخ‌الاسلامی آن ولایت از سال‌های دراز بدیشان تعلق دارد» (شوشتری، ۱۳۶۳: ۱۱). وی سرانجام در سال ۱۲۲۰ قمری در حیدرآباد درگذشت، در حالی که برخی دروس دینی را نزد علمای آن زمان گذرانده بود، در کسب علم رایج، تلاش چندانی نداشت.

ج - اجزای کتاب و رئوس مطالب: چنان‌که بیان شد، دسترسی به اصل کتاب نوشته شده بنا بر برخی مقتضیات، میسر نشد. بنابراین نگارنده مقاله، به نسخه چاپ شده همین کتاب با برخی اضافات و تصحیحات قناعت کرده است. بر این اساس کتاب مذکور در ۱۹ فصل به رشته تحریر درآمده است و در هر فصل نیز بنا بر رویکرد تاریخی، به شرح و بسط دیده‌های نویسنده اصلی، پرداخته است. در نه فصل نخست کتاب به مطالبی در زمینه زادگاه نویسنده و جایی که سفر از آن‌جا شوع شده برمی‌خوریم. از فصل دهم تا سیزدهم نیز مطالبی در زمینه اصل و نسب نویسنده سفرنامه به‌نگارش درآمده است. در اواسط فصل چهاردهم شرح سفرنویسنده سفرنامه از شوشتر و سپس بصره آغاز می‌شود و از همین فصل تا فصل نوزدهم شرح دیده‌های سفرنامه‌نویس از هندوستان و مسائل رخ داده در آن سرزمین است. یک الحاقی نیز با عنوان «ذیل‌التحفه» در پایان کتاب موجود است که می‌توان آن را تکمله کتاب و حتی به‌عنوان فصل بیستم تلقی کرد که البته جدا از کتاب مذکور تحریر شده و نوشتن آن تاریخ دیگری داد. کتاب مورد بررسی دارای سخن مصحح نیز هست که خارج از چارچوب معرفی کتاب است. همچنین برخی فهرست‌های اشخاص و اعلام نیز در انتهای کتاب است که به‌طور قطع، در نسخه اصلی موجود نبوده است و بنابراین در چارچوب تحلیلی مقاله پیش‌روی نمی‌گنجد.

مضامین مستخرج از متن منتخب کتاب

متن منتخب مذکور، مفاهیمی مستتر در خود دارد که مرور آن شبکه‌ای از مضامین مرتبط با شرایط نویسنده سفرنامه از منظر روزنامه‌نگاری و شرایط آن به‌دست می‌دهد.

گستره و پوشش خبری: آوردن کلمه‌ای مانند «اخبار مملکت»، نشان دهنده گستره توزیع نشریه است. معنی قابل استحصال از این مضمون، می‌تواند انعکاس کلیه خبرهای مربوط به کشور و ملی بودن گستره پوشش خبری را نشان دهد و نشان می‌دهد که کارکرد روزنامه در کشور مورد بررسی، جنبه ملی و فراگیر داشته است.

دوره زمانی چاپ نشریه: درج واژگان «هر هفته» نشان دهنده وضعیت کلی انتشار مطبوعات در سرزمین مورد بررسی نویسنده سفرنامه است. به احتمال، نشریات دیگری نیز با دوره‌های متفاوت چاپ در انگلستان وجود داشته‌اند ولی نشریه یا نشریات در دسترس نویسنده سفرنامه، چنین رویکردی را از منظر دوره چاپ داشته‌اند. علی‌ایحال، چنان‌که می‌دانیم، اولین نشریه چاپ شده در ایران در دوره زمانی یک ماهه به چاپ رسیده است.

تیراژ نشریات: چنان‌که از جمله به کار برده شده «...از آن پانصد ششصد جزء قالب زنده...» پیداست، علی‌الظاهر، نشریات در آن مقطع در همین حدود تیراژ داشته‌اند. ولی آن‌چه که از تحقیقات دیگران در این زمینه برجای مانده است، تیراژ نشریات بعدها، بیش‌تر از این آمار بوده است. برای مثال در دوره مظفری، برخی نشریات در اروپا و ایالات متحده به تیراژهای یک میلیونی دست‌یافته بودند. نخستین آن‌ها لوپتی ژورنال^۱ چاپ پاریس بود که در ۱۲۷۹/۱۹۰۰ خورشیدی از این میزان تیراژ درگذشت و سال بعد، دلیلی میل^۲ چاپ لندن به موفقیت مشابهی دست یافت (پروین، ۱۳۷۹: ۳۶۶). بنابراین باید قدری با تأمل و تشکیک به آمار درج شده در سفرنامه نگاه کرد.

توزیع نشریات: در متن مذکور جمله‌ای وجود دارد که دال بر نحوه ارسال نشریات است. بدین‌قرار درج شده: «...و به اطراف مملکت و به خانه‌های هر یک از اعظام جزوی فرستند...». از این تجربه نویسنده مقاله مشخص است که سیستم توزیع نشریات بر اساس اشتراک افراد و ارسال به خانه‌ها بوده است اما با توجه به جمله بعدی که می‌گوید: «...تا جمیع مردم از حوادث مملکت آگاه شوند...»، یا دال بر توزیع نشریه برای طبقات مختلف جامعه ولو با همان تیراژ اندک بوده است و یا این‌که نشریات بر طبق یک سیستم ازپیش تعریف‌نشده و مرسوم و مألوف، دست‌به‌دست می‌شده و یا در مکان‌های عمومی، خوانده می‌شده است. علی‌ایحال، وضعیت توزیع، به‌گونه‌ای بوده است که عموم مردم از اخبار مطلع می‌شدند.

آزادی بیان و استقلال حرفه‌ای روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران: یکی از نکات ملحوظ

در متن روزنامه‌نگاران سفرنامه میرعبداللطیف خان، بیان تبعات روزنامه‌نگاری در انگلستان است که از منظر حقوق مطبوعات قابل توجه است. بر این اساس، نویسنده بیان می‌کند: «...و کسی که در این کار معین است یا مختار است، از او بازپرسی نیست، هر چه بشنوند راست یا دروغ، خوب یا بد، حتی اگر امری قبیح از یکی از بزرگان یا از رئیس - که او را گورنر گویند که بر تمامی مملکت فرمانفرما است - سر زند بنویسند و احتیاط نکنند...». چنان‌که از متن مبین است، برخورد با روزنامه‌نگاران، حتی اگر

^۱ . Le Petit Journal

^۲ . Daily Mail

روزنامه‌نگار خطایی داشته باشد، به صورت غلاظ و شداد نیست و دولتمردان نیز در رده همه مردم، مبتلا به نقد و پاسخ‌گویی هستند. در نهایت نویسندگان بر وجه مثبت چنین رویکردی، اشارت دارد و وجود این روش و راه را منطبق بر مستند صحیح تواریخ رویدادها با درج بدون لاپوشانی و مجامله آن می‌داند و بیان می‌کند: «گویند در این کار [درج غیرفرمایشی مطالب و مسائل جامعه] مصالح بسیاری است که مردم را به کار آید. یکی از آن جمله اینست که امور مستحده درست به قید تاریخ به ضیظ درآیند و ثبت گردند، نه مثل تواریخ سلف که در امور عظیمه چون ولادت عیسی و رفع او به آسمان به سبب اندراس و فراموشی آنقدر اختلاف کرده‌اند که به تحریر درنیاید و بعضی از مورخین به سبب خوف پادشاهان عصر و مطابق مذهب خویش هر چه خواسته‌اند نگاشته‌اند. در این جا هیچ‌یک از این‌ها را از فراموش‌کاری و تسلط پادشاهان و تعصب مذهب راه نیست...». این مسئله، بی‌کم‌وکاست بر استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران مد نظر نویسنده سفرنامه، صحه می‌گذارد.

ب- کتاب مسیر طالبی یا سفرنامه میرزا ابوطالب خان

این کتاب توسط نویسنده‌ای به اسم میرزا ابوطالب خان به خط فارسی نگاشته شده است و در واقع سفرنامه‌ای هست که وضعیت عمومی کشورهای انگلستان، ایرلند، فرانسه، هند، عتبات که در آن زمان بخشی از عثمانی بود و سایر بلادی که از نزدیک دیده است، تشریح می‌کند. وی تبارش ایرانی بوده و زبانش فارسی دری. در لکهنو زاده شده و تا چهارده سالگی در همان جا پرورش یافته و ادب آموخته است (خدیبوچم، ۱۳۶۳: چهارده). این کتاب علی‌رغم این که بعد از کتاب تحفه‌العالم نوشته شده است، اما قبل از آن به چاپ رسید. تحفه‌العالم تا ۱۲۶۳ ق. به چاپ نرسید. اولین کتاب چاپی فارسی که در آن از روزنامه‌نگاری یاد شده مسیر طالبی است. این کتاب، با اندک فاصله‌ای پس از تحفه‌العالم نوشته شد و متن چاپی فارسی آن به سال ق. ۱۲۲۸ در کلکته انتشار یافت. مسیر طالبی شهرت عظیمی در هند و اروپا کسب کرد. نسخه‌هایی نیز از آن به ایران رسید. در این کتاب شرحی مفصل درباره روزنامه و سودمندی‌های آن آمده است (رسول‌اف، ۱۳۸۹: ۱۸).

الف- مشخصات کتاب: کتاب مسیر طالبی، سوا از نسخه اصلی که در طی سال‌های

۱۸۱۲ و ۱۸۳۶ در کلکته چاپ شده است، در ایران نیز بار اول در سال ۱۳۵۲ چاپ و یک بار نیز در سال ۱۳۶۳ و بعد طی سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۹۶ تجدید چاپ شد. نسخه مورد بررسی این مقال، مربوط به سال ۱۳۶۳ خورشیدی است. این کتاب بدون احتساب برگه‌های صفحه‌عنوان انگلیسی، ۵۲۱ صفحه است و علاوه بر متن چاپ شده کتاب، دارای مقدمه‌ای ۱۷ صفحه‌ای نیز در معرفی کتاب، نویسنده سفرنامه، مقدمات سایر بررسی‌های کتاب نظیر غلامحسین یوسفی و ایرج افشار است. کتاب در انتهای خود نیز

دارای فهرست تفصیلی، فرهنگ لغات و ترکیبات و فهرست اعلام یا فهرست راهنما است که حدود ۶۰ صفحه را شامل می‌شود. به این کتاب نیز مانند کتاب پیشین یعنی کتاب تحفه‌العالم، دسترسی نبود و به‌ناچار به همین نسخه شرح رفته، قناعت می‌کنیم.

ب- معرفی نویسنده: از نوشته‌های وی [میرزا ابوطالب‌خان] چنین برمی‌آید که پدرش در عهد نادرشاه در اصفهان، خطایی مرتکب شده و از خشم نادری به هند گریخته، در آن دیار به خدمت حکمرانی مسلمان پیوسته، و از فیض کار و کوشش خود در زمینه دیوانسالاری، صاحب مال و مقام گردیده است (خدیوچم، ۱۳۶۳: چهارده). وی به ابوطالب‌لندنی نیز مشهور است. ابوطالب به مدد نیروهای انگلیسی از موقعیت اداری ممتازی برخوردار بود و سال‌ها به آنان خدمت کرد. ابوطالب از خدماتش به اتفاق سید زین‌العابدین در خدمت آصف‌الدوله قرار گرفت. بعد از مرگ سید از کارگزاران کلنل هانی، همکار حاکم گورکھپور شد و به مدت سه سال به‌عنوان معاون کلنل به وی خدمت کرد و چون کلنل مزبور از کار برکنار شد به لکنهو برگشت و یک سالی خانه نشین گردید (مرادی ۱۳۸۸، به نقل از بیدار ۱۹۶۵، ۱۱۳).

ج- اجزاء کتاب و رئوس مطالب: کتاب مورد بررسی از چهار بخش اصلی تشکیل شده است. در ابتدا مصحح کتاب در حدود هفده صفحه، نکاتی چند از کمیت و کیفیت کتاب بیان کرده و شرحی بر حال نویسنده و اهداف احتمالی وی از نوشتن سفرنامه مذکور ارائه داده است. در بخش دیگر که با عنوان «جلد اول» آمده، زیرعنوان‌هایی همچون، «آغاز سفر فرنگ»، «توقف در کیپ»، «شروع سفر انگلند و ذکر جزایر سر راه»، «در ایرلند» و نظایرهم به تحریر درآمده است. در فصل و یا به‌قول نویسنده کتاب، در «جلد دوم» زیرعنوان‌هایی همچون «در بیان انگلند و لندن»، «فوائد کاغذ اخبار»، «اسباب آرام مسافران و شرح اشیاء خوراکی»، «ذکر جهازات و صناعات و اقسامه و اشیای خاصه انگلند» و دیگر مطالب که بیانگر دیده‌های نویسنده و اتفاقات بعد از رسیدن به انگلستان است. نویسنده علی‌الظاهر پس از پایان سفر در انگلستان به فرانسه گام می‌گذارد و از مسیر جزیره مالت عازم شهر استانبول و سپس عتبات می‌شود که شرح وقایع این قسمت را در «جلد سوم» کتاب به تحریر درآورده است. بخشی از کتاب شامل تصاویری است که متناسب با شرح دیده‌های نویسنده، توسط ناشر تهیه شده و به کتاب افزوده شده است.

تحلیل کتاب بر طبق الگوی مورد استفاده

الف- هدف نویسنده به لحاظ موضوعی: از نظر ایرج افشار^۱، مسیر طالبی، از چند جهت قابل اعتنا است. یکی این که از نخستین سفرنامه‌هایی است که توسط ایرانیان در خصوص ممالک فرنگستان نگارش یافته و نویسنده آن مستقیماً اطلاعات دست اول و مشاهدات خود را جزء به جزء در کتاب گفته است... و دیگر آن که شناخت تاریخ عصر قاجاری و دقت در روابط سیاسی ایران و اروپا بدون شناخت ملل همجوار در آن عهد و عقایدی که مشرقیان نسبت به فرنگ داشته‌اند میسر نیست و این کتاب یکی از آن جمله است که عقاید مشرقیان و مخصوصاً یک ایرانی بالیده شده در هندوستان مستعمره را نسبت به مردم اروپا می‌نماید. از فواید دیگر کتاب مشحون بودن آن به اصطلاحات فارسی رایج در هندوستان است که گویای رواج و قدرت تاریخی زبان فارسی در آن شبه‌قاره است. نثر کتاب زیبا و استوار است و خود مزیتی است دیگر. در مجموع هدف نویسنده را می‌توان آشنا کردن فارسی‌زبانان با تحولات و پیشرفت‌های غرب و اروپا دانست و از این منظر خوش اقبالی خوانندگان فارسی‌زبان است که این کتاب به همین زبان نوشته شده است. به‌ویژه آن که کتاب مذکور بخشی نیز در زمینه روزنامه‌نگاری و اهمیت روزنامه‌ها دارد.

ب- هدف نویسنده به لحاظ نوع مطلب: در مجموع و با نگاهی مختصر به عناوین مورد استفاده می‌توان همان شرح مسائل عجیب و بدیع دانست. نویسنده سفرنامه با توجه به طبع نویسندگی خویش و آثاری چند از غیر از این کتاب از خود برجای گذارده است، قلمی روان و سرشار از استعمال صنایع و ظرایف ادبی دارد و در صدد است، سبکی گلستان‌گونه به متن خود ببخشد.

ج- نوع اثر به لحاظ تأثیرپذیری: کتاب نثری مستقل دارد و شرحی بدون واسطه است. اما برای درک بهتر خواننده از مطالب مندرج، در برخی قسمت‌ها از اشعار شاعران بزرگ پارسی‌زبان استفاده کرده است.

د- ارزشیابی کتاب از منظر معرفی روزنامه و روزنامه‌نگاری: میرزا ابوطالب‌خان با آن که در مسیر خود به انگلستان، سرزمین‌های دیگری نظیر ایرلند، فرانسه، عثمانی و سایر نقاط را سیر می‌کند ولی در زمینه روزنامه و روزنامه‌نگاری، صرفاً کشور انگلستان را مد نظر قرار می‌دهد. هر چند این مسئله یک نکته منفی برای سفرنامه وی محسوب می‌شود ولی باز در جای خود و برای پارسی‌زبانان، غنیمتی به حساب می‌آید. چه آن که درک وضعیت مطبوعات و ابعاد گونه‌گون آن برای مخاطب ایرانی

۱. مندرج در مقدمه کتاب مورد بررسی

در آن زمان امتیازی بزرگ و کارساز با هدف آشنایی و به‌کاراندازی روزنامه در ایران محسوب می‌شد. ابوطالب‌خان در زمینه مطبوعات تحت عنوان «فوائد کاغذ اخبار» می‌نویسد:

«دیگر وضع «کاغذ اخبار» که خبر تمام شهرهای انگلند و سایر بلاد فرنگ دهد، و نرخ اشیاء و حقایق هر چیز جزئی و کلی، حتی اخبار «اپره» و «پلی‌هوس‌ها» که فلان روز، فلان خواننده مشهور در آن‌جا کار خواهد کرد و فلان بازی به‌روی کار خواهد آمد و ذهاب و ایاب و شادی و مرگ کل اشرف از آن معلوم می‌شود. فایده بزرگ آن این‌که هر کس پیشه و کار و مافی‌الضمیر خود را به‌واسطه آن شهرت تمام می‌تواند داد. شبی محاصل واکسال برای خیرات، یعنی اعانت چند کس از شرفای نادار مقرر بود. صاحب آن به‌واسطه دوستی، پیغام به من فرستاد که اگر در شب موعود به تماشای آن خانه روم او مرا بی خرج زرراه خواهد داد، و چون به‌جهت ورود من، هجوم تماشاچیان بسیار شده مداخل که برای خیرات معین است، زیاد خواهد گشت، من شامل ثواب نیز خواهم شد. بعد قبول من این معنی را داخل کاغذ اخبار کرده ورود مرا در شب موعود شهرت داد. چون واکسال در شهر «بره» آن طرف دریا وقع و عبور من بدان طرف کم شده بود، مردم به شوق دیدن من به حدی هجوم آوردند که گاهی آنقدر کثرت در خانه نشده بود و جا بر سایرین تنگ گردید. از طریق وصول این کاغذ این‌که بزرگان قلیلی «ماهواری» به صاحب اخبار دهند، مردم او هر روزه بدیشان می‌رسانند. در آن اثنای کاغذ به سه چهار فلوس به هرکس خواهند می‌فروشدند و آن‌ها که قدرت برادای این قلیل هم ندارند، به قهوه‌خانه‌ها که برای حاضری یا طعام روند، کاغذ اخبار که برای مشغله مردم در آن‌جا متعدد افتاده، می‌خوانند. این کاغذ از ورود و ملاقات من به وزراء و امرا و پادشاه همیشه خبر می‌داد و به لفظ «پرشن پرنس»، یعنی شاهزاده ایران، عبارت می‌کرد. این لقب بی‌آن‌که من ادعا نمایم، یا کسی اشاره به آن کند، به محض هجوم عام آن‌قدر رواج یافته بود که مرا به‌جز پذیرفتن چاره نماند و احدی نشان من و خانه من بدون این لفظ نمی‌یافت. اهل «کلب» نیز از اراده یکدیگر به‌واسطه این کاغذ خبر می‌یابند. وزرا از کارهایی که پسندیده عوام نیست هم بدین کاغذ تحذیر می‌شوند، زیرا که جمع مجهول‌الاسم آن، مردم را بر مقایح آن افعال ایشان تنبیه و از بلوای عام تخویف می‌نماید. و ایضا برای تنبیه وزرا و سایر غافلین دو راه دیگر هم هست. یکی در تصویرات مضحک «کرکیتور» نامند. بنای آن تمام بر رموز و ایماهای مصوری است و جواب و سؤال میانه «جانبول» که تصویر عامه است، و وزیر، به لطف عبارات مضحکه. با آن‌که تقضیح وزیر به رموز ایما در آن کرده‌اند، اما به‌نوعی که اگر او هم ببند بی‌اختیار به‌خنده درآید. دوم در پلی‌هوس‌ها در اثنای نقل و بازی. احدی را قدرت بر منع این تنبیهات ثلاث، اگر حق باشد یا ناقح، نیست. و همچنین برای نشر فوایدی، منع و اعانت پادشاه و اکابر مؤثر نیست، زیرا که هرکس به «چهاپه» کتب علمی قادر است، و به‌واسطه کاغذ اخبار از علم و هنر خود عامه خبر تواند داد. هر کس حاجت بدو دارد رجوع شود،

و به منع کسی منع نمی‌گردد. بلکه در این باب عامه آن قدر آزادی یافته‌اند که، چنانچه آید، مضر و معیوب شده.»

مضامین مستخرج از متن منتخب کتاب

چنان که در یک قیاس ساده می‌توان دریافت، پرداختن میرزا ابوطالب‌خان به مطبوعات، مفصل‌تر از کتاب تحفه‌العالم میرعبداللطیف‌خان شوشتری است، اما مقایسه محتوایی و اهمیت موضوعات درج شده، نگاه تحلیلی، می‌طلبد. بر این اساس، مفاهیم مندرج در متن میرزا ابوطالب‌خان را مرور می‌کنیم:

گستره پوشش خبری: چنان که از متن مشخص است، روزنامه شرح داده شده توسط میرزا ابوطالب‌خان، که البته ممکن است وی چند روزنامه را بررسی کرده باشد و ما اطلاعی از این مسئله نداریم، اخبار تمام کشور و حتی سایر کشورهای دیگر اروپایی و بنا به قول نویسنده سفرنامه، «فرنگ» را شرح می‌دهد. درج خبرهایی از آمد و شد و فوت بزرگان کشور نیز از جمله موارد جالب روزنامه‌های آن زمان انگلستان است و همچنین درج زمان برگزاری رویدادهای هنری و بر طبق نثر نویسنده سفرنامه، «پلی‌هوس‌ها» که نشان از اهمیت هنر برای مخاطبان جراید انگلیسی در آن زمان دارد.

تبلیغات رسانه‌ای: نویسنده سفرنامه در بخشی از کتاب خود که در زمینه فواید مطبوعات نوشته است، بر اهمیت تبلیغات رسانه‌ای به صورتی غیرمستقیم تأکید داشته است و اطلاع از کسب و کار افراد و عرضه خدمات را از مزایای مطبوعات در انگلستان لحاظ می‌کند. چنان که پیش از این آمد، در زمینه فوق‌الذکر بیان می‌دارد: «فایده بزرگ آن این که هر کس پیشه و کار و مافی‌الضمیر خود را به واسطه آن شهرت تمام می‌تواند داد.»

وظیفه نظارتی مطبوعات: از نظر نویسنده سفرنامه، هر یک از مقامات اجرایی در انگلستان، تحت نظارت رسانه‌ها و مطبوعات قرار دارند و کژی‌ها و ناراستی‌هایشان به وسیله مطبوعات، گوشزد می‌شود. چنان که بیان می‌کند: «وزراء از کارهایی که پسندیده عوام نیست هم بدین «کاغذ» تحذیر می‌شوند، زیرا که جمع مجهول‌الاسم آن، مردم را بر مقایح افعال ایشان تنبیه و از بلوای عام تخویف می‌نماید.»

شیوه‌های روزنامه‌نگاری: میرزا ابوطالب‌خان در بخشی از نثر خود، اشارتی به شیوه مطبوعات انگلیسی در نقد مقامات در قالب «کاریکاتور» داشته است که این نکته در جای خود از اهمیت بسیاری برخوردار است. چرا که شاید این متن را اولین آشنایی پارسی زبانان با این تکنیک در روزنامه‌نگاری برشمرد و اولین متن چاپ شده در این زمینه لحاظ کرد.

آزادی بیان در مطبوعات: علی‌الظاهر دامنه بیان نقد و نظر از سوی روزنامه‌نگاران در آن زمان آن قدر بوده که میرزا ابوطالب‌خان، لب به اعتراف بر آن گشاید تا جایی که مقرر است، «احدی را قدرت بر مع این تنبیهات ثلاث، اگر حق باش یا ناحق، نیست و همچنین برای نشر فوایدی، منع و اعانت پادشاه و اکابر مؤثر نیست».

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

چنان‌که در مقدمه بیان شد، مقاله دارای دو سؤال است: ۱. اهمیت کتاب‌های تحفه‌العالم و مسیر طالبی در بافتار اجتماعی و فرهنگی زمانه خود چیست؟ ۲. کتاب‌های تحفه‌العالم و مسیر طالبی از منظر روزنامه‌نگاری و علوم رسانه‌ای دارای چه نکات برجسته و قابل توجهی هستند؟

چنان‌که به تحلیل بیان شده، کتاب‌های مورد بررسی در بافتار اجتماعی و فرهنگی زمانه خود، یک اثر بدیع محسوب می‌شود و بی‌شبهه از اهمیت بالایی برخوردار بوده است. اما آن‌چه که از مرور پیشینه‌ها مشخص است، متن‌های این دو کتاب کم‌تر دستمایه پژوهش‌های بعدی قرار گرفته‌اند. به‌ویژه آن‌که از منظر روزنامه‌نگاری، به هیچ وجه پژوهشی با محوریت این دو اثر صورت نگرفته است.

همچنین کتاب‌های مذکور در زمینه روزنامه و روزنامه‌نگاری نیز دارای اهمیت بسیار هستند. این سفرنامه‌ها در واقع نشان‌دهنده وضعیت روزنامه‌نگاری در کشورهای پیشرو در این زمینه هستند و استنادات قابل ملاحظه‌ای را در حیطه تاریخ و حرفه روزنامه‌نگاری فراهم می‌کنند. این مسئله بیانگر اهمیت متون تاریخی به‌منظور استفاده در بررسی چگونگی سیر تحول روزنامه‌نگاری در کشور و استفاده نهایی از آن در امر آموزش روزنامه‌نگاری، به‌ویژه درس تاریخ مطبوعات و ارتباطات است.

سفرنامه‌های مورد بررسی از منظر علم تاریخ‌نگاری و چارچوب نظری مقاله، در میان متونی قرار می‌گیرند که «روش عینی تاریخی» را برای خود برگزیده‌اند و از این منظر دارای امتیاز استنادی هستند. همچنین در تلاقی با پیشینه‌های مورد استفاده، نتایج مقاله با دیدگاه‌های گل‌احمر، توانگر و عموزاده با محوریت شرح اتوپیایی غرب هم‌خوانی دارد و نویسندگان سفرنامه‌ها هر دو انگار سنگ بنای دیدگاهی را می‌گذارند که در نهایت منتج به «غرب‌گرایی» و در حالت افراطی «غرب‌زدگی» شد. از سویی نتایج مقاله با برخی از نتایج اسدپور و ولی‌عرب، بر اساس آشنایی ایرانیان با پیشرفت‌های فرهنگی غرب در زمینه آزادی بیان و عقیده با حفظ نگرش انتقادی، هم‌خوانی دارد و در نهایت با برخی نتایج پژوهش زیوار و گودرزی‌فرد که نویسندگان سفرنامه را افرادی مستقل نسبت به سفرنامه‌نویسان بعدی نظیر میرزا صالح شیرازی می‌دانند نیز هم‌راستا است.

منابع

۱. آذری، غلامرضا (۱۳۸۲). ریشه‌های تاریخی تحقیق در ارتباطات جمعی. رسانه. ۵۴، ۵۰-۶۳.
۲. اسدپور، حمید؛ ولی‌عرب، مسعود (۱۳۹۷). تمدن غرب در آیین سفرنامه‌نویسان ایرانی در اوایل دوره قاجار. رهیافت تاریخی. ۲۳، ۱-۱۴.
۳. پروین، ناصرالدین (۱۳۷۹). تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دگرپارسی‌نویسان. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۴. پری، راجر (۱۳۹۴). تاریخ رسانه؛ از گیلگمش تا گوگل. ترجمه بهروز تورانی. تهران: ایران.
۵. پورخوش سعادت، صدیقه و موذنی، علی محمد و اسداللهی، خدابخش و نوروزی دادخانی، نوراله (۱۳۹۸). بازتاب مسائل سیاسی در سفرنامه‌های ایرانی در دوره صفویه و قاجار، <https://civilica.com/doc/1154304>
۶. رسول‌اف، رامین (۱۳۸۹). نخستین‌های روزنامه‌نگاری ایران. تهران: جامعه‌شناسان.
۷. زیویار، فرهاد؛ گودرزی‌فرد، بهنام. (۱۳۹۶). بازتاب غرب و مدرنیته در سفرنامه عبداللطیف شوشتری. جستارهای سیاسی معاصر، ۸(۵)، ۱۶۶-۱۴۵.
۸. شوشتری، میرعبداللطیف خان (۱۳۶۳). تحفه‌العالم و ذیل‌التحفه. به اهتمام ص. موحد. تهران: کتابخانه طهوری.
۹. عبدی، لایلا؛ صیادکوه، اکبر؛ طاهریان، آمنه سادات (۱۳۹۲). پیشنهاد چارچوبی نو برای کتابشناسی توصیفی - تحلیلی با تأکید بر دیدگاه انتقادی. تحقیقات اطلاع‌رسانی و کتابخانه‌های عمومی. ۱۹(۱)، ۵۱-۲۱.
۱۰. گل احمر، احسان؛ توانگر، منوچهر؛ عموزاده، محمد (۱۳۹۶). بررسی انتقادی - شناختی استعاره‌سازی «دیگری» در سفرنامه‌های مسیر طالبی و حیرت‌نامه. متن شناسی ادب فارسی. ۳(۳)، ۳۱-۱۶.
۱۱. مرادی، علیرضا؛ دیانتی، سحر (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی قالی ایرانی در سفرنامه سیاحان خارجی دوران صفوی و قاجار با رویکرد شرق‌شناسی. کیمیای هنر ۱۰(۳۸): ۸۶-۷۱.
۱۲. میرزا ابوطالب خان (۱۳۶۳). مسیر طالبی. به کوشش خدیو جم. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

References

1. Abdi L, Sayadkuh A, Taherian A. Proposing an Alternative Framework for Evaluating Annotative Bibliographies . *RISPL* 2013; 19 (1):21-51(In Persian).
2. Asadpour, H. Valiarab, M. (2018). Western civilization in the mirror of Iranian travel writers in the early Qajar period. *Historical approach* 23, 1-14 (In Persian).

3. Azari, Gh. (2003). Historical roots of mass communication research. *Media*. 54, 50-63(In Persian).
4. Golahmar, E. TAVANGAR, M. Amouzadeh, M. (2017). The Critical-Cognitive Study of Metaphorization of the "Other" in Masir-e Talebi and Hayrat Nameh Travelogues. *Textology of Persian literature*. 9(3), 21-51 (In Persian).
5. Mirza abotalebkhani (1984). *Talebi's Path*. By Khadiv jam. Tehran: Organization of Publications and Education of the Islamic Revolution (In Persian).
6. Moradi A, Dianati S. (2021). A Comparative Study of Iranian Carpets in the Travelogues of Foreign Tourists of the Safavid and Qajar Periods with an Orientalist Approach. *Kimiya-ye-Honar*. 10(38). 71-86. (In Persian).
7. Paevin, N. (2000). *Journalism history of Iranians and other-Parsi writers*. Tehran: Marka-e-Nashr-e-Daneshgahi (In Persian).
8. Perry, R. (2015). *Media History*. Translation by Behrouz torani. Tehran: Iran Publication (In Persia).
9. Pourkhosh saadat, S. Moazeni, A. Asadollahi, Kh. Dadkhani, N. (2019). *Reflection of political issues in Iranian travelogues during the Safavid and Qajar periods*. <https://civilica.com/doc/1154304> (In Persian).
10. Rasolof, R. (2010). *The Firsts of Iranian Journalism*. Tehran: Jame-e-shenasan (In Persian).
11. Shoushtari, M. (1984). *Tohfatalalam & zeilotofheh*. By: Movahhed. Tehran: Tahori. (In Persian).
12. Zivyar, F. Goudarzifard, B. (2017). *Reflections of the West and Modernity in the Travelogue Abdullatif Shooshtari*. Contemporary Political Studies. 5(8). 145-166(In Persian).

"Jangal" newspaper and press law, an analysis of the content and themes of "Jangal" newspaper from 1294 until 1300

Ghorbanali Kenarroudi 

1- Corresponding author, Associate Professor, Department of Contemporary History, Research Institute of Documents, National Library and Archives of I.R. Iran, Tehran, Iran. E-mail: gh,k.edu@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received :20 September 2022

Received in revised form 28 October 2022

Accepted: 27 November 2022

Published online: 21 December 2022

Keywords:

Jangal newspaper;
Jangal movement;
Patriotism;
press law;
xenophobia;

ABSTRACT

One of the most important newspapers published in Guilan was the "Jangal" newspaper, which, while reflecting military news and announcements of the Jangal movement, was considered as its spokesperson. In this newspaper, the most important news related to the forest movement, telegrams and reports of incidents in Guilan and other parts of the world were published. In the years 1294 to 1300, "Jangal" newspaper emerged as a leading publication in the expression of political and social freedoms in the media space of Iran. Therefore, its study, in addition to understanding the thoughts and opinions of the leaders of the Jungle Movement, gives a clear picture of the political and social situation of that period of Iran's history. In this study, an attempt will be made to explain and analyze the most important components and themes of "Jangal" newspaper while examining its content, and to answer the question, "What were the most important components and themes of "Jangal" newspaper and the degree of compliance How much was it from the newly approved press law (1326 AH/18 Bahman 1286)? Seeking justice, patriotism, xenophobia, protest against the government of the time, incitement to revolt against oppression, nationalist and patriotic concerns are among the components and themes reflected in "Jangal" newspaper. Is. The review and analysis of the contents of "Jangal" newspaper shows that what made it possible to express these components and themes against the central government is the lack of executive guarantee for the press law.

Cite this article: kenarroudi, ghorbanali (2022). "Jangal" newspaper and press law, an analysis of the content and themes of "Jangal" newspaper from 1294 until 1300; *News Science*, 11 (43), 57-82



روزنامه «جنگل» و قانون مطبوعات، تحلیلی بر محتوا و مضامین روزنامه «جنگل» در سال‌های ۱۲۹۴-۱۳۰۰ ش

قربانعلی کنارودی ✉

۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه تاریخ معاصر، پژوهشکده اسناد، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران. رایانامه:

gh.k.edu@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۲۹</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۸/۶</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۶</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۹/۳۰</p> <p>کلیدواژه‌ها: بیگانه ستیزی، روزنامه «جنگل»، قانون مطبوعات، نهضت جنگل، وطن خواهی</p>	<p>از روزنامه‌های مهم منتشر شده در گیلان، روزنامه «جنگل» بود که ضمن انعکاس اخبار نظامی و اعلامیه‌های نهضت جنگل، به نوعی سخنگوی آن به شمار می‌رفت. در این روزنامه مهمترین اخبار مربوط به نهضت جنگل، تلگراف‌ها و گزارش‌هایی از حوادث گیلان و نقاط مختلف جهان به چاپ می‌رسید. روزنامه «جنگل» در سال‌های ۱۲۹۴ تا ۱۳۰۰ ش به عنوان نشریه‌ای پیشرو در بیان آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در فضای رسانه‌ای ایران مطرح شد. از این رو مطالعه آن علاوه بر شناخت اندیشه‌ها و آرای رهبران نهضت جنگل، تصویری روشن از اوضاع سیاسی و اجتماعی آن دوره از تاریخ ایران به دست می‌دهد. در این مطالعه تلاش خواهد شد تا ضمن بررسی محتوایی روزنامه «جنگل»، مهمترین مؤلفه‌ها و مضامین آن تبیین و تحلیل شود و به این پرسش پاسخ داده شود که «مهمترین مؤلفه‌ها و مضامین روزنامه «جنگل» چه بود و میزان تبعیت آن از قانون تازه تصویب شده مطبوعات (۱۳۲۶ق/۱۸ بهمن ۱۲۸۶ش) به چه میزان بود؟ عدالت‌طلبی، وطن خواهی، بیگانه‌ستیزی، اعتراض به دستگاه حکومت وقت، تحریض به قیام علیه ظلم، دغدغه‌های ملی‌گرایانه و میهن‌پرستانه از جمله مؤلفه‌ها و مضامینی هستند که در روزنامه «جنگل» بازتاب پیدا کرده است. بررسی و تحلیل محتوای مطالب روزنامه «جنگل» نشان می‌دهد آنچه امکان بیان این مؤلفه‌ها و مضامین ضد دولت مرکزی را فراهم ساخته، فقدان ضمانت اجرایی برای قانون مطبوعات است.</p>
<p>استناد: کنارودی، قربانعلی (۱۴۰۲). روزنامه «جنگل» و قانون مطبوعات، تحلیلی بر محتوا و مضامین روزنامه «جنگل» در سال‌های ۱۲۹۴-۱۳۰۰. ش. علوم خبری، ۱۱ (۴۳)، ۸۲-۵۷.</p>	

مقدمه

استفاده از ابزار رسانه‌ای در نهضت سیاسی اجتماعی جنگل، ابتکار قابل توجهی بود که مبارزان جنگل با هوشمندی و ذکاوت خاصی اقدام به آن نمودند تا از این راه زمینه تداوم حرکت نهضت و معرفی اهداف و برنامه‌ها و فعالیت‌های آن فراهم آید. سابقه این اقدام به سال‌های پس از پیروزی انقلاب مشروطه بازمی‌گردد، علی‌رغم اینکه در عصر استبداد صغیر و حتی پس از مجلس دوم دولت و حکام و همچنین نیروهای متنفذ خارجی سعی در محدود کردن فعالیت روزنامه‌ها نمودند، اما صاحبان قلم و روزنامه نگاران بدون هیچ‌واهمه‌ای به بیان آراء و دیدگاه‌های خود پرداختند و با وجود مشکلات سیاسی و اجتماعی و فشار بر مطبوعات طی سال‌های ۱۲۹۴ تا ۱۳۰۰ ش، روزنامه «جنگل» به عنوان نشریه‌ای پیشرو در بیان آزادی‌های اجتماعی در فضای رسانه‌ای ایران خود را مطرح نمود.

مطالب و موضوعات مهم کشور، انتقاد از دخالت بیگانگان و نقض استقلال ایران، فساد سیاستمداران، حمایت از نظام مشروطه، احیای مجلس شورای ملی، اخبار جنگ جهانی، مبارزه با انگلستان و دفاع از روسیه بلشویکی از جمله مباحث و مؤلفه‌ها و مضامین پرتکرار روزنامه «جنگل» بوده‌است. مدیران و نویسندگان روزنامه «جنگل» بدون ترس از حاکمان محلی و نیروهای دولتی و یا ترس از پیگیری‌های قضایی، با صریح‌ترین عبارات، افکار و عقاید خود را درباره موضوعات اجتماعی و مسائل سیاسی روز ایران و گیلان ابراز می‌کردند. آنان از بیان احساسات تند به خائنان وطن فروش، وزیران، سپهسالارها و رجال سیاسی، هیچ‌گونه ابایی نداشتند. اکثر پژوهشگران، این روزنامه را به‌عنوان وسیله‌ای برای رهیافت به سیاست و خط مشی جنگلی‌ها مورد مطالعه و بررسی خود قرار داده‌اند.

آزادی بیان و عقیده از مشخصات دموکراسی است و به صورت اصطلاحی در مطبوعات متداول شده‌است. منظور از آن، آزادی در اظهار عقاید افراد و بیان نظرات عموم جامعه است. محدود کردن این حق، تنها به حکم قانون و به ملاحظات امنیت ملی، اخلاقی، آبرو و حقوق دیگران، امکان پذیر است. اصل آزادی مطبوعات نخستین بار در قرن هفدهم و طی مبارزات بورژوازی در اروپا پذیرفته شد و در قرن‌های نوزدهم و بیستم به تدریج در بیشتر کشورهای دنیا رسمیت یافت. اگرچه آزادی مطبوعات در جهان و ایران قانونی به شمار می‌رود، با این حال ضمانت اجرایی آن همواره، از جانب دولت‌های عصر مدرن با چالش‌هایی اساسی مواجه است.

برطبق قانون، مطبوعات می‌توانند آزادانه به جستجو و کسب آزادانه اخبار، اطلاعات و عقاید عمومی بپردازند و آنها را به هر طریق ممکن انتشار دهند. این بدان مفهوم است که براین اساس قبل از انتشار نباید هیچ محدودیت و نظارتی وجود داشته باشد و توقیف و تعطیل خودسرانه روزنامه‌ها بعد از انتشار مقدور و مجاز نیست. این مفهوم از عصر مشروطه وارد ادبیات قانونگذاری ایران شد.

در اصل سیزدهم قانون اساسی دوره مشروطیت، درباره آزادی و محدودیت‌های مطبوعات آمده است: «عموم روزنامه‌جات، مادام که مندرجات آنها مخل اصلی از اصول اساسیه دولت و ملت نباشد، مجاز و مختارند که مطالب مفیده عام‌المنفعه را .. به طبع رسانیده و منتشر نمایند و اگر کسی در روزنامه‌جات و مطبوعات برخلاف آنچه ذکر شد و با غرایض شخصی چیزی طبع نماید یا تهمت و افترا بزند، استنطاق و محاکمه و مجازات خواهد شد.»

به موجب ماده ۴۹ قانون مطبوعات ایران مصوب ۱۲۸۶ش مواردی که برای محدودیت آزادی مطبوعات در نظر گرفته شد شامل: مطالبی که مضر به اساس اسلام، هتک احترام سلطنت، افشای اسرار نظامی، دعوت علیه قوای رسمی مملکت، ایجاد هیجان کلی و اختلال آسایش عمومی و باعث اشاعه صور قبیحه، بر ضد عصمت و عفت باشند. این موارد مهم‌ترین جرایم مطبوعاتی را تشکیل می‌دادند و سبب توقیف روزنامه می‌شدند.

روزنامه «جنگل» با علم و اطلاع از قانون مطبوعات مصوب سال ۱۲۸۶ش مطالب و مقالات مدیران و نویسندگان و نظرات و افکار رهبران اتحاد اسلام و جنگلی‌ها را منتشر می‌کرد. در صورتی که روزنامه «جنگل» قانون را نقض می‌کرد، می‌بایست مورد تعقیب قرار می‌گرفت. در نتیجه پر واضح است روزنامه «جنگل» مانند سایر روزنامه‌ها از این قانون مستثنی نبود و علی‌القاعده می‌بایست در صورت تخلف مورد بازخواست قرار می‌گرفت. اما چنان که از مطالب و گزارش‌های روزنامه و سایر اسناد و مدارک آشکار است روزنامه «جنگل» هیچ‌گاه مورد تعقیب و یا خطر تعطیلی قرار نگرفت.

در این مطالعه تلاش خواهد شد تا ضمن بررسی محتوای روزنامه «جنگل»، مهم‌ترین مؤلفه‌ها و مضامین آن مورد بررسی و تحلیل واقع شود و به این پرسش اساسی که «مهم‌ترین مؤلفه‌ها و مضامین روزنامه «جنگل» چه بود و میزان تبعیت آن از قانون تازه تصویب شده مطبوعات (۱۳۲۶ق/۱۸ بهمن ۱۲۸۶ش) به چه میزان بود؟ پاسخ درخوری داده شود. بر اساس یافته‌های تحقیق، عدالت‌طلبی، وطن‌خواهی، بیگانه‌ستیزی، اعتراض به دستگاه حکومت وقت، تحریض به قیام علیه ظلم، دغدغه‌های ملی‌گرایانه و میهن‌پرستانه از جمله مؤلفه‌ها و مضامینی هستند که در روزنامه «جنگل» بازتاب بیشتری داشته است. بررسی و تحلیل محتوای مطالب این روزنامه نشان می‌دهد آنچه امکان بیان این مؤلفه‌ها و مضامین ضد دولت مرکزی را فراهم ساخته، ناشی از دو عامل دوری از دسترس قضایی و فقدان ضمانت اجرایی برای قانون مطبوعات بود و دیگری عدم نفوذ حکومت مرکزی و حاکمیت ضعیف و سست حکام دست‌نشانده در گیلان است.

پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه تنها سی و نه شماره از روزنامه «جنگل» موجود و تصحیح شده است، پژوهش حاضر با استناد به شماره‌های یک تا سی و نه این روزنامه صورت گرفته است. همچنین گردآوری اطلاعات به کمک «تحلیل محتوا»ی روزنامه و با روش تاریخی انجام شده است.

عبدالله متولی (۱۳۹۰) در پژوهش «رویکردها و نگرش‌های اساسی در روزنامه جنگل» با تمرکز بر رسانه و روزنامه «جنگل» ارگان رسمی این نهضت، به بررسی نگرش‌ها، جهت‌گیری‌ها و مهم‌ترین اهداف جنگلی‌ها پرداخته است. از نگاه نویسنده با گسترش فعالیت نهضت جنگل، رهبران آن برای اشاعه اندیشه و تفکرات اصلاحی و انتقادی خود روزنامه‌ای موسوم به جنگل را منتشر نمودند. جنگلی‌ها در این روزنامه، ضمن معرفی دیدگاه‌ها و نگرش‌ها و اهداف خود، عملکرد حکومت مرکزی، کارکرد چهره‌های سیاسی و اقدامات روسیه و انگلیس را معرفی، نقد، و ارزیابی می‌کرد. این پژوهش همچنین مهم‌ترین دغدغه‌های نویسندگان روزنامه و نگاه آنها به شرایط جامعه را بررسی و تحلیل می‌کند.

علی کریم حدیثی (۱۳۹۲) در پژوهش خود تحت عنوان «استقلال و حفظ هویت ملی در بررسی تحلیل محتوای روزنامه جنگل ارگان رسمی نهضت میرزا کوچک‌خان» ضمن تحلیل محتوای روزنامه «جنگل» به بررسی اهداف و انگیزه‌های نهضت میرزا کوچک جنگلی پرداخته است. او نیز به بررسی سیر تاریخی حرکت میرزا و نقش وی در حرکت‌های مردم گیلان در انقلاب مشروطه و عوامل تکوین و استمرار نهضت جنگل پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نهضت میرزا کوچک خان بر استقلال کشور و حفظ هویت ملی و همبستگی و حمایت از مجلس نوظهور در کشور و پادشاهی مشروطه استوار بوده است.

با نگاهی به پژوهش‌های این حوزه می‌توان دریافت که تاکنون پژوهش علمی در خصوص تحلیل محتوای روزنامه «جنگل» با هدف تحلیل و بررسی نقض یا پیروی این روزنامه از قانون مطبوعات انجام نپذیرفته است. لذا این مقاله می‌کوشد با تمرکز بر قانون مطبوعات به بررسی محتوای روزنامه جنگل و مهمترین مضامین مغایر و ناقض قانون مزبور بپردازد.

روزنامه «جنگل»

این روزنامه پس از شکل‌گیری و ایجاد ثبات در تشکیلات نهضت جنگل، از سوی هیأت اتحاد اسلام به ریاست «میرزا کوچک جنگلی» حدود سه سال و در ۳۹ شماره منتشر شد. نخستین دوره روزنامه «جنگل» از یکشنبه ۱۹ شعبان ۱۳۳۵/۲۰ مرداد ۱۲۹۶ درست ده سال پس از تصویب قانون مطبوعات

(۵ محرم ۱۳۲۶ق/ ۱۸ بهمن ۱۲۸۶ش) منتشر شد و تا شماره ۳۱ (۱۷ شعبان ۱۳۳۹/ ۸ خرداد ۱۲۹۷ ادامه یافت. نخستین شماره «جنگل» توسط غلامحسین کسمائی نویدی به عنوان مدیر روزنامه و به خط علی حبیبی و چاپ سنگی در کسما منتشر شد (گلی زواره، ۱۳۸۳: ۱۱۳) و از شماره دوم تا شماره سیزدهم، نام حسین کسمائی مجاهد معروف عصر مشروطه به عنوان مدیر مسئول روزنامه درج شده است (فخرایی، ۱۳۵۴: ۱۴۱). در شماره ۱۳ تا ۳۱ مجدداً نام غلامحسین کسمائی نویدی به عنوان مدیر روزنامه آمده است. دوره دوم روزنامه «جنگل» از ۱۳ مرداد ۱۲۹۷ تا ۱۶ دی ۱۲۹۷ در ۴ شماره منتشر گردید و دوره سوم این روزنامه از ۱۰ تیرماه ۱۲۹۹ تا ۴ مرداد ۱۲۹۹ در ۵ شماره انتشار یافت (میرزائزاد موحد، ۱۳۹۶: ۱۳).

از نظر مشخصات ظاهری، بالای صفحه نخست، نوشته شده: «درایام هفته به قدر امکان طبع و نشر می‌گردد». اما در شماره دوم تغییری در این رویه ایجاد شد: «هفته ای دو نمره طبع می‌شود». این روال تا شماره پنجم ادامه یافت و از شماره ششم دوباره تغییری اتفاق افتاد: «هرماه چهارنمره طبع و توزیع خواهد شد». با این که روزنامه ادعا می‌کرد هر ماه چهار شماره به صورت هفتگی منتشر می‌شود، انتشار روزنامه از نظم خاصی برخوردار نبود، البته بی‌نظمی در نشر و توزیع آن ریشه در آشفتگی سیاسی جامعه آن روز گیلان و عدم ثبات سیاسی جنگلی‌ها داشت. لوگوی «جنگل» به اندازه ۶ در ۹ سانتیمتر و به صورت تایپوگرافی متقارن دیده می‌شود. واژه «جنگل» در سمت راست نوشته و از ستون حرف «ل» به عنوان خط تقارن تصویر استفاده شده و دوباره این واژه به شکل آیین‌وار، تصویر یافته است. این سبک طراحی، شیوه متداولی در مطبوعات متقدم بود، زیرا روزنامه «اختر» نیز ۵۰ سال قبل به این شیوه طراحی شده بود. در بخش دیگری از صفحه اول شعار و مرام روزنامه «جنگل» به این شرح درج شده است: «این روزنامه فقط نگاهبان حقوق ایرانیان و منورافکار اسلامیان است». (روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، ش ۱، ۱)

از نکات مهمی که در این نشریه دیده می‌شود، ادبیات خاص آن است که با دستور زبان و کلمات عربی بسیاری آمیخته و این از ویژگی‌های بارز ادبیات «عصر بیداری» است (آریان پور، ۱۳۸۷: ۲۲۷) در این روزنامه واژگان لاتین کمتر دیده می‌شود، اما مقدار اندک آن نیز نشان از کثرت حضور «فرنگی‌ها» در ایران است. مطبوعات اغلب به زبان عامه مردم و به شکلی همه‌فهم نوشته می‌شوند و استفاده از این کلمات، ادبیات رایج عصر نهضت را نشان می‌دهد. عباراتی نظیر «راپورت»، «فابریک»، «پولتیک»، «ژنلمن» و «دیویزیون» در سراسر روزنامه جنگل به چشم می‌خورد. (نعمتی لیمائی، ۱۳۸۹: ۱۲۵-۱۴۹-۱۵۲-۱۵۴-۱۷۳)

در تقسیم‌بندی محتوایی براساس شیوه‌های امروزی، نشان می‌دهد، عمده مطالب روزنامه «جنگل» به صورت «تحلیل» یا «تفسیر» ارائه شده‌است و درج «خبر» در آن بسیار اندک است. در حقیقت وقایع و اخبار با عنوان «سرمقاله»، «سخن سردبیر» یا «تفسیر» به شکل تحلیلی بیان می‌شوند. از نظر کارشناسان علوم ارتباطات، خبر، رویداد را همان‌طور که اتفاق افتاده گزارش می‌کند؛ نه آن‌طور که خبرنگار مایل به ارائه آن است. بنابراین هرگونه تفسیر و اظهار نظر، جنبه ارزیابی ذهنی و قضاوت شخصی خواهد داشت. (بدیعی، ۱۳۸۵: ۱۰۴) با این توضیح به ندرت می‌توان مطالبی را در روزنامه «جنگل» یافت که در قالب و تعریف خبر طبقه‌بندی شود. برای مثال، طی سه شماره نخست، مدام به ضرورت توجه به «چهارمین دوره انتخابات تقنینیه» پرداخته می‌شود و حتی در شماره نخست، دولتمردان را به تمایل به تقلب در انتخابات متهم می‌کند. اما پس از رأی‌گیری، هیچ خبری مبنی بر کیفیت انتخابات، اسامی نمایندگان و اوضاع جاری به دست نمی‌دهد. به نظر می‌رسد روش خبررسانی به مردم از سوی روزنامه «جنگل» صرفاً ارائه نظرات خود درباره آن بوده است. از نظر محتوایی بیشتر اخبار و گزارش‌های روزنامه مربوط به سیاست خارجی و نقش دولت‌های بیگانه و کمتر به اخبار و مباحث داخلی توجه داشته‌است. به طور کلی از نظر محتوایی گزارش‌های روزنامه «جنگل» را به سه دسته: ضدیت با انگلستان، سیاست دوستی با بلشویک‌ها و دشمنی با دولت‌های دست‌نشانده ایرانی که مستقیم عامل و مجری فرامین انگلیسی‌ها بودند، می‌توان تقسیم نمود. نویسندگان روزنامه از آزادی بیان موجود از دوره نخست دولت را مورد هجوم مقاله‌های تند و زهرآگین خود قرار دادند. از دوره دوم و سرانجام دوره سوم انتشار روزنامه «جنگل» سراسر به بدگویی از دولت و نقش انگلیسی‌ها در ایران می‌پردازد. دوره سوم انتشار روزنامه بیش از هر چیز به دفاع از سیاست‌های شوروی سوسیالیستی پرداخته و نهایت استفاده را نموده است (گلی زواره، ۱۳۸۳: ۱۱۳).

گیلان و نهضت جنگل:

دوره شکل‌گیری، تثبیت و سرانجام فرجام جنگل یکی از دوره‌های مهم تاریخی گیلان است که آگاهی‌های تاریخی زیادی از این دوره در دسترس است. زیرا فراوانی انتشار خاطره‌ها، گزارش‌های تاریخی، اسناد آرشیوی، تصاویر، فیلم‌های تاریخی، روزنامه‌ها، گزارش‌های سیاسی حکام و نمایندگان خارجی و ده‌ها سند و مدرک دیگر موجب می‌شود که محققان با ابزارهای بیشتری درباره اوضاع این دوره به پژوهش بپردازند (پناهی، ۱۳۹۶: ۲۵). مردم گیلان در این دوره از بیماری‌های مهلکی که در دوره‌های نخستین و میانی عصر قاجار دامن‌گیرشان شده بود رهایی یافته و حتی اغلب مردم ایران، که هم‌زمان با جنگ جهانی اول درگیر آنفولانزای اسپانیایی و قحطی شده بودند، کمتر آسیب دیده بودند، با

این حال مردم گیلان گرفتار بلای خانمان سوز دیگری به نام ملاکین خودرأی و حضور بی‌رحمانه روسیه تزاری بودند. این دو عامل نقش مهمی در فضای فکری، سیاسی و اجتماعی مردم گیلان داشت. «رایینو»، نایب کنسول انگلستان در رشت، تصویر خوبی از اوضاع گیلان در سال‌های نزدیک به شکل‌گیری نهضت جنگل در گیلان ارائه می‌دهد. وی جمعیت گیلان را در آغاز قرن بیستم حدود ۳۳۸ هزار و ۳۰۰ نفر تخمین زده است (رایینو، ۱۳۷۴: ۲۸۵). گزارش یاد شده بیانگر جمعیت قابل توجه و تأثیرگذار گیلان در سال‌های نزدیک به مشروطه و عصر نهضت جنگل بوده‌است. با این وجود، این تعداد از جمعیت گیلان نشان‌دهنده تأثیرگذاری آنها در مشارکت‌های سیاسی این منطقه نیست. زیرا اغلب جمعیت گیلان در مناطق روستایی ساکن بوده و روستاییان نیز تحت سلطه اربابان دهکده‌ها بودند. حکام و مالکان تلاش داشتند تا بر همه جنبه‌های فکری و اجتماعی روستائیان مسلط باشند. از این رو هدف آنان جلوگیری از طغیان روستاییان و دور نگه داشتن رعایا از روشنفکران شهری بوده است (رواسانی، ۱۳۸۱: ۱۹)، لذا انتشار روزنامه محلی «جنگل» خدمت بزرگی به جمعیت قابل توجه این منطقه، که در نتیجه ارتباط با اروپا و قفقاز از آگاهی خوبی برخوردار بودند، محسوب می‌شد (پناهی، ۱۴۰۰ الف: ۱۹).

آزادی، قانون‌خواهی و دموکراسی یکی از اصول اساسی‌ای بود که مشروطه‌خواهان تمامی تلاش‌های خود را جهت برپایی آن به کار بستند. توجه و علاقه مردم گیلان به انقلاب مشروطیت برای کسب آزادی، علل و جهات مختلفی داشت. نخست آن که آزادی‌خواهی با سرشت مردم گیلان عجین شده‌است، نیاکان آن‌ها در طول تاریخ همواره علیه جور و ستم به پا خاسته و برای استقرار عدالت اجتماعی فداکاری‌ها کرده‌اند. آن‌ها ذاتاً استعداد قبول رژیم دموکراسی و حکومت مشروطه را داشتند. دوم آنکه علاقه فراوان مردم گیلان به ادب و فرهنگ و آشنایی بیشتر آنان به مظاهر تمدن، از علل مهم گرایش به کسب آزادی و رهایی از قید استبداد و اختناق بود. آزادی‌خواهان گیلان با فداکاری و ایثار به استقبال خطر رفته و برای کسب آزادی از بذل جان و مال دریغ نکردند و سوم نارضایی شدید مردم گیلان از اوضاع آشفته و نابسامان منطقه بود که آنان را برای هرگونه قیام و جنبشی برانگیخت (حاج سیدجوادی، ۱۳۷۴: ۱۲۴).

حکومت مرکزی برای کنترل اوضاع گیلان به نفع خود، همواره از حاکمان مستبد و فاسد استفاده می‌کرد تا راه قیام مردم گیلان را مسدود و منافع حکومت مرکزی را تأمین کند. در حالی که این تدابیر برای بلندمدت هرگز به نتیجه نرسید؛ زیرا شرایط جغرافیایی گیلان و ارتباط با اروپا از مسیر روسیه موجب ارتباط گسترده گیلانیان با افکار آزادی‌خواهانه روشنفکران ایرانی و غرب می‌گشت. در نتیجه این تأثیرپذیری بر فضای فکری، سیاسی و اجتماعی ایران نیز تعمیم می‌یافت.

با شروع جنگ جهانی اول و ورود قوای روس و انگلیس به ایران و گیلان، این منطقه به عنوان معبر قوای نظامی دولت‌های بیگانه انتخاب شد. سربازان خارجی هنگام عبور از شهرها، به اموال و ناموس مردم دست درازی می‌کردند و سبب ناامنی در شهرها می‌شدند. (خمامی‌زاده، ۱۳۷۴: ۴۹۱) دولت مرکزی به هیچ روی امکان مقابله با قوای بیگانه را نداشت. هرچند در این زمان ایران فاقد دولت مرکزی، به معنای واقعی آن، بود. در نتیجه روس‌ها نه تنها حاکم بلامنازع گیلان، بلکه تمامی صفحات شمال خاوری، شمال و شمال باختری ایران بودند.

هم‌زمان با افزایش نفوذ روسیه و انگلستان در ایران، آلمانی‌ها و عثمانی‌ها نیز توانستند با شعارهای خود برخی از منورالفکران ایرانی را به سوی خود جلب کنند. پس از ناکامی مشروطه‌خواهان و نفوذ روزافزون روسیه و انگلستان و وقوع جنگ جهانی اول و همچنین تبلیغات عثمانی و آلمان، اندیشه اتحاد اسلام در میان ملیون ایران مورد توجه قرار گرفت و کوچک خان در گیلان با الهام از آن، ایدئولوژی اتحاد اسلام را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داد. ایدئولوژی اتحاد اسلام تا مرداد ۱۲۹۷ که در نتیجه انشعاب و انشقاق پس از پیمان ترک مخاصمه با انگلیسی‌ها روی داد، مهم‌ترین اندیشه سیاسی جنگلی‌ها به‌شمار می‌رفت. هرچند اندیشه اتحاد اسلام با ایده‌آل‌هایی که عثمانی‌ها در سر داشتند، دارای تفاوت‌هایی در عرصه عمل بوده است؛ زیرا واقعیت‌های سیاسی و نظامی نهضت جنگل در مسیری حرکت کرد که امکان اجرای طرح‌ها و اندیشه‌های عثمانی‌ها که به معنای سرسپردگی جنگلی‌ها به آنان بود، عملی نشد. از یک سو، پیوند دو مفهوم انترناسیونالیسم و ایدئولوژی پان‌اسلامیزم با ملی‌گرایی‌ای که جنگلی‌ها در مرامنامه خود و روزنامه «جنگل» بارها به آن تأکید داشتند، در تعارض بود و بعدها نیز با توجه به آشکارشدن سیاست‌های پان‌ترکی نیروهای نظامی عثمانی در اشغال مناطق غرب ایران و عدم حمایت جدی آنان در برابر انگلیسی‌ها، به پذیرش پیشنهاد انگلیسی‌ها مبنی بر عدم همکاری با عثمانی‌ها از سوی جنگلی‌ها شد. این مسأله، نخستین ضربه بر ترکیب متجانس جنگلی‌ها بود و سبب جدایی برخی از رهبران آن شد. کمی بعد، با ورود بلشویک‌ها نیز دیگر اثری از اندیشه اتحاد اسلام در نهضت دیده نشد. (پناهی، ۱۳۹۹: ۵)

قانون مطبوعات و مسأله آزادی بیان

آزادی بیان از مشخصات دموکراسی است و به صورت اصطلاحی در مطبوعات متداول شده است. منظور از آن، آزادی در اظهار عقاید افراد و بیان نظرات عموم جامعه است. محدود کردن این حق، تنها به حکم قانون و به ملاحظات امنیت ملی، اخلاقی، آبرو و حقوق دیگران و ... مقدر خواهد بود. (معمدنژاد، ۱۳۸۲: ۲۶۶) اوایل قرن هفدهم، طی مبارزات بورژوازی اروپاییان، اصل آزادی مطبوعات پذیرفته شد و در قرن‌های نوزدهم و بیستم به تدریج در بیشتر کشورهای دنیا رسمیت یافت. (همان: ۲۳) اگرچه آزادی

مطبوعات در جهان و ایران قانونی به شمار می‌رود، با این حال ضمانت اجرایی آن همواره، از جانب دولت‌های عصر مدرن در ایران با چالش‌هایی اساسی مواجه بوده‌است. به گونه‌ای که مسأله آزادی بیان در ایران همواره به عنوان پاشنه آشیل دولت‌های ایرانی از عصر مشروطه تاکنون بوده و با این مسأله نتوانسته‌اند رابطه خوبی برقرار نمایند.

نخستین قانون مطبوعات در ایران در زمان ریاست احتشام‌السلطنه در روز شنبه پنجم محرم سال ۱۳۲۶ق/۱۸ بهمن ۱۲۸۶ش در شش فصل و پنجاه و دو ماده و با حضور هشتاد و هشت نفر نماینده مجلس شورای ملی و رأی موافق هفتاد و شش نفر از آنان تصویب شد. مواد ششم تا شانزدهم این قانون، ضوابط و مقررات چاپ و انتشار هرگونه روزنامه و مجله در ایران را به شرح زیر تعیین کرده است:

۱. هر روزنامه و مجله‌ای باید مدیر مسؤل داشته باشد و مسؤلیت مستقیم روزنامه و مجله در قبال مطالب منتشره بر عهده مدیر روزنامه است.
۲. قبل از چاپ و انتشار روزنامه مدیر مربوطه باید اسم و رسم مدیر و محل اداره روزنامه، چاپخانه، عنوان روزنامه و مجله و ترتیب انتشار آن را به صورت روزانه، هفتگی یا ماهانه، تیراژ و مسلک و مرام روزنامه را با امضای مدیر مسؤل به نظارت انطباعات بفرستد.
۳. دو نسخه از هر روزنامه و مجله بایستی به اداره معارف آن شهر و دو نسخه به کتابخانه ملی فرستاده شود.
۴. روزنامه مسؤل است تا مقاله جوایبه به نویسندگان مقالاتی که به اشخاص و ادارات و غیره تعرضی کرده‌اند، در شماره بعدی خود منتشر نماید.
۵. هرکس روزنامه و یا اوراق ممنوعه را وارد و انتشار دهد از یک ماه تا یک سال حبس خواهد شد.
۶. در صورت ارتکاب تخلف از قانون مطبوعات مدیر مسؤل روزنامه و مجله از پنج تا صد تومان جریمه خواهد شد. (آرشیو سازمان اسناد ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۳۹۹۸۳-۲۹۷؛ کتابچه قانون مطبوعات ۱۳۲۶ق به خط عمادالکتاب، ۹-۴).

برطبق قانون مزبور، مطبوعات می‌توانند آزادانه به جستجو و کسب آزادانه اخبار، اطلاعات و عقاید عمومی بپردازند و آنها را به هر طریق ممکن انتشار دهند. (معمد نژاد، همان: ۲۴ و ۲۵) این بدان مفهوم است که براین اساس قبل از انتشار نباید هیچ محدودیت و نظارتی وجود داشته باشد و توقیف

تعطیل خودسرانه روزنامه‌ها بعد از انتشار مقدور و مجاز نیست. این مفهوم از عصر مشروطه وارد ادبیات قانون‌گذاری ایران شد.

در اصل سیزدهم قانون اساسی دوره مشروطیت، درباره آزادی و محدودیت‌های مطبوعات چنین آمده است: «عموم روزنامه‌جات، مادام که مندرجات آنها مخل اصلی از اصول اساسیه دولت و ملت نباشد، مجاز و مختارند که مطالب مفیده عام‌المنفعه را به طبع رسانیده و منتشر نمایند و اگر کسی در روزنامه‌جات و مطبوعات برخلاف آنچه ذکر شد و با غرایض شخصی چیزی طبع نماید یا تهمت و افترا بزند، استنطاق و محاکمه و مجازات خواهد شد.» (آرشیو سازمان اسناد ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۳۹۹۸۳-۲۹۷؛ معتمدنژاد، همان: ۲۸۶)

به موجب ماده ۴۹ نخستین قانون مطبوعات ایران مصوب ۵ محرم ۱۳۲۶ هـ.ق/ ۱۸ بهمن ۱۲۸۶ش مواردی که برای محدودیت آزادی مطبوعات در نظر گرفته شد شامل: مطالبی که مضر به اساس اسلام، هتک احترام سلطنت، افشای اسرار نظامی، دعوت علیه قوای رسمی مملکت، ایجاد هیجان کلی و اختلال آسایش عمومی و باعث اشاعه صور قبیحه و بر ضد عصمت و عفت باشند است. این موارد از مهم‌ترین جرایم مطبوعاتی شناخته و سبب توقیف روزنامه می‌شدند. در همین قانون به موجب مواد ۳۴ تا ۳۹ «هتک احترام و شرف و کسر اعتبارات شخصیه افراد» نیز جرم شناخته شده بود؛ اما مجازات آن نسبت به جرائم سابق خفیف‌تر بود (آرشیو سازمان اسناد ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۳۹۹۸۳-۲۹۷؛ معتمدنژاد، همان: ۲۸۶).

آزادی بیان و روزنامه «جنگل»

در قانون اساسی مشروطیت و متمم آن محدودیت‌های آزادی مطبوعات و جرایم مطبوعاتی پیش‌بینی شده بود. نخستین قانون مطبوعات ایران نیز به تقلید از قانون مطبوعات فرانسه مصوب شد و بر مبنای نظام «تنبیهی» استوار بود (معتمد نژاد، همان: ۱۰۲). براساس آن تنها ارائه «اعلام نامه» ای از سوی متقاضی به اداره معارف وقت برای انتشار روزنامه یا مجله کفایت داشت. اما عمر این قانون دیری نیامید و به دوره صدارت علاءالسلطنه، در ۱۸ شوال ۱۳۳۵ق/ ۱۶ مرداد ۱۲۹۶ش، تأسیس نشریات منوط به کسب امتیاز و اجازه شد. (همان: ۱۰۳ و ۱۰۴) روزنامه «جنگل» از این قانون مستثنی نبود و علی‌القاعده می‌بایست در صورت تخلف مورد بازخواست قرار می‌گرفت. اما چنان که از مطالب و گزارش‌های روزنامه و دیگر اسناد و مدارک آشکار است هیچ‌گاه مورد تعقیب و یا خطر تعطیلی قرار نگرفته است. این مسأله بیش از هر چیز ناشی از دو عامل بود. نخست اینکه دور از دسترس قضایی و سیاسی حکومت مرکزی منتشر می‌شد و دیگر این که حکومت مرکزی نفوذی در ایالت گیلان نداشته است.

اگرچه این محدودیت دو ماه پس از انتشار نخستین شماره روزنامه «جنگل» مصوب شد و شامل حال آن نمی‌گردید، اما طبق قانون قبلی صاحبان نشریه مذکور باید به اداره معارف «اعلام نامه» ارائه می‌کردند. تنها در شماره نخست روزنامه «جنگل» مطلبی با عنوان «اعتذار» آمده است که نقض این قانون را نشان می‌دهد: «...جهت طبع و نشر بدون امتیاز از وزارت جلیله معارف، همانا فوت وقت بوده است و انتشار بحران کابینه؛ لذا به موجب این اولین شماره از آن مقام منیع امتیاز جریده را خواهیم.» (روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، ش ۱: ۱) با وجود ضرورت قانونی اطلاع به اداره معارف، مدیر روزنامه «جنگل» اقدامی در این خصوص نکرده و ادامه انتشار آن نشان می‌دهد برخوردی از سوی دستگاه نظارتی با آن صورت نگرفته است.

در فصل آخر قانون مطبوعات مصوب پنجم محرم ۱۳۲۶ ق/ ۱۸ بهمن ۱۲۹۶ ش - یعنی ده سال پیش از قیام جنگل - مواردی که موجب توقیف روزنامه‌ها می‌شود به شرح زیر آمده است:

۱- ماده ۳۴: «هتک احترام و شرف و کسر اعتبارات شخصیه افراد یا هیأت ... و مطلقاً هرگونه تخفیف و تحقیر، خواه به معنی باشد، خواه به الفاظ نالایق مستوجب تهدید و سیاست خواهد بود».

۲- ماده ۳۵: «هرکس نسبتی از نسبت‌های مندرج در ماده ۳۴ را ... به یکی از محاکم عدلیه یا اجزاء حربیه یا انجمن‌ها یا ادارات دولتی بدهد... از هشت روز الی یک سال حبس خواهد شد و اگر وسیله انتشار آن نسبت‌ها روزنامه باشد در مدت مشخصه توقیف خواهد شد...».

۳- ماده ۳۶: «حکم‌های مذکور در ماده ۳۴ هرگاه آن نسبت‌ها به وزیری یا مبعوثی، ... یا از کارگزاران امور دولتی یا از پیشوایان مذهب اسلام ... در صورتی که آن نسبت و افترا راجع به حیظه مسئولیت آنها باشد».

۴- در ماده ۳۸ آمده است: «نوشتن فحش، ناسزا و الفاظ قبیحه، اکیدا ممنوع است ... اگر نسبت به اشخاص مذکور در ماده ۳۷ باشد... روزنامه از هفت روز الی سه ماه تعطیل خواهد شد...».

(آرشیو سازمان اسناد ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۳۹۹۸۳-۲۹۷؛ کتابچه قانون مطبوعات ۱۳۲۶ ق به خط عمادالکتاب، ۹-۴)

در ایام انتشار روزنامه «جنگل»، نکته مهمی دیده می‌شود و آن عدم ذکر نام نویسندگان است. تنها ۱۴ عنوان مطلب در این روزنامه صاحب نام نویسنده است که البته از این میان ۵ عنوان به غلامحسین کسمایی، سردبیر روزنامه تعلق دارد و ۹ عنوان دیگر به صورت درخواست یا اعلان و تنها در دو مورد مطالب انتقادی بوده است.

گرچه نشریات - به دلایلی که به آن خواهیم پرداخت - از خطر تعطیل در امان بوده‌اند، اما باز هم نویسندگان مطالب انتقادی با اسامی مستعار یا بدون نام، مطالب خود را چاپ می‌کردند. به نظر

می‌رسد نویسندگان به خاطر ناامنی اجتماعی و از ترس برخوردهای حکام با شخص نویسنده، از نوشتن نام خود سر بازمی‌زدند.

عناوینی چون «ابن الوقت»، «دخو»، «زبان آزاد»، «امضا محفوظ»، «تی نوکر تقی» و امثالهم در روزنامه «جنگل» بی‌شمارند و از فضای بسته سیاسی برای بیان انتقادات سخن می‌گوید. این مطلب نشان می‌دهد که اصول تأکیدشده در قانون مطبوعات آن دوران تا چه اندازه از سوی مطبوعات عصر مشروطه نادیده گرفته می‌شد و اگر مجموعه یک روزنامه از اعمال قدرت در امان بود، قطعاً دلایلی دیگر داشت. به طور کلی یکی از ویژگی‌های فکری و اجتماعی پس از تشکیل نهاد مجلس در ایران عدم پذیرش قانون و قانون‌گریزی بود. این مسأله در تمامی سطوح اجتماعی ایران، از شاه تا رعیت، قابل مشاهده است و در نتیجه این عامل و عوامل دیگر، نقش مهمی در ناکامی نخستین تلاش‌ها جهت نهادینه نمودن قانون در ایران داشت.

افکار عمومی و روزنامه «جنگل»

افکار عمومی، نیرویی غیر رسمی و نهفته در درون یک جامعه است که بخش بزرگی از آن معمولاً ناپیدا است. تاریخ بررسی افکار عمومی از قدمت بسیاری برخوردار است، ظاهراً «ژان ژاک روسو» در سده هجدهم میلادی به تبیین این موضوع و نقش آن در ثبات و بی‌ثباتی یک جامعه پرداخته‌است (زارعیان، ۱۳۸۶: ۱).

عوامل بسیاری در شکل‌دهی افکار عمومی جامعه مؤثرند که از آن جمله می‌توان به نقش رسانه‌ها اشاره کرد. پژوهشگران حوزه رسانه بر این عقیده‌اند؛ وسایل ارتباط جمعی می‌توانند تأثیرات عمیقی بر روی جامعه بگذارند و یا عقاید موجود را تقویت کنند. (همان: ۲۵) لذا روزنامه «جنگل» به عنوان یکی از رسانه‌های صاحب مخاطب آن عصر، از تأثیرگذاری قابل توجهی برخوردار بوده و حکام مجبور بودند نظرات آن را کنترل کنند. با این حال چنین نظارتی از سوی دولت دیده نمی‌شود. هرگاه فضای باز سیاسی و انتقادی بر رسانه‌ها حاکم باشد، یعنی افکار عمومی در رسانه‌ها توان تجلی یافته‌است و دولت پذیرای انتقادات است. اما حکومت احمدشاه قاجار، قادر به اداره جامعه نبود و دولت‌های آن دوره نیز تحت تأثیر منویات دولت انگلیس و روسیه بودند. با این وصف، در روزنامه «جنگل» انعکاس افکار عمومی و صدای مردم قحطی‌زده را می‌بینیم که ضمن انتقاد از اوضاع سیاسی و دیپلماسی خارجی، حقوق خود را با صراحت و تندى و در بسیاری از موارد با پرخاش طلب می‌کنند. به عنوان نمونه در شماره ۲۲ به صراحت و دقت درباره وطن‌فروشی سه رئیس‌الوزرا گزارش می‌دهد و درباره نفر چهارم

می‌گوید که چون وطن را به تاراج نداده، مورد انتقاد و شماتت واقع [شده است] (روزنامه جنگل ۱۳۳۶، ش ۲۲: ۴ و ۵).

نمونه‌های بسیاری از این شیوه تنویر افکار عمومی در روزنامه «جنگل» به چشم می‌خورد و طبق قانون مطبوعات مصوب ۱۳۲۶ق/۱۲۸۶ش چنین اتهاماتی به رجال مملکتی بدون ذکر سند و دلیل محکمه‌پسند، سبب صدور حکم علیه روزنامه می‌شود. با این وجود انتشار نشریه ادامه می‌یابد. اگر این رویه در دول دموکرات جریان می‌یافت، ممکن بود بتوان دلایل دیگری برای آن اقامه کرد. اما چون جامعه آن دوران دموکرات نیست، نمی‌توان رویه سلطنت را «اهمیت به افکار عمومی» نامید. بلکه به نظر می‌رسد متون روزنامه‌ها رصد نشده یا اگر نظارتی وجود داشته، نظر حاکم بر جامعه و روشنفکران آن اهمیتی نداشته‌است. نکته قابل توجه این است که از این دسته اعتراض‌ها به رجال و درباریان، بخش قابل توجه‌ای از گزارش‌ها و مطالب روزنامه «جنگل» را به خود اختصاص داده‌است.

نابسامانی‌های اجتماعی و فقدان اقتدار حکومت مرکزی

نمونه‌های بی‌شماری از هرج و مرج و آشفتگی امور ایران و گیلان در مقاله‌ها و گزارش‌های روزنامه «جنگل» دیده می‌شود. نویسندگان روزنامه بر این عقیده‌اند؛ علت اوضاع پریشان جامعه را تنها نمی‌توان به فقدان قوانین متناسب دانست. بلکه چون هیچ ضمانت اجرایی قدرتمندی برای قوانین وجود ندارد. نمونه‌های زیر به خوبی اوضاع آشفته نهادهای اجتماعی و اداری را نشان می‌دهد. البته در موارد بسیاری این روزنامه خود نیز مروج بی قانونی و عدم احترام به دستورات دولت و مجلس است. به عنوان نمونه، خود روزنامه «جنگل» از ارائه «اعلان‌نامه» به اداره معارف سر باز زده و دلیل آن را ضیق وقت عنوان کرده‌است. با این حال ادامه انتشار نشریه بدون مانع و مشکل، نشان می‌دهد هیچ نوع ضمانت اجرایی برای این قانون وجود نداشته‌است. در شماره ۲۵ «جنگل»، مطلبی با عنوان «ایران معارف ندارد؛ یعنی هیچ ندارد» آمده و به شرح ضعف دستگاه معارف در ایران پرداخته است. نویسنده «وزیر معارف» را جز عنوانی بیش نمی‌داند. (روزنامه جنگل، ۱۳۳۶، شماره ۲۵) در میان هیاهوی جنگ جهانی و غوغای انگلیس و روسیه در ایران، بی‌توجهی به موضوع معارف و فرهنگ چندان عجیب نیست. اما این نوشته‌ها تا اندازه‌ای ذهن گرداندگان روزنامه «جنگل» را به خود مشغول داشته و نزدیک به نیمی از مقالات و نوشته‌های روزنامه درباره این موضوع است.

یکی از ویژگی‌های اجتماعی دهه پایانی عصر قاجار، گسترش ناامنی و هرج و مرج در ایران است. این هرج و مرج، به‌ویژه با اقدامات سربازان و مأموران روسیه تزاری، افزوده می‌شد. روزنامه «جنگل» به نقل از نشریه «ستاره ایران» گزارشی فاجعه‌بار از این شرایط در ایران ارائه می‌دهد: «روز

سه شنبه از کرمانشاه خبر می‌دهند که روس‌ها ۱۸ نفر از اهالی را به دار زده، معدوم می‌نمایند. تاکنون بر ما کشف نشده که آنها از چه طبقه می‌باشند» (روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، شماره اول). سپس در ادامه مطلبی آورده که از ظلم و تعدی روس‌ها به مردم کرمانشاه و چپاول به مردم گزارش می‌کند. علاوه بر این مورد، در بخش دیگری با عنوان «سانسور» به نقل از روزنامه «بامداد روشن» ادعا می‌کند روس‌ها به سانسور تلگراف‌های منطقه همدان می‌پردازند و در این باره انتقاد می‌کند (همان).

خاطرات و گزارش‌های برخی از شخصیت‌های سیاسی این دوره، چنین رویدادهایی را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد این نوع حوادث، موردی و اتفاقی نبودند و همه گروه‌ها و طبقات اجتماعی ایران را به خود مشغول داشته‌است. کوچکپور در یادداشت‌های خود به هنگام خدمت در شهربانی، از تعرض نظامیان روس به دکانی می‌نویسد و اشاره می‌کند که به عنوان افسر کشیک با آنها درگیر و مجروح می‌شود، از سوی فرمانده روس‌ها مورد بازخواست قرار می‌گیرد و حتی تهدید به اعدام می‌شود (کوچکپور، ۱۳۶۹: ۸). این ماجرا، قدرت قشون روسیه را در تجاوز به حریم ایرانیان روشن می‌سازد.

آنچه از گزارش‌های یادشده می‌توان استنباط نمود این است که، حکومت احمدشاه قاجار نه تنها قدرت ممانعت از دست‌اندازی‌های بیگانگان را نداشت، بلکه توان بازخواست و اعتراض به آنها را نیز در خود نمی‌دید. در امور داخلی نیز، امکان رسیدگی به مسائلی چون نحوه انتشار و محتوای روزنامه‌ها را نداشته‌است. روزنامه «جنگل» در شماره ۸، مطلب جالب توجهی از اوضاع اداری آورده‌است. پست‌خانه که باید امین مراسلات مردم باشد، نیازهایش را از مرسولات مردم مرتفع می‌سازد. به دنبال شکایت برخی از مشترکان روزنامه «جنگل»، به خاطر عدم وصول روزنامه، اداره پست رشت چنین پاسخ می‌دهد: «بلی چند شماره! گویا ۴ شماره نرسیده‌است و من حاضریم قیمت آن را رد کنم. زیرا که این چند شماره برای پست‌خانه لازم بود؛ ما برداشتیم!» (روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، ش ۸: ۷). اوضاع درهم ریخته دیوانی و اداری یکی از عوارض ضعف دولت مرکزی است. در ادامه همین صفحه آمده‌است: «وقتی ادارات و دوایر شهری بی‌مدیر است و به اصطلاح چراغ خاموش است و آسیا می‌گردد، مسلم است حال قراء و قصبات ... بهتر از مرکز گیلان نخواهد بود». (همان)

در شماره یازدهم روزنامه «جنگل» آمده‌است: «ما منتظریم روسیه آزاد به ... ابطال آن چیزهایی که ماحی استقلال ما است، بلکه به مساعدت‌های عملی، ما را معاونت کرده تا نگذاریم انگلیس ایران را مانند سایر قطعات مستملکه خود به زنجیر اسارت مقید نماید.» (۱۳۳۵، ش ۱۱: ۴) در شماره چهاردهم به نقل از «یک نفر ایرانی»، اوضاع لاهیجان را نابسامان توصیف می‌کند. نویسنده وضعیت این شهر را به هنگام ورود حاکم به تصویر می‌کشد و از تعرض حاکم و همراهان او به جان و مال و ناموس مردم در هنگام ورود به شهر شکایت می‌کند (روزنامه جنگل، ۱۳۳۶، ش ۱۴: ۴) این حکام در اموری که نفع

شخصی و وابستگان‌شان در میان بود به هر نحو و صورتی دخالت می‌کردند و در سایر امور، مردم را به حال خود وانهاده بودند.

در شماره چهاردهم از اوضاع بد عمرانی خبر می‌دهد و شکایتی مبنی بر تخریب پل راه شوسه پیربازار طرح می‌کند و معتقد است از زمان بسیار دوری این خرابی وجود دارد و برای مردم مشکلات بسیاری رقم زده است، اما هنوز ترمیم نشده است. (همان: ۸) در شماره پانزدهم نیز که بعد از ۲۳ روز به چاپ می‌رسد، همین مطلب دوباره به مسئولان گوشزد می‌گردد (روزنامه جنگل، ۱۳۳۶، ش ۱۵: ۷) و نشان می‌دهد که هیچ اقدامی در این باره نشده است.

در شماره هفدهم روزنامه جنگل حکایت قابل تأملی به چشم می‌خورد، این روزنامه می‌نویسد: «یک جوان بی‌شرف، مخاطب السلطان، برادر زاده مفاخر الدوله ... بی آنکه از هیچ سمتی تعرضی یا تهدیدی مشاهده نماید دو نفر صاحب منصب و ۲۵ نفر سالدات روس را به اسم محافظت خود به عمارت حکومتی آورده و منزل داد... [بر اثر انتشار آن] نزدیک بود کار منجر به جاهای نازکی شود. آقای عزت اله‌خان، نماینده هیأت محترم اتحاد اسلام ... به فوریت از هیجان اهالی جلوگیری کرده با قونسولگری و ریاست قشون دولت دموکراسی روسیه داخل مذاکره گردیده... بلافاصله صاحب منصب و سالدات‌ها را از عمارت حکومتی امر به اخراج نمودند و آنها نیز خارج. اهالی از اضطراب خاطر و هیجان آسوده شدند» (روزنامه جنگل، ۱۳۳۶، ش ۱۷: ۵).

این موارد و موارد دیگری چون، ناتوانی و عاجز بودن مسئولان در تهیه ارزاق در ایام قحطی (۱۳۳۶، ش ۱۷: ۴)، فقر و فلاکت مردم و نقش هیأت اتحاد اسلام و مردم «نوع پرست و دین‌دار» به ساماندهی ۷ هزار فقیر که از شهرها به روستاها آمده بودند (روزنامه جنگل، ۱۳۳۶، ش ۲۲: ۶) در شماره‌های مختلف روزنامه درج شده است.

روزنامه «جنگل» و موارد نقض قانون

با تورق در روزنامه «جنگل» موارد متعددی می‌توان یافت که نویسندگان روزنامه، قانون مطبوعات عصر خود را زیر پا گذاشته و بر اساس همان قانون از سوی دولت می‌بایست مورد تعطیلی قرار می‌گرفت. با این وجود به جهت عدم دسترس بودن جنگلی‌ها و فقدان نفوذ سیاسی و قضایی دولت و مأموران آنها در گیلان، روزنامه «جنگل» بدون هیچ مزاحمتی به انتشار خود ادامه می‌داد. البته همان گونه که پیش‌تر اشاره شد، روزنامه جنگل از نظر محتوا کمتر به روزنامه‌های واقعی شباهت داشت، زیرا به صورت هفتگی و گاه ماهانه بسته به میزان قدرت و ضعف جنگلی‌ها منتشر می‌شد. از طرف دیگر این روزنامه در نقش رسانه جنگلی‌ها جهت ارائه دیدگاه‌ها و بیانات رهبران آنان عمل می‌کرد و کمتر به اخبار مردم و توده‌های

اجتماعی می‌پرداخت. نقد حاکمیت، دولت مرکزی، انگلستان و سیاست پیروی از دوستان و هم پیمانان سیاسی بیشترین داده‌های این نشریه را به خود اختصاص داده است.

با وجود نقد رفتارهای حاکمان در روزنامه، گاه و بیگاه دولت نیز از اظهار نظرهای روزنامه، به‌ویژه در به چالش کشیدن سیاست‌های انگلستان در ایران، خشنود می‌شد. زیرا این اقدام جنگلی‌ها موجب کاهش فشار انگلیسی‌ها بر دولت وقت می‌شد. در نتیجه، گاهی، دولت نیز از آنها به صورت پنهانی حمایت می‌کرد. اما با بررسی روابط دولت مرکزی با نهضت جنگل، به راحتی می‌توان دریافت که حکومت قاجار و دولت نمی‌توانست با تمام آرای جنگلی‌ها و روزنامه «جنگل» موافق باشد.

مهم‌ترین عامل عدم اجرای اعمال سیاست و نظارت بر روزنامه جنگل، عدم دسترسی و تسلط دولت مرکزی بر این روزنامه بوده است. چراکه بعد مکانی بین کانون قدرت در تهران و انتشار روزنامه در رشت، ممکن است سبب شود که تمام نسخ آن به دست مسئولان نرسیده یا دیر به دیر از محتوای آن آگاهی یابند. به هر حال آنچه روشن است این است که دولت سازوکار مناسب را برای تعدیل مطالب مندرج در روزنامه در اختیار نداشته است. مهم‌ترین مصادیق نقض قانون توسط روزنامه «جنگل» شامل:

توهین به مقامات مملکتی؛ یکی از ویژگی‌های روزنامه جنگل، در تمامی شماره‌هایی که در دسترس ما است، سرزنش و توهین به مقامات حکومتی و تاختن بر شخصیت و کارکردهای آنان است. از مهم‌ترین رجال مملکتی که به موجب این روزنامه مورد تحقیر، استهزا و یا دشنام قرار گرفته‌اند، می‌توان به فرمانفرما، محمدولی خان تنکابنی (سپهسالار یا رئیس‌الوزرا)، سردار نصرت، ظل‌السلطان، میرزا محمودخان (رئیس تأمینات رشت)، سپهدار اعظم سردار منصور و امین‌الدوله اشاره کرد.

در این میان محمدولی خان تنکابنی، با لقب سپهسالار، بارها مورد توهین نویسندگان روزنامه قرار گرفت و فراوانی بالاتری نسبت به دیگران دارد. به نظر می‌رسد به جهت نقش وی در مقامات بالای اداری دولت قاجار از یک سو و همچنین نفوذ وی بر مناطق باختری مازندران و مناطق خاوری گیلان از دیگر سو، باعث شده بود تا سپهسالار تنکابنی و فرزندانش به طور مداوم مورد انتقاد روزنامه جنگل باشند. برای نمونه در شماره ۶ روزنامه، مطلبی به کنایه و توهین خطاب به محمدولی خان سپهسالار نوشته که از مصادیق ماده ۳۴ و ۳۶ قانون مطبوعات سال ۱۳۲۶ق است: «ما با یک دنیا تحیر و تأسف سواد مکتوب یک خائن دین و دولت را (محمدولی خان تنکابنی) عرضه انظار قارئین می‌نماییم...» (روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، ش ۶: ۴).

فرمانفرما شخصیت دیگری است که مورد انتقاد شدید روزنامه «جنگل» قرار گرفت: «فرمانفرما یعنی یک خائن دین و دولت. فرمانفرما یعنی یک مشرک بی وطن. فرمانفرما یعنی ننگ دودمان و خانواده قاجار. فرمانفرما یعنی آنکه گاهی به عشق چلو، لنگری را هم در عمارت گلستان

طهران می‌بلعید...» (روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، ش: ۹: ۳). در شماره دوم این روزنامه نیز امین‌الدوله مورد توهین قرار می‌گیرد و با عنوان «امین‌الدوله "معلوم‌الحال"» از او یاد می‌کند. (روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، ش: ۹: ۴).

ورود قوام‌السلطنه به هیئت وزرا با عکس‌العمل شدید روزنامه «جنگل» مواجه شد. در چندین شماره از روزنامه به عملکرد قوام‌السلطنه و برادرش وثوق‌الدوله به شدت اعتراض می‌شود. «کابینه ما پس از یک رشته تزلزل و بحرانی که عموم علاقه‌مندان به این آب و خاک را تهدید به انحلال می‌کرد علی‌رغم آمال وطن‌خواهان و مطابق آرزوی بدبینانی که لزوم ترمیم کابینه را به انواع سفسطه و لجاج جاهلانه ثابت می‌کردند بالاخره به عضویت یک عضو فاسد (قوام‌السلطنه) اصلاح گردید.» (روزنامه جنگل، ۱۳۳۶، ش: ۱۷، ۱)

با نگاهی به محتوای روزنامه «جنگل» موارد بسیاری از انتقاد و توهین به مقامات حکومتی و دولتی می‌توان یافت. با توجه به چنین رویکردی باید گفت که روزنامه رویکردی هجو و هزل‌گونه در مقابله با دشمنان خویش در پیش گرفته بود.

به کاربردن کلمات ناسزا

بر اساس ماده ۳۸ قانون مطبوعات سال ۱۳۲۶ق/۱۲۸۶ش «نوشتن فحش، ناسزا و الفاظ قبیحه، اکیداً ممنوع است.» (آرشیو سازمان اسناد ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۳۹۹۸۳-۲۹۷؛ کتابچه قانون مطبوعات ۱۳۲۶ق به خط عمادالکتاب، ۹-۴) اما استفاده از چنین عباراتی علیه رجال سیاسی از جرائم مکرر در روزنامه «جنگل» است: در شماره نخست، ذیل مطلب «قول را فعل لازم است» عبارت «یک جمع رذل بی‌شرف» ذکر شده است (روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، ش: ۱: ۲). در شماره هفدهم نیز درباره مخاطب‌السلطان، از واژه‌های «یک جوان "بی‌شرف"، "ردل"، "پررو"، "سمج" و "بی‌وجدان" یاد می‌کند. (روزنامه جنگل، ۱۳۳۶، ش: ۱۷: ۵). نه تنها عبارات ناسزا در این روزنامه آمده، بلکه به رجال حکومتی و خاندان آنها توهین شده است. اما هیچ نشانی از برخورد قضایی مطابق مواد ۳۴ و ۳۶ قانون دیده نمی‌شود.

درج نامه‌های محرمانه

در شماره ششم، تصویر مکتوبی از طرف سپهسالار اعظم به نمایندگان بریتانیا و روسیه انتشار یافته که محرمانه است و طی آن از نظر دولت درباره اعطای امتیازاتی به بیگانگان اطلاعاتی می‌دهد (روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، ش: ۶: ۴). براساس قانون مصوب این دوره، «فاش نمودن و انتشار اسناد، دستورها و مسائل محرمانه، مذاکرات غیرعلنی» از جمله جرائمی است که در مطبوعات تحت تعقیب قرار می‌گیرد.

اما روشن است که درج تلگراف محرمانه و غیرعلنی سپهسالار اعظم، کوچکترین ضربه‌ای به روال انتشار نشریه وارد نکرده‌است.

سرپیچی از قانون

علاوه بر نکات اشاره شده، اساساً انتشار روزنامه مراحل قانونی خود را طی نکرده بود و صرفاً بر اساس منویات و اراده هیأت اتحاد اسلام و جنگلی‌ها، مبنی بر تأسیس روزنامه جهت ارائه دیدگاه‌های‌شان، منتشر شده است؛ از این رو سنگ بنای روزنامه با سرپیچی از قوانین حاکم گذاشته شده بود. هیچ سندی در دست نیست که مدیر مسئول و هیأت گردانندگان روزنامه درخواستی جهت انتشار روزنامه به دولت ارسال کرده باشند. چنانکه در بخش‌های قبلی ذکر آن رفت، مجوز انتشار پیش از شماره نخست نشریه دریافت نشده و هیچ ارگان دولتی در گیلان نیز جرأت اعتراض به انتشار روزنامه را نداشت. این موضوع نخستین و مهم‌ترین تخلف روزنامه جنگل به شمار می‌رود.

نتیجه

نهضت جنگل در پاسخ به ناتوانی دولت مرکزی ایران در برابر زیاده‌خواهی‌های روسیه و انگلستان در گیلان شکل گرفت. گیلان عصر قاجار، به ویژه در دوره‌های پایانی آن، جلوه بارزی از ناکامی‌های دولت قاجار بود. روس‌ها عملاً در این دوران، این منطقه از ایران را جولانگاه خود نموده و فرمانروایی قاجارها در این ایالت تنها نامی ظاهری بیش نبود. جنگ جهانی اول، هجوم قوای روسیه و انگلستان به ایران، ناتوانی احمدشاه و دولت در اداره امور، آشفتگی اجتماعی و اقتصادی ایران و در پی آن گیلان، بر خرابی اوضاع افزود. در این زمان مطبوعات، که یکی از ابزارهای منتقدان این دوره بودند، از فرصت استفاده کردند و آزادانه به بیان نظرات خود پرداختند و در این راه حتی شیوه احترام و میان‌رویی را به کناری نهادند. توهین به رجال سیاسی، زیر سؤال بردن سیاست‌های خارجی دولت، ترسیم اوضاع نابسامان اقتصادی و اجتماعی، بدون واژه‌ها از برخوردهای حکومتی و ارائه تحلیل‌های صریح و هنجارشکنانه درباره اوضاع موجود ارائه کردند. یکی از روزنامه‌های این دوره، روزنامه «جنگل» بود که با در پیش گرفتن رویه‌ای ساختارشکنانه سعی در انتقاد از وضع حاکم بر کشور داشت. این روزنامه کارکردی شبیه به سایر روزنامه‌ها نداشت، زیرا هدف از تأسیس آن توسط هیأت اتحاد اسلام و جنگلی‌ها، انتشار مواضع، دیدگاه‌ها و بیانیه‌های آنان در برابر دشمنان داخلی، خارجی و دولت مرکزی بود. اساساً مهمترین خصلت و ویژگی این روزنامه اعتراض، توهین، انتقاد و سرزنش دولت مرکزی و حمله به مواضع روسیه و انگلستان و همچنین در هفده ماه پایانی حمایت از سیاست دوستی با بلشویک‌ها و دولت شوروی و همچنین حمایت از سیاست‌های آنان در ایران بود.

روزنامه «جنگل» پس از یک دهه از تصویب قانون مطبوعات در سال ۱۳۲۶ق/۱۸ بهمن ۱۲۸۶ش انتشار خود را آغاز کرد. اما شرایط آشفته ایران موجب شد تا نویسندگان روزنامه به راحتی بتوانند دیدگاه‌های خود را با زبانی عاری از ترس و وحشت درباره سیاست‌مداران و دولت مرکزی بیان دارند و حتی از تهمت و اتهام به سران دولت مضایقه نورزند. مدیران و نویسندگان روزنامه «جنگل» به دلیل این که در جغرافیای گیلان و بدون دغدغه دسترسی دولت و مأموران حکومتی منتشر می‌شد، در فضایی آزادانه به ارائه دیدگاه‌های خود می‌پرداختند. از این رو می‌توان این نشریه را، پیش از شکل‌گیری حکومت پهلوی و رضاشاه در ایران، یکی از آزادترین روزنامه‌ها در تاریخ مطبوعات برشمرد. هرچند این روزنامه به عنوان ناقض قانون عصر خود به شمار می‌رود، اما نویسندگان روزنامه به انتقاد از قانونی پرداختند که بدون در نظر گرفتن رضایت مردم و ترکیب جمعیتی و منافع طبقات جامعه ایران نگارش یافته بود، شکل‌گیری قیام‌های متعدد در اواخر عصر قاجار نسبت به تعدی حاکمان و نفوذ بیگانگان نشان‌دهنده سستی حکومت از یک سو و ضعف قوانین و عدم کارایی‌شان در ایران آن دوره است.




مؤلفه‌ها و مضامینی چون: عدالت‌طلبی، وطن‌خواهی، بیگانه‌ستیزی، اعتراض به دستگاه حکومت وقت، تحریض به قیام علیه ظلم، دغدغه‌های ملی‌گرایانه و میهن پرستانه، بیان نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی، ناکارآمدی و فساد دولت‌ها در روزنامه جنگل بازتاب بیشتری یافت. بررسی و تحلیل محتوای مطالب روزنامه «جنگل» نشان می‌دهد آنچه امکان بیان این مؤلفه‌ها و مضامین ضد دولت مرکزی را فراهم ساخته، ناشی از هرج و مرج در سال‌های پایانی حکومت قاجارها و وقوع جنگ جهانی اول و اشغال شمال و جنوب کشور توسط نیروهای روسیه و انگلیس، بحران قحطی در کشور و مهمتر از همه فقدان ضمانت اجرایی برای قانون مطبوعات و دوری از دسترسی قضایی و عدم نفوذ حکومت مرکزی و حاکمیت ضعیف و سست حکام دست‌نشانده در ایالت گیلان بود.

منابع

۱. آرشیو سازمان اسناد ملی ایران (ساکما)، سند شماره ۳۹۹۸۳-۳۹۷
۲. آریان پور، یحیی (۱۳۸۷) *از صبا تا نیما*، ج ۱، تهران، زوار
۳. بدیعی، نعیم و قندی، حسین (۱۳۸۵) *روزنامه نگاری نوین*، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی
۴. پناهی، عباس (۱۳۹۶)، *ماخذ شناسی تحلیل جنبش جنگل*، رشت، انتشارات دانشگاه گیلان.
۵. پناهی، عباس (۱۳۹۹) «تأثیر هیئت اتحاد اسلام بر تحولات سیاسی، فکری و نظامی جنبش جنگل»، فصلنامه علمی و پژوهشی *مطالعات تاریخی جنگ*، شماره ۱۳، ۱-۲۴
۶. پناهی، عباس (۱۴۰۰ الف) *ماخذ شناسی تحلیلی انتقادی مشروطه ی گیلان*، رشت، انتشارات فرهنگ ایلیا.
۷. حاج سیدجوادی، حسن (۱۳۷۴) *نقش گیلان در انقلاب مشروطیت*، کتاب گیلان، جلد دوم، تهران، گروه پژوهشگران ایران.
۸. خمایی زاده، جعفر (۱۳۷۴)، *جغرافیای تاریخی گیلان*، کتاب گیلان، ج ۱، تهران، گروه پژوهشگران ایران.
۹. رابینو، یاسنت لویی (۱۳۷۴) *ولایات دارالمرز ایران: گیلان*، ترجمه جعفر خمایی زاده، رشت، طاعتی.
۱۰. رواسانی، شاپور (۱۳۸۱)، *نهضت جنگل*، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی.
۱۱. زارعیان، داوود (۱۳۸۶)، *شناخت افکار عمومی*، تهران، جهاد دانشگاهی.
۱۲. سلسله روزنامه جنگل (نشریه نهضت انقلابی جنگل)، (۱۳۵۹)، تهران، انتشارات مولی.
۱۳. فخرایی، ابراهیم (۱۳۵۴) *سردار جنگل*، تهران، انتشارات جاویدان
۱۴. کتابچه قانون مطبوعات ۱۳۲۶ق به خط عمادالکتاب، نشر مطبوعه میرزا علی اصغر
۱۵. کریم حدیثی، علی (۱۳۹۲) « استقلال و حفظ هویت ملی در بررسی تحلیل محتوای روزنامه جنگل ارگان رسمی جنبش میرزا کوچک خان»، فصلنامه *مطالعات ملی*، سال ۱۵، شماره ۳، ۱۷۹-۲۰۵
۱۶. کوچکپور، صادق (۱۳۶۹)، *نهضت جنگل و اوضاع فرهنگی و اجتماعی گیلان و قزوین*، به کوشش سیدمحمدتقی میرابوالقاسمی، رشت، گیلکان.
۱۷. گلی زواره، غلامرضا (۱۳۸۳) *میرزا کوچک خان جنگلی*، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل
۱۸. متولی، عبدالله (۱۳۹۰) «*رویکردها و نگرشهای اساسی در روزنامه جنگل*»، *جستارهای تاریخی*، سال دوم، شماره ۲، پاییز و زمستان، ۹۵-۱۱۵
۱۹. معتمدنژاد، کاظم (۱۳۸۲)، *حقوق مطبوعات*، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، ج ۱، چ سوم.
۲۰. معتمدنژاد، کاظم (۱۳۸۵)، *وسایل ارتباط جمعی*، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ج ۱.
۲۱. میرزا نژاد، هادی و بهنام رضانی (۱۳۹۶) *روزنامه جنگل*، رشت، انتشارات فرهنگ ایلیا
۲۲. نعمتی لیمائی، امیر (۱۳۸۹)، *مجموعه روزنامه های جنگل*، مشهد، امید مهر.
۲۳. روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، شماره اول

۲۴. روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، شماره ششم
۲۵. روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، شماره هشتم
۲۶. روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، شماره نهم
۲۷. روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، شماره یازدهم
۲۸. روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، شماره چهاردهم
۲۹. روزنامه جنگل، ۱۳۳۵، شماره پانزدهم
۳۰. روزنامه جنگل، ۱۳۳۶، شماره هفدهم
۳۱. روزنامه جنگل، ۱۳۳۶، شماره بیست و دوم
۳۲. روزنامه جنگل، ۱۳۳۶، شماره بیست و پنجم

Investigating Russian cognitive-hybrid functions Based on the diaspora in the Baltic region

Davoud Faridpour¹  | MohamadHosein GhorbaniZavareh²  |
HamidReza Faridour³ 

1. Corresponding author, PhD in Communication Sciences, Faculty of Communication, Allameh Tabataba'i University (RA), Tehran, Iran E-mail: Dr.Faridpour@gmail.com
2. PhD student in law and researcher in the field of hybrid and cognitive warfare. E-mail: ghorbani.62@gmail.com
3. MSC. statistics economic and social of Razi University and Researcher in the field of analysis and military power. hamidrezafarid@yahoo.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received :14
September 2022
Received in revised
form 10 October
2022
Accepted: 29
November 2022
Published online: 21
December 2022

Keywords:
Baltic countries,
Influence,
Russian ethnicities,
Russian policies,
Soft power,
War of knowledge,

ABSTRACT

The study and analysis of the developments in the Baltic region indicates that Russia, in addition to the traditional means of economic and military pressure, gradually uses soft power tools in the framework of the strategy to legitimize its interests in the Soviet Union environment of cognitive warfare has expanded. as a result; The large Russian-speaking minority is capable of being an effective actor in directing the Kremlin's ambiguous and hostile policies. Russia's basic goal of providing tools of this type of power is based on the research and recommendations of thinkers such as Joseph Nye, Primakov's doctrine and Gerasimov's theory, and for this reason; The following article tries to analyze and qualitatively analyze general and common scientific methods such as: inference, comparison, simile, description, explanation and combination and take advantage of key indicators such as; To present the key role of social media, public and private organizations and institutions, diplomacy, ideology, law and economics in the toolbox of cognitive warfare, therefore, in this article, an insight into the nature of Russia's power of deception and obfuscation is provided, while at the same time it tries to achieve real benefits. The Russian Federation should be discussed further in the next parts of the research. Now, in stating the main problem and challenge of this research, we can say; Soft power has given clear legitimacy to the multiple interests of Russia in the -Soviet Union space and is trying to get the necessary concessions from the actors and targets by using special tools and measures in this direction. In the following; It is likely that the advantage of such influence would lead to effective and serious opposition to the United States among other societies and governments, similar to Russia.

Cite this article: Faridpour, Davoud, Ghorbani Zavareh, Mohamad Hosein, & Faridpour, HamidReza. (2022).

Investigating Russian cognitive-hybrid functions Based on the diaspora in the Baltic region *News Science*, 11 (43), 83-110.





بررسی عملکردهای هیبریدی - شناختی روسیه با تکیه بر دیاسپورا در منطقه بالتیک

داود فریدپور^۱ | محمدحسین قربانی زواره^۲ | حمیدرضا فریدپور

۱. نویسنده مسئول، دکترای علوم ارتباطات، دانشکده ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران. رایانامه: Dr.Faridpoor@gmail.com
۲. دانشجوی دکتری حقوق و پژوهشگر حوزه جنگ ترکیبی و شناختی شناختی. رایانامه: ghorbani.62@gmail.com
۳. کارشناسی ارشد آمار اجتماعی و اقتصادی دانشگاه رازی. پژوهشگر حوزه تحلیل و قدرت نظامی رایانامه: hamidrezafarid@yahoo.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۲۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۷/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۹/۳۰

کلیدواژه‌ها:

جنگ شناخت، سیاست‌های روسیه، قدرت نرم، کشورهای بالتیک، نفوذ، قومیت‌های روس

بررسی و تحلیل تحولات کشورهای منطقه بالتیک حکایت از آن دارد که روسیه، علاوه بر ابزارهای سنتی فشارهای اقتصادی و نظامی، برای مشروعیت بخشیدن به منافع خود - در فضای پس از اتحاد جماهیر شوروی - به‌مرور نفوذ خود را از طریق ابزارهای قدرت نرم در چارچوب استراتژی منجمد در محیط جنگ شناختی گسترش داده است. در نتیجه؛ اقلیت بزرگ روسی‌زبان قادرند بازیگران مؤثری در جهت‌دهی سیاست‌های پُر ابهام و البته خصمانه کرملین به شمار آیند. هدف اساسی روسیه از ارائه ابزارهای این نوع قدرت بر پایه تحقیقات و توصیه‌های اندیشمندانی همچون جوزف نای، دکترین پریماکوف و نظریه گراسیموف پیش می‌رود و به همین دلیل؛ مقاله پیش رو تلاش دارد تا با تجزیه و تحلیل دقیق و کیفی روش‌های عمومی و رایج علمی همچون: استنتاج، مقایسه، تشبیه، توصیف، توضیح و ترکیب بهره گرفته و از شاخص‌های کلیدی از جمله؛ نقش کلیدی رسانه‌های اجتماعی، سازمان‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی، دیپلماسی، ایدئولوژی، قانون و اقتصاد آن را در جبهه ابزار جنگ شناختی ارائه دهد، بنابراین در مقاله حاضر بینشی از ماهیت قدرت فریب و ابهام بخشی روسیه ارائه می‌شود و در عین حال تلاش دارد تا منافع واقعی فدراسیون روسیه را در بخش‌های بعدی پژوهش مورد بحث بررسی بیشتر قرار دهد. اکنون در بیان مسئله و چالش اصلی این پژوهش می‌توان گفت؛ قدرت نرم به منافع چندگانه روسیه در فضای پس از اتحاد جماهیر شوروی مشروعیت آشکاری بخشیده و تلاش دارد با به‌کارگیری ابزارها و اقدامات خاص در این راستا، از بازیگران و اهداف تعیین شده امتیازات مورد نیاز را دریافت کند. در ادامه؛ این احتمال وجود دارد مزیت چنین نفوذی، منجر به مخالفت مؤثر و جدی ایالات متحده در بین سایر جوامع و حاکمیت‌ها، شبیه به روسیه نیز شود.

استناد: فریدپور، داود؛ قربانی زواره، محمدحسین؛ و فریدپور، حمیدرضا (۱۴۰۱). بررسی عملکردهای هیبریدی - شناختی روسیه با تکیه بر دیاسپورا در منطقه بالتیک. علوم خبری، ۱۱ (۴۳)، ۸۳-۱۱۰.



مقدمه

به نظر بسیاری از پژوهشگران، روسیه یک قدرت واقع‌گرای کلاسیک به‌شمار می‌رود و به‌جای تکیه بر قدرت جاذبه‌ای خود که در اوکراین دیده شد به اقدامات چندبعدی یا هیبریدی با نگاه شناختی و البته سخت، روی آورده است. آخرین دستاوردهای تحقیقاتی نشان می‌دهد که جدا از فشارهای اقتصادی سنتی و سیاست نظامی، مسکو ابزارهای نفوذ خود را در کشورهای بالتیک به شکلی کاملاً خاص گسترش و البته توسعه داده است. این امر با استفاده از ابزارهای قدرت نرم در جهت مشروعیت بخشیدن به منافع این قدرت بین‌المللی در فضای پس از اتحاد جماهیر شوروی و در نتیجه حضور پروکسی‌ها و قومیت‌های بزرگ روس زبان انجام می‌پذیرد. وضعیت کنونی زبان روسی در بین کشورهای کوچک منطقه بالتیک بر اساس شاخص‌های (فرهنگی، تاریخی و سیاسی) شکل گرفته و همچنان با نگاه شناختی ادامه دارد. مهم‌ترین آنها مربوط به دوره پُر التهاب شوروی و سیاست خنثی‌سازی دولت‌های بالتیک در جهت خنثی‌سازی تصمیم‌گیری‌های اروپایی است. روسیه بر تبعیض و تحقیر کمیته‌های سیاسی، زبانی، آموزشی و اجتماعی این منطقه با استفاده از روس‌های قومیتی تأثیر گذاشته و از دست رفتن کنترل سرزمینی و استقلال منطقه بالتیک را تا به امروز نپذیرفته است. در قرن جدید؛ مسکو سیاست خارجی کاملاً جدیدی را در قبال شهروندان اروپای شرقی و منطقه بالتیک تدوین و بر اساس یک‌زمان بندی خاص به اجرا درآورده است.

تنها در اوایل قرن بیستم مسئله "هموطنان" در گفتمان سیاسی روسیه ظاهر شد که در نقش یک میانجی در برابر اقدامات ترکیبی اتحادیه اروپا قرار گرفت. به اصطلاح "کارت روسی" برای جلوگیری از تجزیه اتحاد جماهیر شوروی در پوشش سیاست‌های چندگانه دنبال شد و البته همچنان ادامه دارد. حفاظت از دیاسپوراهای روسی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی برای گورباچف قابل توجه و بسیار مهم بود؛ اما مسئله هموطنان و قومیت‌های روس برای یلتسین در دوره نخست ریاست جمهوری وی اهمیت کمتری داشت. در آن زمان، گورباچف تنها موافقت‌نامه‌های دوجانبه از جمله؛ حمایت از حقوق و آزادی‌های دیاسپورایی روسیه در فضای پس از شوروی را با طرف‌های اروپایی و آمریکایی به امضای رساند و سپس طولی نکشید وضعیت پس از جنگ‌های داخلی پی‌درپی در جمهوری مولداوی سیاست تابعیت شهروندان در کشورهای منطقه بالتیک را با تغییر و تحول جدی روبه‌رو ساخت. نتیجه تلاش یلتسین برای حمایت از مهاجران روسی، صرفاً برای حفاظت از حقوق شهروندی آنها بود. (Horska 2009) یکی از اولین اسناد مربوط به مسئله هویت هموطنان در فرمان یلتسین در سال ۱۹۹۴، مطرح

^۱ جوامع دور از وطن.

گردیده که از بعد علمی و تحقیقاتی حائز اهمیت است. (Diaspora Act 1994) بی تردید؛ مسکو از تمامی هم‌وطنانی که به سرزمین مادری خود بازمی‌گردند حمایت ویژه‌ای خواهد کرد. پس از بازگشت به آنان، شهروندی روسیه اعطا می‌شود که هویت ملی آنها از طریق ابزارهای (حقوقی، سیاسی، اطلاعاتی، دیپلماتیک، اقتصادی و فرهنگی) محافظت می‌شود. در سال ۱۹۹۵، یلتسین شورای هم‌وطنان را تأسیس کرد، با این حال ایده سیاست هم‌وطنان روسیه به‌عنوان اقدام سازنده برای روس‌های که در خارج از کشور حضور دارند، تنها در دوره ریاست جمهوری ولادیمیر پوتین شکل گرفت و دارای ارزش اجرایی است. طبق نظر کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و کشورهای منطقه بالتیک، پوتین موفق شد با ترکیب عناصر تبلیغاتی به سبک شوروی سابق، قدرت سخت و نرم را به هم ارتباط دهد. (Conley, Gerber 2011) و سپس دیاسپورا به ابزاری مناسب برای اجرای سیاست‌های ترکیبی در زمینه منافع سیاسی و تاریخی روسیه تبدیل شده‌اند و ترویج تصویر مثبت از دولت و بیان منافع آن در محیط بین‌المللی در اولویت‌های هیبریدی مسکو قرار دارد.

به گفته جوزف نای (۲۰۰۴)، قدرت نرم این است که مردم را به آنچه ما می‌خواهیم جذب و به شکلی غیرمستقیم وادار به انجام آن عمل کنیم. این توانایی؛ شکل دادن به ترجیحات دیگران، ترغیب و یا همکاری آنها است. چنین رویکردی ظرفیتی است که فرهنگ و ایدئولوژی دولت‌ها را برای دنبال کردن اهداف خاص، جذاب و در بسیاری موارد تحریک می‌کند. قدرت نرم اجازه می‌دهد تا قوانین بین‌المللی مطابق با منافع و ارزش‌های حاکمیتی شکل بگیرد و هنگامی که فعالیت‌ها از سوی جامعه بین‌المللی پشتیبانی می‌شود، قدرت نرم آن حاکمیت، در حال رشد و توسعه تلقی می‌شود. همچنین در کشورهای غیر دموکراتیک، سیاستمداران باید بر جذابیت و انگیزه‌های خاص تکیه کنند و آنها بیشتر به ماهیت‌های جذاب فرهنگ، ارزش‌های سیاسی، نهادها و سیاست داخلی و خارجی بستگی دارد که از نظر قانونی معتبر و بااهمیت ارزیابی می‌شوند.

بی تردید؛ بین قدرت سخت و نرم ارتباط تنگاتنگی وجود دارد زیرا؛ هر دو به جنبه‌های مختلف توانایی و موفقیت در اثرگذاری بر رفتار و آگاهی دیگران و یا حریف اشاره دارند. با این حال، آنها ماهیت مستقل نیز خواهند داشت که به طرز متناقضی، قدرت سخت می‌تواند با ایجاد فضای پُرابهام درباره شکست‌ناپذیری حاکمیت‌ها که دیگران را به خود جلب می‌کنند، کارایی قدرت نرم را تقویت و به عبارت بهتر پشتیبانی و هدایت کند.

پیشینه پژوهش

بررسی اسناد و مدارک نشان می‌دهد؛ بیشترین تجزیه و تحلیل‌های مربوط به قدرت نرم روسیه بر تأثیرات قومیتی جوامع در منطقه بالتیک و اروپای شرقی متمرکز شده و نتایج اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن کاملاً ملموس است. بحث روزافزون و حائز اهمیت در ادبیات تحقیق پیش رو؛ در واقع بررسی نفوذ نرم و سخت روسیه در مناطق تحت سلطه اتحاد جماهیر شوروی سابق است و علاوه بر جنبه‌های فوق، چند عامل دیگر نیز در اثرگذاری کرملین مورد توجه قرار گرفته که در پژوهش حاضر به طور مفصل به آن پرداخته شده است. به طور خاص، از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی؛ کرملین تلاش کرده با اعمال سیاست‌های هیبریدی قدرت نفوذش را در بین کشورهای منطقه بالتیک بدون پرداخت هزینه‌های فراوان افزایش دهد و همچنین به نوعی از درگیری‌های نظامی فاصله بگیرد. اکنون در این مقاله تلاش گردیده تا با ترسیم نگاه و فرایندهای آشکار و پنهان جنگ شناختی روسیه، نتیجه قابل تأملی در این باب حاصل شود. این مقاله؛ عمدتاً بر سیستم امنیتی اروپا و منطقه بالتیک در زمینه تغییر وضعیت فرهنگی و اجتماعی قومیت‌های روس پس از پایان جنگ سرد متمرکز گردیده و روابط مسکو و کشورهای کوچک منطقه بالتیک را در مسیر تحول ساختارهای امنیتی این منطقه از ۱۹۹۱ تا به امروز مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. علاوه بر این، تلاش گردیده تا جایگاه درک شده روسیه در سیستم امنیتی اروپا پس از انحلال نظم جهانی دوقطبی با رویکرد شناختی مورد مطالعه قرار گیرد و در نهایت؛ چشم‌انداز ایجاد یک جریان نرم با مشارکت و هم‌افزایی مسکو مورد بحث قرار گیرد.

طرح مسئله

در پژوهش پیش رو به دنبال بررسی مسائل چندگانه در خصوص نقش قومیت‌های روس، رسانه و فعالیت انجیوهای مردمی در جامعه امروزی منطقه بالتیک با نگاه نرم و شناختی روسیه هستیم. لیکن؛ حال سؤالی مطرح می‌شود؛ آیا قدرت هوشمندی که جوزف نای آن را تحت عنوان توانایی استفاده منطقی از ماهیت قدرت «سخت و نرم» تعریف کرده، برای موفقیت در سیاست بین‌المللی از جانب روسیه در منطقه اروپای شرقی ضروری و الزام‌آور است و اینکه در خصوص تلاش‌های مسکو، به نظر می‌رسد که نسبت به "کشورهای خارجی نزدیک" که تحت سلطه شناختی قرار می‌گیرند، قدرت نرم یک ابزار همراه با قدرت سخت و قابل توجه و اثرگذار محسوب می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

مبنای نظری و روش‌شناختی این پژوهش علمی از باب موضوعات مورد بررسی، بر گرفته از آثار دانشمندان علوم سیاسی، فیلسوفان، پژوهشگران در زمینه روابط بین‌الملل، جنگ اطلاعاتی، عملیات روانی و امنیت بین‌الملل است. منابع تحقیق شامل تعدادی گزارش از مراکز تحلیلی مربوط به (امنیت، جنگ اطلاعاتی و تأثیر شناختی) است. (Lewis, 2018) نویسندگان از روش‌های عمومی و رایج علمی همچون: استنتاج، مقایسه، تشبیه، توصیف و توضیح، ترکیب و تجزیه و تحلیل بهره گرفته و استفاده از آن‌ها امکان مطالعه جامع در زمینه علل تحول استراتژی‌های خاص در قرن ۲۱ و معرفی نقش انحصاری (مؤلفه‌های نرم و سخت) در تقابل ژئوپلیتیک قرن بیست و یکم را بازگو می‌سازد. این مقاله بر اساس روش فرضی - استنتاجی و با رویکردهای تاریخی، تکاملی و همچنین روش‌های مدل‌سازی مفهومی و پیش‌بینی برای ارزیابی چشم‌انداز توسعه جنگ نرم روسیه در منطقه بالتیک تهیه و سپس به نگارش درآمده است.

یافته‌های پژوهش

منابع قدرت نرم در راستای موفقیت بازیگر بزرگ

به گفته دستیار پیشین رئیس‌جمهور آمریکا جوزف نای، فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی، منابع اصلی در قدرت نرم محسوب می‌شوند. برای روسیه، زبان روسی شاخص اصلی در چندین کشور حاضر در منطقه بالتیک به شمار می‌رود، جایی که این زبان برای ۸ درصد از ساکنان لیتوانی حدود ۳۳ درصد، ۸ درصد در لتونی که حدود ۲۹ درصد ارزیابی می‌شود و البته برای ۶ درصد در استونی زبان مادری است (The World Factbook 2015). در همین رابطه؛ گفته می‌شود که روسیه یادآور تاریخ غم‌انگیز و پُر التهاب در کشورهای بالتیک نیز است. زبان روسی همچنان محبوب‌ترین زبان دوم در لیتوانی بوده و بسیاری از خانواده‌ها به آن علاقه‌مند هستند. وضعیت کاملاً مشابهی در لتونی و استونی نیز حاکم بوده و اکثر نسل‌های قدیمی به دلیل الزام فرهنگی در زمان اشغال شوروی بر آن مسلط هستند. امروزه، این جریان فرهنگی در حال کاهش است؛ بسیاری از اقوام لیتوانیایی، زبان روسی را "یادگار استعمار" می‌دانند و تنها حدود ۴۰ درصد از کودکان به رقم علاقه‌مندی خانواده‌هایشان آن را یاد می‌گیرند. اکنون زبان‌های انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و اسپانیایی محبوب‌ترین زبان‌های خارجی برای آموزش در کشورهای منطقه بالتیک هستند. جدول شماره یک این مقاله موضوع فوق را بیشتر توضیح می‌دهد:

جدول شماره ۱: محبوب‌ترین زبان‌های خارجی در کشورهای بالتیک

زبان و کشور	لیتوانی %	لتونی %	استونی %
روسیه	۷۹	۶۷	۶۲
انگلیسی	۲۶	۳۴	۴۱
فرانسه و آلمانی	---	----	۱۸
لهستانی	۱۷	----	---

منبع: کمیسیون ارزیابی اتحادیه اروپا در فاصله سال‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۲۱

در فوریه ۲۰۱۲، همه‌پرسی مربوط به زبان روسی به‌عنوان دومین زبان رسمی در لتونی برگزار شد. از آن زمان به بعد طبق قانون اساسی لتونی، این کشور یک حاکمیت تک زبان است. در همه‌پرسی صورت گرفته؛ ۷۰ درصد از شهروندان شرکت کردند و تقریباً ۷۵ درصد مخالف زبان روسی در کشورشان بودند. نمایندگان اقلیت روس در کشور لتونی که در همه‌پرسی شرکت داشتند، تأیید کردند که این نتیجه وضعیت واقعی را منعکس نمی‌کند زیرا بیش از ۳۰۰۰۰۰ نفر از ساکنان روسیه (بدون تابعیت در لتونی) همچنان حق رأی ندارند و هیئت فدراسیون روسیه در همه‌پرسی انجام‌گرفته از وضعیت ناظر برخوردار نبودند که همین امر موجب شد که دولت روسیه آن را؛ نادیده گرفتن و حتی زیر پا گذاشتن حقوق بشر و حقوق بین‌الملل از سوی لتونی یاد کند (Economist 2012). روس‌ها، دولت‌های بالتیک را به سیاست "ضد اقلیت" در نظام آموزش و پرورش متهم می‌کنند که در آن زبان‌های بسیاری از اقلیت‌ها طی زمان کاهش یافته و به آن توجهی نشده است. درحالی که طی دوران اتحاد جماهیر شوروی در تمامی سطوح آموزشی سیستم دوزبانه وجود داشت، اکنون به‌طور تقریبی در تمامی مدارس دولتی (به‌طور مشابهی در مدارس خصوصی شهرداری استونی) دروس به زبان مشترک بالتیک تدریس می‌شود (Заренков 2013, Baltic Times 2015). هتل‌ها و رستوران‌های خصوصی هنوز دارای منوهای روسی هستند و از این زبان مشترک برای پذیرایی از گردشگران متعدد روس استفاده می‌کنند. بااین حال، آمارها نشان می‌دهد که تعداد گردشگران روسی که از لتونی دیدن می‌کنند سال‌به‌سال کاهش می‌یابد. (BNN-news 2015)

فرهنگ همچنین شامل ادبیات، آموزش، تبادلات دانشگاهی، هنر، فرهنگ‌عامه و سرگرمی‌های جمعی است. در کشورهای منطقه بالتیک، فرهنگ قوی و سنتی روسیه (ادبیات، هنر) و فرهنگ عامیانه به‌خوبی شناخته‌شده و به‌طور گسترده‌ای توسط مسکو یا شرکت‌های تجاری این کشور ترویج می‌شود. روزهای فرهنگی روسیه، جشنواره‌ها، کنسرت‌ها و رویدادهای ورزشی (جشنواره زبان و

فرهنگ روسی در ویلنیوس؛ روزهای فرهنگی روسیه در جشنواره لتونی و بهترین نمایش‌های روسی در جشنواره تئاتر ماسک طلایی در لتونی) همچنان به رقم مخالفت‌ها ادامه دارد. مردم از موسیقی، ادبیات و رسانه‌های روسی لذت می‌برند و مدعی هستند که هرگز؛ "فرهنگ و سیاست نباید باهم آمیخته شود." (BNN-news 2015a)

دموکراسی، حقوق بشر و صلح جذاب‌ترین ارزش‌های سیاسی برای تمامی جوامع بین‌المللی است. با این حال، برای قدرت نرم و البته شناختی روسیه مفاهیم جهانی شامل: لیبرالیسم، جایگزین ایده‌های غربی، ایده جهان چندقطبی (به‌ویژه در مخالفت با تسلط ایالات متحده)، سنت و محافظه‌کاری در اصول قومیتی شناسی است. در سال‌های اخیر، مسکو اتهاماتی را علیه فاشیسم و نازیسم که جلا دهنده روح و فرهنگ استونی می‌باشد را مطرح ساخته و از آن در قالب آثار علمی و هنری دفاع کرده است. مبارزه با جعل و فریب‌های گذشته به‌عنوان اصل اساسی در ایدئولوژی منطقه بالتیک، صرفاً خطاب به دیاسپورهای روسی‌زبان شکل گرفته و آنان را مورد حمله سخت فرهنگی قرار داده است. اوج این نگاه در اواخر آوریل و مه سال ۲۰۰۷، در شهر تالین رخ داد، هنگامی که حذف سرباز برنژ، یادبود جنگ جهانی دوم و حضور ارتش شوروی موجب بروز شورش‌های استونیایی-روسی شد که البته در آن یک شهروند روس تبار دچار جراحات شدید و در نهایت فوت کرد (Liik 2007). برای استونی‌ها، سرباز برنژ نشانه اشغال شوروی هست و استقلال آنها تنها با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی انجام گرفته؛ اما برای روس‌ها این بنا، یادبود قربانیان ارتش سرخ در مبارزه با ایدئولوژی فاشیستی است. در سال ۲۰۱۱، زمانی که بنای یادبود سرباز ارتش شوروی در قبرستانی در تالین انتقال پیدا کرد، این درگیری دوباره روح تازه‌ای به خود گرفت و بار دیگر دولت روسیه و اقلیت روس در استونی آشفته و آزرده‌خاطر شدند؛ اما این تنها بهانه‌ای برای کرملین بود تا دیدگاه خود را در مورد تاریخ که پیروزی بر آلمان نازی هست بار دیگر بروز و در سطح منطقه انتشار دهد. در حقیقت، روسیه قصد دارد از نمایش و دیدگاه منفی اتحاد جماهیر شوروی که نگاه تند و رادیکال کمونیستی بود جلوگیری کرده و با آن مقابله ترکیبی کند. این رویکرد، یک روش خاص در زمینه فشار بین‌المللی بر کشورهای بالتیک نیز یاد می‌شود.

به‌غیر از ارزش‌های موجود، سیاست خارجی سومین منبع مهم (قدرت نرم) به شمار می‌آید. این اقدامات شامل مشارکت‌های بین‌المللی یا منطقه‌ای، میانجی‌گری، کمک‌های بشردوستانه، ارتقای ارزش‌ها و تلاش‌های مثبت و همکاری با نهادهای بین‌المللی در راستای جلوگیری از هر نوع درگیری است. روسیه با آغاز و توسعه همکاری‌ها، سازمان‌های منطقه‌ای را رهبری و کنترل می‌کند و این کشور

¹ Festival in Vilnius

از اقلیت روسی زبان پشتیبانی و از همین طریق نوستالژی‌های گذشته اتحاد جماهیر شوروی را تحریک و تداوم می‌بخشد.

ابزار قدرت نرم در سیاست‌های روسیه

بی‌تردید، سطح قدرت نرم به جامعه بستگی دارد. به همین دلیل اهداف اجتماعی در این زمینه کاملاً مطلوب و خاص آن جامعه یا محیط است و همواره سیاستمداران با اعمال دیپلماسی عمومی که نوعی ارتباط دولت با مردم یاد می‌شود صرفاً به آن عمل می‌کنند (Simons 2015). در خصوص جنگ شناختی روسیه، این یک مدل خاص سلسله مراتبی برای تبادل و ترکیب اطلاعات و تسلط بر افکار جامعه در سطح داخلی و بین‌المللی محسوب می‌شود (Panova 2015). با استفاده از آژانس‌های (سیاسی، فرهنگی و اقتصادی)، به‌ویژه تلویزیون، اینترنت، رادیو، سیاست‌های زبانی، ویزا، سیاست شهروندی، نهادهای خصوصی (شرکت‌ها، بنیادها، سازمان‌ها، کلیسای ارتدکس) و فرهنگ توده‌ای؛ مسکو به کشورهای منطقه بالتیک "درباره جذابیت خود" پیام‌های دلخواهی را می‌دهد و به این ترتیب؛ تلاش دارد تا قدرت نرم و در برخی موارد شناختی خود را افزایش داده است.

رسانه‌ها ابزاری برای نفوذ و جهت‌دهی اطلاعات

رسانه مؤثرترین بستر برای ارائه ارزش‌ها و علایق جامعه به شمار می‌روند و ابزاری می‌باشد که همواره روسیه در گذشته نیز در سیاست خارجی خود گنجانده است. در بسیاری موارد رسانه‌های روسی‌زبان بر دیاسپورای روسی متمرکز هستند که به آنها ثابت کنند، بخش مستقل و منزوی از جامعه بالتیک محسوب می‌شوند. مسکو از رسانه‌ها به‌خصوص رسانه‌های اجتماعی نه‌تنها برای اطلاع‌رسانی، بلکه اغلب در قالب محتوای منفی و خاکستری، در راستای انجام (کارزارهای اطلاعاتی و تبلیغاتی) علیه حاکمیت‌های مستقل بالتیک بهره می‌گیرد. این اقدام؛ برای توسعه عادی فرایندهای دموکراتیک بسیار مضر و خطرناک است؛ زیرا شکاف قومیتی ساکنان آنها را تقویت خواهد کرد. در چند سال گذشته، روش‌های "نفوذ" روسیه در چنین جریان‌های گسترش‌یافته و با استفاده از ابزارهای جدید سعی در جذب جمعیت غیر روسی‌زبان دارد. رسانه‌های روسی همچون اسپوتنیک پیشنهادی را برای جوانان ارائه کرده و قصد دارد یک پورتال اینترنتی و رادیویی نیز باز کند که از دو زبان روسی و لتونیایی پشتیبانی ویژه کند. این برنامه‌ها قبلاً آخر هفته در محیط اندروید وارد رسانه‌های لتونی شده است. اسپوتنیک بخشی از آژانس اطلاع‌رسانی دولتی روسیه به نام "روسیا سگودنیا" است که توسط روزنامه‌نگار دیمیتری کیسلوف رهبری می‌شود و همچنین به دلیل فعالیت‌های تبلیغاتی و اطلاعاتی خود در فهرست تحریم‌های اروپا نیز

قرار گرفته است. این سرویس خبری -اطلاعاتی به چهارده زبان عمده در ۱۰ کشور جهان از جمله؛ مناطق موردعلاقه روسیه، به ظاهر خدمات رسانه‌ای و تبلیغاتی ارائه می‌دهد. اسپوتنیک در نتیجه استفاده از دیدگاه‌های جابگزین و حتی فریبنده؛ انتظار موفقیت در چنین محیطی را دارد. با توجه به مروری بر رسانه‌های بالتیک (جدول شماره ۲)، درصد شبکه‌های تلویزیونی روسیه در کشورهای منطقه بالتیک چندین سال است که تغییر چندانی نکرده. کانال روسی پروویو بالتیسکی^۱ که بینندگان بیشتری را در دو کشور لتونی و استونی در اختیار دارد و البته توانسته به خود جلب کند، یکی از پربیننده‌ترین کانال‌ها در کشورهای بالتیک به شمار می‌رود که در جریان سازی‌های متعددی نیز نقش داشته است (Baltic Media Overview 2011, 2012). در کشور لتونی دو نشریه در پنج مورد خاص به زبان روسی منتشر می‌شود که شامل بر: تیوی پروگرم و مک لتونی است (Daveluy 2011). اما کارشناسان همچنان تصور می‌کنند که رسانه‌های روسی شانس کمی برای توسعه در کشورهای کوچک بالتیک دارند زیرا آنها از سوی مخاطبان و البته این جامعه صرفاً به ابزار تبلیغاتی ضدآمریکایی کرملین شناخته می‌شوند؛ و در ادامه معتقدند که روزنامه‌نگارانی که به زبان بالتیک و مادری خود صحبت می‌کند؛ چندان مایل نیستند حتی با پرداخت مبالغ و دستمزدهای بالا برای رسانه‌های روسی کار کنند (BNN-news 2015b).

¹ Pervyj Baltijskij

جدول ۲: دسترسی روزانه به کانال‌های تلویزیونی با درصد



منبع: مروری بر رسانه‌های بالتیک ۲۰۱۱

منابع مالی در راستای اعمال نفوذ در منطقه بالتیک

این یک راز آشکار است که روسیه از لحاظ مالی از انجیوهای محلی حمایت می‌کند که آنها از سیاست‌های پیچیده و پُر ابهامش در کشورهای منطقه بالتیک دفاع کنند. به گفته خبرنگار و پژوهشگر سانیتا جمبرگا؛ در سال (۲۰۱۵) بیش از ۴۰ سازمان در منطقه وجود داشته که در سه سال گذشته؛ حداقل ۱,۵ میلیون یورو دریافت کرده‌اند (معاملات نقدی و تأمین مالی از طریق شرکت‌ها و افرادی که با کرملین دوست هستند انجام می‌پذیرد). برآورد دقیق میزان درآمد آنها از طریق منابع دولتی روسیه غیرممکن است، زیرا بخشی از اعضاء در گزارش‌های سالانه خود آن را هرگز اعلام نمی‌کنند. به عنوان مثال، در قانون لیتوانی سازمان‌های غیردولتی موظف نیستند حامیان خود را فاش کنند. از نویسندگان مقالات، فیلم‌سازان و محققان گرفته که نسخه روسی تاریخ را دنبال می‌کنند تا مشارکت‌کنندگان در شورش تالین در ۲۰۰۷، از این حمایت‌ها برخوردار بوده‌اند و از طریق سازمان غیردولتی روس در کشورهای منطقه بالتیک پشتیبانی مالی شده است. بنیاد هم‌وطن همچنین به (افراد، سازمان‌ها و کارشناسان یا معترضان علیه حمایت لیتوانی از اوکراین) و مؤسسات اطلاعاتی (رسانه‌های روسی زبان)، ایدئولوژیک (جهان بدون

نازیسم به دلیل انتقاد از ایدئولوژی نازیسم در کشورهای بالتیک)، علمی (کنفرانس‌ها و بحث میزگرد) یا فعالیت حقوقی (ترجمه قوانین بالتیک به روسی) تقسیم‌بندی می‌شوند.

تحقیقات رسانه‌ای نشان می‌دهد که احزاب روسی در کشورهای بالتیک از بودجه هم‌وطنان خود به شدت حمایت می‌کنند. به گزارش شبکه خبری بالتیک، اتحادیه روس‌های لتونی به ریاست نماینده پارلمان اروپا تاتیانا زدانوکا، نزدیک به ۹۵ هزار یورو از کمیته حقوق بشر لتونی و بنیاد حمایت از هم‌وطنان و حمایت قانونی توسط وزارت خارجه روسیه که به تازگی تأسیس شده دریافت کرده است. بالاین‌حال، او برخی از مبالغ مالی را نپذیرفت و صرفاً به حمایت صندوق روسیه اشاره صریح دارد. وی اعتراف کرد که کمیته حقوق بشر لتونی از صندوق حمایت روسیه پول دریافت کرده زیرا؛ هیچ راهی برای دریافت پول از دولت لتونی وجود ندارد. (BNN-news 2015c) علاوه بر این، شهردار تالین، ادگار ساویسار رئیس حزب مرکز، دومین حزب بزرگ در استونی مورد حمایت اقلیت روس زبان به دلیل روابط نزدیک با پوتین به عنوان عامل نفوذی روسیه شناخته شده. (Braw 2014, Milne 2015, Bershidsky 2015) بسیاری از سازمان‌های سیاسی دیگر نیز دارای اقلیت روس می‌باشند که برای دستیابی به دستاوردهای انتخاباتی و گرفتن امتیازات بیشتر با حمایت سیاسی یا مالی کرملین در حال تعامل با جامعه بالتیک و اروپا هستند.

سازمان‌ها و نهادهای همسو با افکار کرملین

دولت روسیه چندین نهاد و آژانس را برای نظارت بر هم‌وطنان خارج کشور از جمله؛ وزارت خارجه، وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ به کار گرفته است. آنها در واقع مانند شورای هماهنگی بین‌المللی هم‌وطنان روس، کنگره بین‌المللی هم‌وطنان، بنیاد حمایت از هم‌وطنان و حمایت قانونی و سفارتخانه‌ها "بنیادهای قدرت نرم" محسوب می‌شوند (Re.Baltica 2015). دیپلماسی عمومی شامل سیستمی فعال از مرکز روسفون^۱ است که بیش از صد مرکز آن در کشورهای منطقه بالتیک در حال فعالیت می‌باشد. در سال ۲۰۰۷، وزارت خارجه به دستور مستقیم رئیس‌جمهور پوتین یک مؤسسه چندمنظوره با اهداف خاص و مورد نظر کرملین، تحت عنوان "دنیای روسیه" را تأسیس کرد که از طریق صندوق‌های دولتی و خصوصی پشتیبانی مالی می‌شود. (Presidential Decree 2007) آنها در شهرهای شاولیای و ویلنیوس کشور (لیتوانی)، دوگاپیلس و ریگا (لتونی) و تالین (استونی) فعالیت دارند. از انجمن‌های طرفدار روسیه و نماینده دیاسپورای روسی‌زبان حمایت می‌شود که البته تنها به نفع حفظ و ترویج

¹ Russophone

فرهنگ، زبان، ارزش‌ها و هویت قومی روسیه اقدامات موردنظر را به اجرا درمی‌آید؛ اما از سوی دیگر؛ قوانین سازمان‌های غیردولتی در کشورهای بالتیک موضوعی حساس و مشکل‌ساز نیز است. در همین حال به نظر می‌رسد روسیه از نبود مقررات مناسب برای پنهان‌کاری و پول‌شویی استفاده کرده و اطلاعاتی در خصوص منشأ منابع مالی ارائه نمی‌دهد؛ از جمله می‌توان به سازمان جوانان روسی‌زبان استونیایی و یا مولودوی اسلوو^۱ که به‌عنوان GONGO نیز شناخته می‌شود و دیگر انجیوه‌های سازمان‌یافته اشاره کرد. (BNN-news 2014) دولت‌های کوچک منطقه بالتیک باید برای حفاظت منافع خود در زمینه حقوق مدنی و شهروندی مشارکت فعال داشته باشند. استفاده از سازمان‌های تحقیقاتی، دیپلماسی یا دموکراسی در چارچوب بستری برای بیان و اعمال منافع خارجی روسیه، پدیده جدید دیگری است که در منطقه بالتیک شکل گرفته و همچنان تا به امروز ادامه دارد. در سال ۲۰۰۴، باشگاه بحث و گفتگوی والادیا باهدف به‌کارگیری اهداف همسو با مسکو تأسیس شد و در سال ۲۰۰۸ بنیاد دیپلماسی عمومی گورچانکف شکل گرفت. (Tafuro 2014) هدف آنها تأثیرگذاری بر بحث‌های عمومی و جامعه از طریق ترویج دموکراسی و حمایت از حقوق بشر اما از نگاه و تفکر روسیه-پوتین است. به گفته نورموندس لایزانس، سرویس امنیتی لتونی معتقد است کرملین از آنها در قالب عوامل تأثیرگذار و کاملاً خاص اطلاعاتی، سوءاستفاده می‌کند (Re. Baltica 2015).

به‌کارگیری شاخص دیپلماتیک، ابزاری هوشمند و مؤثر

روسیه بارها کشورهای بالتیک را به نقض حقوق بشر متهم ساخته است. در سال ۱۹۹۹، به دلیل رد صلاحیت زندانوک از نامزدی در پارلمان لتونی و در انتخابات شهرداری‌ها، دومای دولتی روسیه، دادستان لتونی را به نقض حقوق بشر محکوم کرد (GosDuma Act 1999). مسکو از جامعه بین‌المللی درخواست کرد که از دولت لتونی به دلیل سوءاستفاده‌های قانونی و همچنین در مورد روزنامه‌نگار روسی ساکن ایتالیا جولیتو چیساک^۲ که از نماینده پارلمان اروپا در کشور ایتالیا انتقاد کرده بود، دستور خروج او از کشور را صادر کند (Nielsen 2015).

با این حال نه کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و نه شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد شواهدی مبنی بر سوءاستفاده از حقوق بشر یا تبعیض قومی پیدا نکرده‌اند (Conley, Gerber 2011). هرچند بسیار جالب است که سازمان عفو بین‌الملل برای روسیه موفقیت‌آمیز بوده و از سیاست

^۱ Molodoy slovo

^۲ چند سالی که خبرنگار مسکو در روزنامه‌های ایتالیایی کار می‌کرد شهرتش توجه‌کننده فعالیت روسیه در گرجستان بود و خواستار به رسمیت شناختن استقلال اوستیای جنوبی و آبخازیا و حمایت از فعالیت روسیه در شرق اوکراین شد.

تبعیض‌آمیز شهروندی در کشورهای بالتیک انتقاد فراوان داشته. استفاده از "هوش مصنوعی" به رفع محدودیت سیاست‌های زبان و آموزش برای افراد خارج از روسیه توجه جدی دارد و مشکل دیگر، وضعیت نامطلوب اقتصادی دیاسپورای روس می‌باشد که ناشی از عوامل سیاسی (حقوق سیاسی محدود) و عوامل اجتماعی (فقدان توانایی زبان خارجی) است که البته از سوی کارشناسان ارزیابی دقیقی صورت نپذیرفته است.

در سال ۲۰۰۹، گزارش نهایی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل استفاده از نیروهای نظامی علیه تظاهرات در آوریل ۲۰۰۷، را به شدت محکوم کرد (Amnesty International 2006, 2007). گرچه عدم تابعیت اقلیت‌های روس از طریق سیاست‌های جدی دولت استونی در زمینه اعطای حقوق شهروندی کاهش می‌یابد، اما در فوریه ۲۰۱۱، روسیه در جلسه شورای حقوق بشر سازمان ملل از سیاست تبعیض‌آمیز استونی انتقاد و آن را تهدید کرده است. سرگئی لاوروف، وزیر خارجه عدم شهروندی اقلیت روسی‌زبان در استونی را "پدیده شرم‌آوری" توصیف کرد که از سوی دولت استونی و سازمان‌های بین‌المللی "توجه بیشتری" را می‌طلبد. (News (2011) در سال ۲۰۱۵، تصمیم لیتوانی برای ممنوعیت پخش رسانه‌های دولتی روسیه که متهم به ایجاد نفرت بین جامعه روسیه و اوکراین بودند بار دیگر شرایط را به شکل خاص تغییر داد (Lapéniené 2015, Reuters 2014). به همین ترتیب، شرکت ان. تی. وی مایر متعلق به گازپروم در سال ۲۰۱۴، به دلیل دروغ‌گویی در مورد نقش ارتش شوروی در وقایع سال ۱۹۹۱، به مدت سه ماه در لیتوانی ممنوع فعالیت شد. آنها روسیه را تحت فشار گذاشتند تا موضوع رسانه‌ها را در دستور کار اتحادیه و سازمان امنیت و همکاری اروپا قرار دهند. دنیا میاتوویچ^۱ نماینده آزادی رسانه‌ها در سازمان امنیت و همکاری اروپا به مقامات دولتی که برای جلوگیری از تبلیغات خارجی اقدامات را از طریق ممنوعیت یا مسدود کردن سیگنال‌های رادیویی و تلویزیونی یا اعمال محدودیت‌های دیگر از جمله؛ ممنوعیت ورود روزنامه‌نگاران روسی یا اخراج آنها از مطبوعات دولتی انجام دادند پاسخ جدی داد (Richter 2015). وی به همه کشورهای شرکت‌کننده در سازمان امنیت و همکاری اروپا به‌صراحت گفت؛ سانسور تبلیغات راهی برای مقابله با آنچه دشمنان انجام می‌دهند نیست. تنها یک محیط رسانه‌ای باز، متنوع و پویا که به‌خوبی فعالیت می‌کند می‌تواند تأثیر تبلیغات دشمن را به‌طور مؤثر خنثی سازد.

اعمال ایدئولوژی در راستای سیاست‌های گذشته

¹ Dunja Mijatovic

ضد نازیسم ایده و تفکری است که روسیه همچنان به طور خاص بر آن تمرکز دارد. از سال ۲۰۰۵، این کشور قطعنامه ضد نازیسم را علیه تظاهرات طرفداران نازی و تجلیل کنندگان از نازیسم به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه کرده، اما این طرح چندان از سوی دیگر کشورهای عضو مورد حمایت قرار نگرفت. لاوروف اشاره کرده که لتونی و استونی غالباً محل برگزاری رژه نظامی به افتخار مجروحان و کشته‌شدگان وافن. اس.اس می‌باشد که لژیون لتونی و بخش‌هایی از اس.اس -۲۰ استونی نیز در آن حضور دارند (RT 2012). ایده جهان بدون نازیسم در سال ۲۰۱۰، مطرح شد، جهان بدون نازیسم^۱ راه دیگری برای ارائه ارزش‌ها و علایق روسیه در مجمع بین‌المللی است که از این طریق به اهداف پنهان خود دسترسی پیدا کند. با شروع تعدادی از کنفرانس‌های بین‌المللی (۲۰۰۹ در برلین و ۲۰۱۰ در ریگا) که اعضای سازمان‌های کهنه‌کار و همچنین انجمن‌های جوانان، نهادهای منطقه‌ای، از جمله ده‌ها نفر از کشورهای بالتیک که بیش از ۳۶۰ عضو از ۱۳۶ سازمان و ۲۸ کشور از سراسر جهان دارند در این رویداد شرکت کردند. شعار "جهان بدون نازیسم" به "ارزیابی نادرست" ایدئولوژی قهرمانانه جنگ جهانی دوم از نازیسم و محدودیت‌های حقوق و آزادی‌های فرهنگی و مذهبی اقلیت‌های ملی اشاره فراوان دارد. ایده جلوگیری از نابودی ایدئولوژی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و حفاظت از سیاست مضر لیبرال کشورهای غربی توسط اقلیت‌های روس، گروه‌های چپ افراطی، کمونیستی، جوانان و سازمان‌های کهنه‌کار، مورد حمایت و پشتیبانی قرار گرفت. (Braw 2014) به گفته جیمز کرچیک در سال (۲۰۱۵)، نهادهای مستقل روسیه به دنبال سیاست خود برای تأثیرگذاری بر دیگر کشورهای جهان هستند. ایده "جهان بدون نازیسم"، شبیه "جنگ علیه تروریسم" در زمره نمونه اقدامات روسیه در چین، راهی موثر برای متقاعد ساختن افکار عمومی بین‌المللی برای انجام اقدامات اساسی در راستای حفاظت از امنیت، ثبات و صلح در اروپا است. از نگاه ایدئولوژیکی، دولت روسیه توسط کلیسای ارتدکس که عنصر سنتی و تمدن روسیه در فضای پس از شوروی محسوب می‌شوند به بازسازی و تولد دوباره پایگاه دولتی مدرن که نماد شکوه و پیروزی ملی به شمار می‌رود، مورد حمایت قرار گرفته است. این رویکرد، جزء هویت دینی، سیاسی و ملی جمعیت روس زبان‌ها در کشورهای بالتیک نیز هست. گفته شده که کمک‌های کلیسای ارتدکس روسیه به تحکیم جامعه هم‌وطنان بسیار مؤثر بوده و در کشورهای بالتیک تأثیر آن در سال‌های اخیر در مناطق بسیار حساس، به‌ویژه در میان کودکان و جوانان افزایش چشمگیری یافته است.

سیاست‌های حقوقی در راستای جذب شهروندان خارج کشور

^۱ Международное правозащитное движение Мир без нацизма

روسیه، از ویزا و سیاست شهروندی به عنوان ابزاری در راستای اعمال قدرت نرم استفاده می‌کند. امروزه، مفهوم این سیاست اما تغییر جدی کرده است. در ابتدای دوره اول ریاست جمهوری پوتین، گروه هم‌وطنان به‌طور ویژه‌ای شناخته شد، در حالی که «آگاهی» از «روسی بودن» مهم‌ترین و البته بارزترین شاخصه جامعه روسیه به شمار می‌رود. به‌طور غیرمنتظره‌ای، برنامه تشویق مهاجران روس برای بازگشت به کشور چندان موفقیت‌آمیز نبود و معلوم شد که اقلیت روسی‌زبان در کشورهای منطقه بالتیک صرفاً می‌خواهند هویت روسی را پرورش داده و روابط خود را با مسکو توسعه دهند، اما در مقابل هرگز تصمیم نگرفتند که محل اقامت خود را جابه‌جا کنند (Munoglu 2011).

در سال ۲۰۱۰، رئیس‌جمهور دیمتری مدودف، برنامه بازگرداندن مجدد اقوام روس را امضاء کرد، اما مستقیماً از متخصصان ماهر و تحصیل کرده برای اتخاذ ایده‌ها یا روش‌های جدید و مدرن سازی اقتصاد روسیه دعوت و از نگاه آنان استفاده نمود. به‌طور کلی؛ «قدرت نرم» روسیه در زمینه ویزا و سیاست شهروندی می‌تواند محدود یا بی‌اثر شناخته شود. ساکنان «خارج از کشور»، از جمله قومیت‌های حاضر در کشورهای بالتیک، عمدتاً از امکانات برای سفر به روسیه، دیدار خانواده یا امور تجاری بهره می‌گیرند و به لطف تابعیت فدراسیون روسیه، آنها همچنین از کمک‌های اجتماعی یا فرصتی برای تحصیل در این کشور برخوردار هستند. در چند سال گذشته تعداد بیشتری از ساکنان از جمله؛ شهروندان لتونی، به دلیل مزایای اقتصادی عالی به دریافت اسناد و هویت روسی شده‌اند (Ruposters 2014). با توجه به توانایی سفر آزادانه در مرزهای روسیه و مستمری بیشتر شهروندان نسبت به کشورهای منطقه بالتیک، این وضعیت می‌تواند برای دولت‌های این منطقه چالشی و تا حدودی پُر هزینه باشد. هرچه تعداد شهروندان روسی در کشورهای بالتیک بیشتر باشد، سیاست روسیه در منطقه بیشتر از گذشته تأثیرگذار است؛ اما با توجه به بحران اقتصادی، مسکو مجبور شده سیاست شهروندی خود را نیز تغییر دهد. در آغاز سال ۲۰۱۵، دومای دولتی روسیه پیش‌نویس را تهیه کرد که نیمی از حقوق بازنشستگی را برای شهروندان روسی که در خارج از کشور و بیش از ۱۸۳ روز در ۱۲ ماه گذشته بوده‌اند پیش‌بینی می‌کند.^۱ در حال حاضر کرملین در نظر دارد بازنشستگان را برای اقامت در کشور جذب و تشویق کند و نکته جالب این است که در میان آنها بیش از ۲۰ هزار نفر در لتونی زندگی کرده و تابعیت آنجا را دارند.

انگیزه‌های اقتصادی

^۱ لازم به ذکر است؛ این امر مربوط به بازنشستگی است که تابعیت خود را تغییر داده‌اند یا تابعیت دوم گرفته‌اند، روسیه قصد دارد با توجه به مشکلات اقتصادی و تحریم‌ها پرداخت حقوق بازنشستگی به شهروندان خارج از کشور را متوقف کند.

به‌غیر از ابزار اقتصادی که در پوشش قدرت سخت (فشار و تحریم) قرار دارند، سرگرمی‌ها و گروه‌های علاقه‌مند روسی‌زبان در کشورهای بالتیک یکی دیگر از عوامل قدرت نرم روسیه محسوب می‌شوند. در دهه ۹۰ میلادی روند انتقال نخبگان روس از "دنیای تجارت" به طبقه سیاسی آغاز شد و مشاغل روسی در همکاری با (شبکه‌های تجاری) و ترویج فرهنگ تجاری روسیه (مبتنی بر احساسات، مهلک بودن، بدبینانه، درون‌گرایی، ذهنیت برتر و عوامل مستقیم) مشارکت کردند و اثربخشی سیاسی دولت و قدرت نرم را افزایش دادند (especially in the energy sector; Kuznetsov, Kuznetsova 2005). روسیه با استفاده از شرکت‌های بزرگ دولتی و خصوصی از جمله؛ گازپروم، روس نفت و لوک اویل با کنترل خطوط لوله، ساخت کارخانه‌های فرآوری جدید و نظارت بر فعالیت پمپ‌بنزین‌ها دید اقتصادی خود را توسعه و افزایش داده است.

کُنش و ماهیت قدرت نرم روسیه در منطقه بالتیک

مقایسه قدرت نرم روسیه، ایالات متحده و یا سایر کشورها بسیار دشوار و حتی غیر قابل باور است، زیرا همواره تفاوت‌های متمایزی از جمله؛ (سازمان، عامل و ابزار عینی) بین آنها وجود دارد. بی تردید؛ برآورد کیفیت و اهمیت قدرت نرم روسیه با استفاده از روش‌های غربی، اقدامی بسیار سخت در این خصوص تلقی می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد؛ منابع قدرت نرم مسکو از طریق اقلیت‌های روسی‌زبان در راستای جلوگیری از کاهش فرهنگ غربی و جامعه مدنی در تمامی کشورهای مورد هدف و همچنین جهت ترویج و گسترش آن هدایت و کنترل می‌شود. قدرت نرم نه تنها به دولت‌های همسو بستگی دارد، بلکه به نهادهای مستقل نیز ارتباط چندجانبه‌ای پیدا می‌کند. در این صورت استفاده از قدرت نرم دشوارتر از قدرت سخت است، زیرا بسیاری از منابع آن خارج از کنترل دولت بوده و تأثیرگذاری تا حد فراوان به پذیرش عمومی جامعه بستگی دارد. شرکت‌ها، دانشگاه‌ها، کلیساها و بنیادهای خصوصی قادرند قدرت نرم خود را شکل دهند که البته باسیاست خارجی، سازگار یا نا همسو است. در خصوص روسیه، دولت بازیگر اصلی و سازنده در روایت قدرت نرم به شمار می‌رود که حاکمیت از طریق نهادها، بنیادها، سازمان‌های غیردولتی، انجمن‌های مذهبی و فرهنگی، احزاب سیاسی، تجارت و لابی‌های نفوذی به اجرا درمی‌آید. (توجه به جدول شماره ۳)

جدول شماره ۳: منابع قدرت نرم روسیه

منابع قدرت نرم	نقش و عملکرد روسیه
فرهنگ	زبان روسی، ادبیات، آموزش و پرورش، تبادلات دانشگاهی، هنر، فرهنگ عامه و سرگرمی‌های جمعی.
ارزش‌ها	ضد لیبرال و "دموکراسی حاکم"، جایگزین ایده‌های غرب همچون لیبرال، دموکراسی و آزادی است.
سیاست‌های خارجی	دولت مستقل مقتدر، به جای ارتباطات، سیاست خارجی مستقل در قبال ارتباطات، عدم احترام به استقلال سایر کشورها و عدم همکاری و مشارکت.

منبع: نویسنده مقاله با استفاده از منابع ارائه شده از اندیشکده رند

جدول شماره ۴: ابزارهای قدرت نرم روسیه

ابزارهای قدرت نرم	نقش و عملکرد روسیه
فراوندهای اطلاعاتی و رسانه	اطلاعات نادرست، محدودیت آزادی رسانه‌ها، رسانه‌های دولتی بدون منابع و اطلاعات جایگزین
مالی	توسط دولت یا نهادهای خصوصی و غیردولتی
سازمان‌ها	سازمان‌های دولتی
دیپلماتیک	انتقاد، اتهام، تبلیغات و روش‌های غیرقانونی و همکاری‌های پنهان
ایدئولوژی	جمل، فریب، دوگانگی به‌جای قانونی بودن، حقیقت و عینیت
سیاست حقوقی	ویزا و سیاست‌های شهروندی برای روسای جمهور شوروی سابق جذاب است
اقتصادی	ترویج فرهنگ تجاری روسیه

روسیه بدون داشتن قدرت نرم

بر اساس نظرسنجی‌های سنتوم لوادا^۱ در سال (۲۰۱۵) افکار عمومی در رابطه با سطح محبوبیت پوتین هنوز هم بالا است، بدین معنا که امکان دارد حکومت‌داری وی به‌طور متناقضی، قدرت نرم روسیه را تحت‌الشعاع قرار دهد؛ اما همان‌طور که جوزف نای اذعان کرده مشکل روسیه این است که در حال حاضر قدرت نرم بسیار کمی برای اعمال در برابر حریفان بین‌المللی خود دارد (Nye 2014). سرگئی لاوروف در بیستمین نشست سالگرد شورای سیاست خارجی و دفاعی در سال ۲۰۱۲ در مسکو، اعتراف کرد کشورش در این زمینه از سایر جوامع بسیار عقب‌افتاده و باید این جریان از طرق مختلف جبران کند. پژوهشگران هدر. ای کانلی و تتودور. پی گربر در سال (۲۰۱۱) تحقیقاتی را انجام دادند که ابزارهای قدرت نرم روسی را بی‌اثر یا محدود نشان می‌دهد. آنها همچنان ادعا می‌کنند که روسی‌زبانان در جامعه بالتیک به دلیل عدم توانایی به‌کارگیری زبان و بیکاری‌های فزاینده در شرایط ناسازگاری قرار گرفته‌اند، درحالی‌که نداشتن تابعیت از اهمیت کمتری برخوردار است. پاسخ‌دهندگان همچنین اذعان داشته‌اند که نگرش مثبتی نسبت به سیاست حمایتی دولت روسیه از اقلیت‌های روس ندارند یا تأثیر چندانی بر وضعیت آنها نداشته است.

تجزیه و تحلیل

¹ Centum Levada

با تشخیص و بررسی قدرت نرم روسیه در مسیر فعالیت‌های گسترده‌تر، برآورد می‌شود که فشار بر فضای پسا شوروی همچنان وجود داشته و البته اکنون نیز در حال جریان است. طبق اظهار نظر مسئولان منطقه بالتیک، کرملین از قدرت (نرم و سخت) بر اساس تسهیل این جریان پیچیده بهره می‌گیرد. همانند تلاش‌های نرم و هیبریدی در کریمه و شرق اوکراین، قدرت نرم که امروزه ماهیت شناختی دارد، می‌تواند به‌عنوان یک گام ملایم و ظریف برای اعمال چالش‌های جدید بین‌المللی تلقی شود. (تبلیغات، اطلاعات نادرست، ترویج فرهنگ و زبان روسی) ممکن است، قبل از بروز خصومت‌ها کارساز باشد. کرملین در تلاش است تا پیشنهاد و سیاست‌های هیبریدی خود را گسترش دهد که عمدتاً خطاب به جامعه روسی‌زبان در منطقه پسا شوروی است و بر روی به حداقل رساندن اثرگذاری ایالات متحده و اتحادیه اروپا متمرکز شده است. نفع مسکو از طریق جریان دهی یک جامعه قدرتمند و غیر منسجم از مهاجران روسی است که اکثریت قریب به اتفاق در برخی مناطق کشورهای بالتیک مانند استونی زندگی می‌کنند و بیش‌ترین توانایی تأثیرگذاری بر جامعه؛ با استفاده از رسانه‌ها انجام گرفته است. اکنون توسعه بیشتر اطلاعات جهانی نشان می‌دهد که اهمیت نسبی قدرت نرم روبه افزایش می‌باشد. با بهره‌گیری از ابزارهای ارتباطی پیشرفته، دولت‌ها قادر خواهند بود، مشکلات را به‌طور مؤثرتری حل کنند. فرایند دموکراتیزاسیون شامل دسترسی به منابع اطلاعاتی جدید و جایگزین حتی نسل امروزی از گویندگان روسی است که خود را بیشتر اروپایی با اتخاذ آرمان‌های آزادی غربی، نسبت به بخشی از جامعه روسیه احساس می‌کنند. (Симоныя 2010) به گفته آگنیا گریگاس دانشمند و محقق علوم سیاسی، آنها سیاست روسیه را تأیید نمی‌کنند و نیازی به حفاظت از جانب این کشور نیز ندارند. در مقابل، اعضای مختلفی از جوامع و قومیت‌های روس مدعی شده‌اند که حمایت روسیه از آنان در طی ادوار مختلف کافی و سازنده نبوده (Корнышева 2011). این موضوع بدان معناست که جامعه روسیه در کشورهای بالتیک منسجم نیست؛ بلکه به‌وضوح تقسیم و خرد شده. کاملاً بدیهی است که بر اساس ارزش‌های ضد لیبرالی، ایده حفاظت از نتونازیسیم، گسترش محدود فرهنگ عمومی و ناسازگاری سیاست خارجی، از قدرت نرم روسیه در اروپا به‌ویژه اروپای شرقی کاسته است.

به‌منظور تضعیف نفوذ روسیه در بین کشورهای منطقه بالتیک، دولت‌های لیتوانی، لتونی و استونی باید از لفاظی‌ها و البته اقدامات خصمانه خودداری کرده و از روند ادغام اقلیت روسی‌زبان در داخل استفاده کنند. این اقدام؛ شامل حمایت قانونی و نهادی از سازمان‌های غیردولتی و یا مستقل از روسیه، تشویق برای مشارکت در زندگی فعال، توجه به محیط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی منطقه بالتیک، ارتقاء آموزش و مهارت‌های زبانی برای کمک به سازگاری اقلیت‌ها در این‌گونه جوامع که فراتر از تقسیمات قومی خواهد بود ادامه دارد و دولت‌ها همچنین بایستی تلاش‌های بیشتری برای کاهش

تأثیرگذاری منفی تبلیغات روسیه دنبال کند. تلویزیون دولتی استونی؛ قبلاً برنامه‌ای برای تمدید اقدامات شناختی شبکه‌های جدید روسی‌زبان صورت داده و همچنین دولت آمریکا اعلام کرده کمک مالی به روزنامه‌نگاران روسی که در کشورهای بالتیک فعالیت دارند بایستی از طریق مبادی خاص و مشخص‌شده‌ای صورت گیرد. برنامه‌های آموزشی روزنامه‌نگاری برای خبرنگاران روسی‌زبان از طریق متخصصان رسانه‌ای به اجرا درمی‌آید که صرفاً در مناطق پیرامونی روسیه کار کرده‌اند. به دلیل افزایش تبلیغات و اطلاعات نادرست و پُرابهام روسیه که سیطره وسیعی دارد، رسانه‌های هر سه کشور به مهارت‌ها و ابزارهایی برای مقابله با گزارش‌های خبری معتبر و مبتنی بر واقعیت نیاز دارند. (Marcin (2015 این برنامه، همچنین چشم‌انداز رسانه‌ای پخته‌تر و فعال‌تری را در قرن ۲۱ در هر سه کشور ایجاد خواهد کرد که همچنین قدرت نرم کشورهای بالتیک را به شکلی چشمگیر افزایش می‌دهد.

(United States Embassy in Vilnius 2015)

گرچه ابزارهای قدرت نرم متنوع‌تر، دقیق‌تر و هماهنگ‌تر هستند، اما بعید است که روسیه ابزارهای سنتی نفوذ خود در جوامع مختلف از جمله بالتیک را کنار بگذارد؛ اما از نظر بسیاری از پژوهشگران، تجاوز روسیه و الحاق این کشورها از طریق اقدام سخت بعید به نظر می‌رسد. در مقابل، روسیه به احتمال زیاد سعی در بی‌ثبات‌سازی منطقه بالتیک با به‌کارگیری (اطلاعات گمراه‌کننده و تحریک‌درگیری‌های اجتماعی) دارد. دوگانگی فعالیت‌های "قدرت شناختی" روسیه شامل دو سطح کلی است: آگاهی، مربوط به اقداماتی که هم برای دیاسپورا و هم برای جامعه بین‌المللی انجام می‌شود و اقدام عینی، با تکیه بر استفاده از موارد مثبت (مشوق‌ها، حمایت‌ها) و رویکردهای منفی (اطلاعات نادرست و کاهش سیستم ارزش‌های غرب) به نظر می‌رسد. برخلاف روش‌های غربی، اکثر ابزارهای قدرت نرم روسیه به مخاطبان خاص از جمله (مهاجران روس) هدایت می‌شود. ابزارهای دیپلماسی عمومی با تمرکز بر نظرات بین‌المللی، معمولاً در قالب پیام‌های منفی شناخته می‌شوند و اهمیت چندانی برای عموم جامعه غرب ندارند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

قدرت نرم به احساسات بزرگ روسیه پس از اتحاد جماهیر شوروی سابق مشروعیت می‌بخشد که همین مسئله خود ابزاری برای ایجاد یک جامعه فراملی تاریخی، فرهنگی و زبانی را محیا ساخته است. ایده ذکرشده؛ توجیهی برای مشارکت روسیه در منطقه پسا شوروی نیز است و دلیل ارتباط مجدد با گذشته اتحاد جماهیر شوروی و وضعیت فعلی دیاسپورای روسیه و همچنین یک ابزار مهم برای بیان منافع کرملین در مجمع بین‌المللی می‌باشد (Laruelle 2015). در واقع ایده حمایت از حقوق اقلیت‌های روسی‌زبان در کشورهای بالتیک که توسط روسیه در عرصه بین‌المللی بیان شده، نوعی ظریف از بی‌اعتبار ساختن دولت‌های کشورهای بالتیک از بُعد مشروعیت حاکمیتی آنان را نشان می‌دهد. این پدیده در سیاست ولادیمیر پوتین در بخشی از تصویر منفی کشورهای بالتیک ظاهر شد تا بر سیاست‌های داخلی آنها تأثیر همه جانبه‌ای بگذارد. از دیدگاه روسیه، حفظ یک ملت خردشده، مطلوب است چراکه آنها از طریق اقدامات مختلف ادغام و سازگاری اقلیت روسی‌زبان را تضعیف می‌کنند. ابزارهای قدرت نرم روسیه پیچیده و متنوع‌تر از گذشته شده و با نیازهای دریافت‌کنندگان سازگار و همسو است (Žiugžda 2015).

در کشورهای بالتیک اکثریت قریب به اتفاق گویندگان زبان روسی بزرگسال و افراد بالغ هستند. با اجرای ابزارهای جدید مانند اینترنت، برنامه‌ها درزمینه بورسیه تحصیلی دانش‌آموزان، فعالیت‌های کلیسای ارتدکس روسیه برای کودکان و نوجوانان، ابزارهای قدرت نرم فعلی مسکو به نسل‌های جوان هدایت می‌شود. عوامل ناموفق سیاسی از جمله؛ (تکه‌تکه شدن احزاب سیاسی و بی‌ثباتی سیستم حزبی)، اقتصادی (بازار آزاد، تجاری‌سازی و روابط اقتصادی در دوران اتحاد جماهیر شوروی) و قومی (نسبت بالای روس‌ها به‌ویژه در لتونی و استونی) شرایط مطلوبی را برای روسیه در جهت تحقق منافع خود در منطقه بالتیک ایجاد کرده است. باوجود پیوستن لیتوانی، لتونی و استونی به ناتو و اتحادیه اروپا، مسکو همچنان سیاست‌های اقتصادی، انرژی و قومی خود را براساس دهه ۹۰ قرن بیستم ادامه می‌دهد (Žiugžda 2015). برای افزایش اثربخشی، مسکو قدرت‌های نرم و سخت را به شکلی "متعادل" به کار می‌گیرد. چند سال پیش، عملیات نظامی روسیه در امتداد مرزهای بالتیک به نظر می‌رسید که امروزه "اهمیت چندانی" ندارند و اکنون با توجه به قدرت نرم، تهدید بالقوه‌ای برای دولت‌های کشورهای بالتیک به شمار می‌رود.

(Žurawski vel Grajewski 2011) قدرت هوشمند که جوزف نای آن را تحت عنوان

توانایی استفاده منطقی از ماهیت قدرت «سخت و نرم» تعریف کرده، برای موفقیت در سیاست بین‌المللی ضروری و الزام‌آور است. به نظر می‌رسد در خصوص تلاش‌های مسکو، نسبت به "کشورهای خارجی

نزدیک " تحت سلطه، آنها توانسته‌اند حرف نخست را اعمال کنند، هرچند قدرت نرم یک ابزار همراه با قدرت سخت، قابل توجه و اثرگذار است. در انتها بعید به نظر می‌رسد که روسیه قصد داشته باشد جامعه غیر روسی‌زبان را در جهان ایده‌ها و عقاید پلورالیستی (متعهد به احزاب و ائتلاف) جذب و ترکیب کند؛ اما مزیت آن ممکن است مخالفت سازنده و مؤثری با ایالات متحده در میان سایر حاکمیت‌های بسته باشد و تصور نمی‌شود که در آینده تشویق ارزش‌ها و فرهنگ روسی یک‌روند دائمی از سوی کرملین باشد.

منابع

- 1- Estonia: Linguistic minorities in Estonia: Discrimination must end In: Amnesty International, 2006. [Cited 20.06.2013.]
- 2- Language police gets more powers to harass. [Online.] In: Amnesty International, 2007. [Cited 20.06.2013.]
- 3- Baltic Media Overview (2011, 2012): [Online.] In: Baltic Media Overview, 2011, 2012. [Cited 13.08.2015.]
- 4- Education Minister proposes more subjects taught in Lithuanian at Russian and Polish schools [Online.] In: Baltic Times, 2015. [Cited 13.08.2015.]
- 5- Bershidsky, L. (2015): Estonia Can Handle Putin's Soft Power. [Online.] In: Bloombergview, 2015.
- 6- Researchers: Russia's public diplomacy increases tension within Latvia. [Online.] In: BNN-news, 2014.
- 7- BNN-news (2015a): Number of Russian tourists visiting Latvia declines by one-third. [Online.] In: BNN-news, 2015. [Cited 7.09.2015.]
- 8- BNN-news (2015b): Russian propaganda media Sputnik enters Latvia through the back door. [Online.] In: BNN-news, 2015.
- 9- BNN-news (2015c): Zdanok received nearly EUR 95,000 from Russia last year. [Online.] In: BNN-news, 2015.
- 10- Braw, E. (2014a): Russian Spies Return to Europe in 'New Cold War'. [Online.] In: Newsweek, 2014.
- 11- Conley, H.A. – Gerber Th.P. (2011): Russian Soft Power in the 21st Century, Center for Strategic and International Studies. [Online.]
- 12- Daveluy, D. (2011): The Media Landscape in the Baltic States. [Online.] In: In a global, 2011. [Cited 13.08.2015.]
- 13- Economist (2012): Latvia's referendum. What's my language? [Online.] In: Economist, 2012.
- 14- ECHR (2000), Case of Ždanoka v. Latvia. [Online.] In: ECHR, 2000. [Cited 8.09.2015.]
- 15- European Commission (2012): Europeans and languages [Online.] In: European Commission, 2012. [Cited 17.10.2015.]
- 16- Grigas, A. (2014): Compatriot Games: Russian-Speaking Minorities in the Baltic States. [Online.] In: World Politics Review, 2014.

- 17- Horska, N. (2015): Aktywność narodowa mniejszości rosyjskiej na Ukrainie (1991- 2004). Toruń: Europejskie Centrum edukacyjne, 2009. 344 pp. ISBN 978-83-60738- 85-6.
- 18- Jemberga, S. – Salu, M. – Černiauskas, Š. (2015): Kremlin’s millions. [Online.] In: Re. Baltica, 2015.
- 19- Kirchick, J. (2015): Anti-Nazi Group Secretly Helping Kremlin Rebuild Russian Empire. [Online.] In: The daily beast, 2015. [Cited 13.06.2015.]
- 20- Корнышева, М. (2011): Сергеев: мы хотим, чтобы нам помогли найти российского медиамагната. [Online.] In: Delfi, 2011.
- 21- Kuznetsov, A. – Kuznetsova, O. (2005): Business Culture in Modern Russia: Deterrents and Influences. In: Problems and Perspectives in Management, 2005, 2, pp. 25-31.
- 22- Lapėnienė, J. (2015): Why Lithuania banned Russian TV channel. [Online.] In: Delfi, 2015. [Cited 13.08.2015.]
- 23- Lavrov, S. (2012): Russia in the 21st -Century World of Power. [Online.] In: Global Affairs, 2012.
- 24- Levada (2015): Approval of Putin. [Online.] In: Levada Centrum, 2015. [Cited 21.01.2015.]
- 25- Liik, K. (2007): The ‘Bronze Year’ of Estonia-Russia relations. In: Estonian Ministry of Foreign Affairs Yearbook, 2007, Tallin, pp. 71-76.
- 26- Marcin, T. (2015): \$500K Anti-Russian Propaganda Grant To Train Journalists In Baltic States: American Embassy In Vilnius, Lithuania. [Online.] In: Ibtimes, 2015.
- 27- Milne, R. (2015): Party with ties to Putin pushes ahead in Estonian polls. [Online.] In: Financial Times, 2015.
- 28- Munoglu, E. (2011): The impact of Nationalism on Democratization in Central and South-Eastern Europe. In: Ethnopolitics Papers, 2011, 9, pp. 2-9.
- 29- News (2011): Lavrov Blasts Estonia, Latvia on Non-Citizens Issue. [Online.] In: News, 2011. [Cited 14.08.2015.]
- 30- Nielsen, N. (2015): Estonia arrests, releases pro-Kremlin Italian journalist. [Online.] In: Euobserver, 2015.
- 31- Nye, J.S. (2014): Soft Power: The Means to Success in World Politics, New York: Public Affairs, 2004. 191 pp. ISBN 13978-1-58648-306-7.
- 32- Nye, J. (2014): Putin’s Rules of Attraction. [Online.] In: Project Syndicate, 2014.

- 33- Panova, V.V. (2015): Russia's 'Soft' Policies towards the Baltic States: The different faces of 'Soft Power'. In: *The Baltic States and Eastern Neighborhood between Russia and the UE*. Riga: Latvian Institute of International Affairs, 2015. Pp. 80-98. ISBN 978-9984-583-61-7.
- 34- Presidential Decree (2007): Указ Президента Российской Федерации О создании фонда 'Русский мир'.
- 35- Lithuania bans Russian TV station over 'lies'. [Online.] In: Reuters, 2014.
- 36- Richter, A. (2015): Legal Attempts to Restrict Propaganda Broadcasts Related to Crisis in and around Ukraine, 2014-15.
- 37- 'Shame': Russia slams soft EU stance on Nazism. [Online.] In: RT, 20112.
- 38- Ruposters (2014): Из латышей в россияне: граждане Латвии всё чаще меняют свои паспорта. [Online.] In: Ruposters, 2014.
- 39- Simons, G. (2015): Perception of Russia's soft power and influence in the Baltic States. In: *Public Relation Review*, 2015, 41, 1, pp. 1-13.
- 40- Tafuro, E. (2014): Fatal attraction? Russia's soft power in its neighbourhood. Analysis. In: *Policy Brief*, 2014, 181, pp. 1-6.
- 41- United States Embassy in Vilnius (2015): [Cited 13.08.2015.].
- 42- World Factbook (2015): [Cited 17.08.2015.]
- 43- World Without Nazism (2015): [Cited 2.09.2015.]
- 44- Žiugžda, D. (2015): Baltic States in the Perspective of Russia's Security Policy. In: *Lithuanian Foreign Policy*, 2015, 7, pp. 1-18.
- 45- Żurawski vel Grajewski, P. (2011): Strategia Federacji Rosyjskiej wobec państw basenu Morza Bałtyckiego. In: *Analizy natolińskie*, 2011, 4, 52, pp. 1-62.

46- Reading and Analyzing the Role of Bushehr Press in the Constitutional Movement

Abdolrasool Hashemi 

1. Ph.D. in Sociology of Economic and Development, Department of Sociology, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran.Iran, Tehran E-mail: r.hashemi35@yahoo.com

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received :2 August
2022

Received in revised
form 16 September
2022

Accepted: 25 October
2022

Published online: 21
December 2022

Keywords:

Bushehr Press,
Constitutional
Movement,
Modernity,
Mozaffari
Newspaper,

ABSTRACT

Objective: As one of the pillars of information and one of the most effective mass media, the press plays a decisive role in the political and social developments of countries. In the contemporary history of Iran, the press has a prominent position. Bandar Bushehr is one of the leading cities in the field of press, journalism and news writing. The role of the press in this city has been very important in providing intellectual and cultural grounds for the constitutional movement. This study was compiled with the aim of investigating and analyzing the role of Bushehr press in providing the intellectual and social grounds of the constitutional movement. **Methods:** The research method used in this study is the documentary and library method, which has been tried to use authentic and first class documents. **Results:** The results show that the newspapers printed in Bushehr port were closely related to the press in exile such as Habal Al Matin in India and its publication was not limited to this port but was published on a trans-regional scale. Also, dealing with the issue of women, patriotism and global developments such as the Russo-Japanese War, and at the same time being sensitive to the news and events that happened in this country on a national scale are among the features of this press like Mozaffari newspaper. **Conclusions:** The newspaper and press in Bushehr port, like other modern elements, flourished in connection with the process of modernism and colonial countries such as England, but at the very beginning, it defined its identity by confronting colonialism and tyranny. This press has played an effective role in leading different sections of society, including women, to participate in political and social life. According to researchers, Mozaffari newspaper should be considered the most important and advanced revolutionary, freedom-loving and anti-British newspaper throughout the constitutional era.

Cite this article: Hashemi, Abdolrasool, (2022). T Reading and Analyzing the Role of Bushehr Press in the Constitutional Movement. *News Science*, 11 (43), 111-134.



بازخوانی و تحلیل نقش مطبوعات بوشهر در جنبش مشروطیت

عبدالرسول هاشمی^۱

۱. دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، گروه جامعه‌شناسی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران. ایران، تهران، رایانامه: r.hassemi35@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۵/۱۱</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۶/۲۵</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۳</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۹/۳۰</p> <p>کلیدواژه‌ها: جنبش مشروطیت، روزنامه مظفری، مدرنیته، مطبوعات بوشهر،</p>	<p>مطبوعات به‌عنوان یکی از ارکان اطلاع‌رسانی و از مؤثرترین رسانه‌های گروهی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات سیاسی و اجتماعی کشورها دارد. در تاریخ معاصر کشور ما نیز مطبوعات از جایگاه برجسته‌ای برخوردارند و مطالعه تحولات مربوط به تاریخ معاصر کشورمان بدون در نظر گرفتن نقش مطبوعات ناقص خواهد بود. بندر بوشهر در شمار شهرهای پیشتاز در عرصه مطبوعات، خبرنگاری و خبرنگاری و خبرنگاری است. نقش مطبوعات در این شهر در فراهم کردن زمینه‌های فکری و فرهنگی جنبش مشروطیت اهمیت بسزایی دارد. به باور محققان، روزنامه مظفری را باید مهم‌ترین و پیشرفته‌ترین روزنامه انقلابی، آزادی‌خواه و ضدانگلیسی بوشهر در سرتاسر عصر مشروطیت تلقی کرد. این مطالعه با هدف بررسی و تحلیل نقش مطبوعات بوشهر در فراهم کردن زمینه‌های فکری و اجتماعی جنبش مشروطیت در عهد قاجار تدوین شده است. روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ایست. نتایج نشان می‌دهد روزنامه‌های چاپ شده در بندر بوشهر در ارتباط نزدیکی با مطبوعات در تبعید مانند جبل‌المتین در هندوستان بوده است و انتشار آن محدود به این بندر نبوده بلکه در مقیاس فرامنطقه‌ای منتشر شده بود. همچنین پرداختن به موضوع زنان، وطن‌پرستی و تحولات جهانی مانند جنگ روسیه و ژاپن و در عین حال حساسیت به اخبار و وقایع اتفاق افتاده در این دیار و در مقیاس ملی از جمله ویژگی‌های این مطبوعات مانند روزنامه مظفری است. روزنامه و مطبوعات بوشهر همانند دیگر عناصر مدرن در ارتباط با روند مدرنیسم و کشورهای استعمارگر مانند انگلستان در بوشهر رونق گرفت اما در همان آغاز هویت خود را با آزادی‌خواهی و در رویارویی با استعمار و استبداد تعریف کرد. همچنین این مطبوعات در سوق دادن افکار مختلف جامعه از جمله زنان به مشارکت در حیات سیاسی و اجتماعی نقش مؤثری ایفا کرده‌اند.</p>

استناد: هاشمی، عبدالرسول (۱۴۰۱). بازخوانی و تحلیل نقش مطبوعات بوشهر در جنبش مشروطیت. *علوم خبری*، ۱۱ (۴۳)،

۱۳۴-۱۱۱.



مقدمه

عصر مشروطیت را باید دوران طلایی مطبوعات در ایران نامید. دورانی که مفاهیمی مانند ملت، قانون، آزادی، ترقی و پیشرفت در مطبوعات این دوره رشد و نمود پیدا کرده و نشان دهنده تغییر نگرش ایرانیان به مقولاتی مانند حکومت و سیاست است. تغییرات اجتماعی-سیاسی در دوران معاصر در ایران در دوران قاجاریه ابتدا با رویارویی ایران با جهان مدرن شکل گرفت. ضرورت نوسازی در ارکان نظام سیاسی و اجتماعی به منظور فایق آمدن بر چالش حاکمان با کشورهای قدرتمند به گسترش نوسازی و مدرنیته در ایران انجامید. بازخوانی و تحلیل مطبوعات این دوره می‌تواند به ما در شناخت و فهم چگونگی تحولات اجتماعی آن دوران کمک کند و چراغی در پیش روی شرایط فعلی جامعه ایران روشن کند.

رویارویی ایران با جهان مدرن در دوران قاجاریه به اوج خود رسیده بود. نوسازی سیاسی در ایران در آغاز از بالا و بنا به ضرورت ایجاد شد. اولین برنامه نوسازی در عصر قاجاریه توسط ایرج میرزا، ولی عهد فتحعلی‌شاه در ارتش در واکنش به شکست ایران از روسیه بود که در آن جنگ قشون قبیله‌ای ایران به آسانی در برابر تجهیزات و سازماندهی مدرن ارتش روس ناتوان شدند. به دنبال این شکست عباس میرزا با آگاهی و شناختی که از پیشرفت‌های علمی و فنی اروپائیان داشت به ضرورت اصلاحات پی برد و با همفکری قائم مقام در راه پیشرفت کشور گام‌هایی برداشت. پس از او در اوایل دوران سلطنت ناصرالدین‌شاه، میرزا محمدتقی‌خان فراهانی معروف به امیرکبیر آغازگر دومین اقدامات در نوسازی بود. ناصرالدین‌شاه خود اولین پادشاه ایران بود که به سفر فرنگ رفت و پیشرفت‌های ممالک غربی را از نزدیک دید. نوسازی و روند مدرنیزاسیون در جامعه ایران به شکل‌گیری طبقه متوسط جدید منجر شد که عمدتاً تحصیل کرده و خواهان مشارکت سیاسی بودند و در وقوع انقلاب مشروطیت تأثیر فراوان داشتند. نوسازی تنها به جذب متخصصان منحصر نشد بلکه ترویج اندیشه‌های جدید در باب حکومت و اداری سیاسی کشور و جامعه و عرصه‌های مانند نظام آموزشی با تأسیس دارالفنون و مدارس به سبک جدید، علوم پزشکی، امور دولتی و بوروکراسی و رسانه‌های جمعی نیز گسترش یافت.

با مطالعه تاریخ روزنامه‌نگاری در ایران، می‌توان شروع و انتشار روزنامه در ایران را از پیامدهای اعزام محصلین به خارج عنوان کرد و سرآغاز آن را باید با میرزا صالح شیرازی، محصل اعزامی به انگلیس دانست. او از جمله کسانی است که در سال ۱۳۲۰ به همت عباس میرزا به خارج اعزام شده بود. وی در اروپا با صنعت چاپ و روزنامه‌نگاری آشنا شد و در پی بازگشت به ایران دستگاه چاپ کوچکی را با خود به ارمغان آورد. میرزا صالح در خارج از کشور شاهد پیشرفت‌های اروپا بود و خواستار رسیدن ایران به چنان پیشرفت‌هایی بود. به همین جهت برای آگاهی مردم و درباریان از وضع کشور ایران، تصمیم به انتشار روزنامه‌ای می‌گیرد که مانند روزنامه‌های اروپایی، با درج حوادث و اخبار پایتخت مردم را در جریان

امور جاری قرار دهد. بر همین اساس بود که وی در بازگشت به ایران "کاغذ اخبار" را که ترجمه (newspaper) است در یک صفحه در عصر محمدشاه در سال ۱۲۵۲ ق/۱۸۳۷ م منتشر کرد. انتشار روزنامه به عنوان وسیله خبررسانی جدید این امکان را فراهم کرد که خبرهای دولتی مفاهیم دیگر مانند ملت نیز در میان مردم گسترش یابد (شیخاوندی، ۱۳۶۹: ۴۹). روزنامه کاغذ اخبار برای اولین بار درباره اصول آزادی و دموکراسی نوشت (آدمیت، ۱۳۵۵: ۶۲ و محسنیان راد: ۱۳۷۶: ۵۸). انتشار مرتب روزنامه در ایران در سومین سال سلطنت ناصرالدین شاه قاجار با عنوان وقایع اتفاقیه انجام شد. در این زمان روزنامه دولتی دیگری با عنوان طلوع منتشر شد و با توجه به دولتی بودن روزنامه وقایع اتفاقیه، ناصرالدین شاه در سال ۱۸۵۷ دستور انتشار روزنامه ملتی را صادر کرد.

آخرین ربع قرن نوزدهم روزنامه به عنوان وسیله ارتباط جمعی با تغییرات اجتماعی ایران همراه شد و برای اولین بار قدرت روزنامه‌نگاری از دست دولتیان به مردان جدید عرصه مطبوعات منتقل گردید. روزنامه‌نگاران ایرانی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم ایران جمعی از آزادی‌خواهان تحصیل کرده خارج و ایرانی‌های فرنگی مآب و اروپادوست آن زمان بودند که سیاست و اصلاحات مملکتی را با حرفه روزنامه‌نگاری به هم آمیختند و اغلب اهل علم و ادب بودند (مولانا، ۱۳۹۱: ۵۹). نمونه روزنامه‌نگاران ایرانی کسی مانند میرزا صالح شیرازی بود که نه تنها تاریخ و جغرافیا و فلسفه اروپا را یادگرفت بلکه زبان‌های خارجی از جمله انگلیسی و فرانسه را آموخت. بسیاری از خصایص او را روزنامه‌نگاران بعد داشتند (ذاکر حسین، ۱۳۸۴: ۲۸).

از جمله پدیده‌های روزنامه‌نگاری در این دوران که با شروع عصر مطبوعات شکل گرفت روزنامه‌نگاری در تبعید بود. به دلیل شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم در این دوران برخی از منتقدان مانند سیدجمال‌الدین اسدآبادی فعالیت‌های خود را در خارج از کشور گسترده کردند. اولین روزنامه آزادی‌خواه مهاجر توسط دو روزنامه‌نگار جوان به نام‌های میرزامهدی و محمدطاهر در سال ۱۸۷۵ م در استانبول به نام اختر منتشر شد و در ایران مخفیانه توزیع گردید. نفوذ اختر به علت مقالات پرمعنی که توسط این دو جوان و عده دیگری از نویسندگان ایرانی تهیه می‌شد سبب شد عده قابل توجهی از آزادی‌خواهان دور هم گرد آیند و به بسط افکار مشروطه‌خواهانه بپردازند. مطبوعات در این دوره توانستند به عنوان پلی بین گروه‌های ضدسلطنت عمل کنند و طبقات مختلف مانند روحانیون و روشنفکران ایرانی و تحصیل کردگان خارج از کشور برقرار کنند (همان: ۳۲).

هدف از این مطالعه بررسی و شناخت نقش مطبوعات بوشهر در حیات سیاسی و اجتماعی مردم ایران و به‌ویژه مردمان ساکن در نواحی جنوب ایران و خلیج فارس است. از این رو این سؤال مطرح می‌شود که چالش‌های روزنامه‌نگاری در اوایل شکل‌گیری روزنامه در جنوب ایران و شهر بوشهر

چه بوده است؟ و گردانندگان این نشریات چه محتوایی را خلق کرده‌اند؟ و چه نقشی در حیات سیاسی اجتماعی این مناطق داشته‌اند؟ و چه زمینه‌های بسترهای اجتماعی و اقتصادی و جغرافیایی در شکل‌گیری این مطبوعات مؤثر بوده است؟

پیشینه پژوهش

تحقیقات متعددی درباره نقش مطبوعات در عصر مشروطیت انجام شده که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

بازخوانی مفهوم آزادی در مطبوعات مشروطه (۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق) عنوان پژوهشی است که با روش تحلیل محتوا از مفهوم آزادی در مطبوعات مشروطه انجام شده است. بر این اساس نویسندگان مطبوعات این دوره توانستند رویکردی پویا نسبت به این مفهوم پیدا کنند که به رهیافتی افزون بر رهیافت قبل از خود منجر شود، در حالی که روشنفکران پیش از مشروطه به رهیافتی نوین و خلاقانه از آزادی به مثابه امری دورنی - بیرونی (روان‌شناختی جامعه‌شناختی) رسیده بودند و در نتیجه توانسته بودند آن را با جامعه ایرانی منطبق کنند. به عبارتی نویسندگان مطبوعات دوره مشروطه به تقلید بسنده کردند و مصرف‌کننده آرای پیشینیان شدند (رفعتی پناه مهرآبادی و سلیمانی دهکردی، ۱۳۹۵: ۹۷).

پژوهشی دیگر با عنوان «مطبوعات و نحوه تعامل آنان با ارکان حکومت مشروطه در دوره مجلس اول (۱۳۲۶-۱۳۲۴ ق)» با استفاده از روش تاریخی و رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام شده که بر اساس یافته‌ها، پس از پیروزی مشروطه و استقرار نظام سیاسی جدید، رابطه مطبوعات با مجلس و دولتمردان و خصوصاً شاه دچار افت و خیزهای فراوانی شد. اگرچه عملکرد مطبوعات در بیان آزادانه اخبار و رویدادها و همچنین رویکرد انتقادی آنها نسبت به اوضاع اجتماعی و سیاسی و خصوصاً نقد حاکمیت، پس از پیروزی مشروطه رشد و نمود بیشتری یافت، اما مطالب آگاهی بخش و روشنگرانه و گاه تندروی‌های برخی از این مطبوعات، باعث ایجاد جریان‌های فکری مخالف و بروز واکنش‌هایی از سوی مخالفان در جهت ایجاد محدودیت بیشتر برای مطبوعات گردید (بلندی، فاطمه و همکاران، ۱۴۰۱، ۳۶۲۹).

درزمینه نقش سیاسی - اجتماعی مطبوعات در انقلاب مشروطیت پژوهشی با رویکرد تحلیل محتوا در سرمقاله‌های روزنامه‌های روح القدس و صوراسرافیل انجام شده که نشان می‌دهد که در سرمقاله‌های روزنامه روح القدس، بیشتر به مسائل و موضوعات سیاسی پرداخته شده است، ولی در سرمقاله‌های صوراسرافیل، علاوه بر مسائل سیاسی، مسائل و موضوعات اجتماعی، مذهبی نیز بررسی شده است. درمجموع، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که دو روزنامه مذکور که هر دو زاینده

مشروطیت و قربانی استبداد می‌باشند. در جریان انقلاب مشروطیت، با ترویج افکار آزادی خواهانه و انتقاد از حکومت استبدادی، نقش مهمی در آگاهی و تنویر افکار عمومی مردم ایران در آن دوره داشته‌اند (رسول اف و راسخ، ۱۳۹۷، ۱۳).

پژوهشی با هدف بررسی جایگاه زنان در مطبوعات مشروطه با تأکید بر روزنامه *زبان زنان* انجام شد. این روزنامه که یکی از برجسته‌ترین مطبوعات زنان در اواخر دوره قاجار (۱۲۹۸ شمسی) به‌شمار می‌رود، حاوی مطالبی چون برابری جنسیتی و توجه به حقوق اجتماعی زنان، از جمله تساوی حقوق اجتماعی با مردان و مشارکت سیاسی زنان است که نقشی اساسی در بیداری و آگاهی زنان ایرانی داشت. این پژوهش به شیوه اسنادی و به روش تحلیل محتوا گردآوری شده است. پرداختن به این دوره به دلیل حضور فعال اجتماعی زنان برای نخستین بار به شکل شبه‌صنفی اهمیت دارد. دوره‌ای که زنان به مطرح کردن درخواست‌های اجتماعی خود می‌پردازند که در این بین ایجاد مدرسه برای دختران از اصلی‌ترین درخواست‌های آنان است. این تحقیق به ثمر رسیدن تلاش اجتماعی و احقاق حقوق اجتماعی زنان را نشان می‌دهد (زنجانی زاده و باغ دار دلگشا، ۱۳۹۴، ۶۱).

روش تحقیق

روش تحقیق در این مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ایست. در این روش تلاش شده است از منابع معتبر و دست اول استفاده شود. بدین منظور ضمن معرفی مطبوعات این شهر به عرصه‌های فعالیت‌های روزنامه‌نگاری و رویکردهای متولیان و گردانندگان این مطبوعات در قبال مسائل دوران خود پرداخته می‌شود.

یافته‌ها

شکل‌گیری مطبوعات در بوشهر

بندر بوشهر به دلیل موقعیت جغرافیایی و استراتژیک خود و قرارگرفتن در مرکز خلیج فارس آن از زمان نادرشاه افشار که بوشهر جدید تأسیس گردید، مورد توجه دول قدرتمند اروپایی و غیر اروپایی قرار داشت. کمپانی‌ها و بنگاه‌های تجاری و مؤسسات و نمایندگی‌های سیاسی و اقتصادی یکی بعد از دیگری به این بندر روی آوردند و در نتیجه امور بازرگانی و کارهای اقتصادی این بندر رونقی فراوان یافت، آن‌گونه که طبق اسناد موجود، به‌ویژه در دوره قاجار عایدات گمرک بوشهر چند برابر بیش از عایدات دیگر بنادر ایران بود. کشورهای استعمارگر، با درک موقعیت استراتژیک خلیج فارس و با توجه به حساسیت بوشهر از نظرگاه اقتصادی — نظامی، در استقرار نمایندگی و تأسیس کنسولگری در این بندر با هم به رقابت و

چالش پرداختند و در راستای تأمین منافع سیاسی و اقتصادی خود، در این بندر نمایندگی‌های سیاسی ایجاد نمودند. روابط اقتصادی- سیاسی و حضور دیپلماتیک سوداگران خارجی و ارتباط تجاری بوشهر با کشورهای خارجی در امر صادرات و واردات مستلزم مهاجرت و مسافرت مردم این سامان به خارج از کشور و آشنایی با مسائل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی اقتصادی جهان و آگاه شدن از تحولات فکری و علمی دنیای غرب بود. آگاهی سیاسی مردم بوشهر با عوامل فرهنگی دیگر مانند انتشار نشریاتی چون مظفری، اصلاح و طلوع در دوره قاجار، سبب گردید در بحبوحه انقلاب مشروطیت مردم این منطقه نیز در این رستاخیز بزرگ نقش بزرگی ایفا نمایند (مشایخی، ۱۳۸۷، ۱۴۰). اواخر قرن نوزدهم در بوشهر چندین کنسولگری و دفتر تجاری فعال بودند و دروازه ورود مدرنیته در جنوب ایران و خلیج فارس به‌شمار می‌رفت و محافل فرهنگی و سیاسی آن با هندوستان، انگلستان، فرانسه و آلمان در ارتباط بودند و مرتب روزنامه‌های انگلیسی زبان و فارسی زبان چاپ هندوستان به این شهر وارد می‌شد (یاحسینی، ۱۳۹۳، ۱۶).

براساس اسناد موجود مردم بندر بوشهر یکی از طرفداران عمده مطبوعات اپوزیسیون چاپ مصر، لندن، هندوستان و عثمانی بودند و با شور و شوق این نشریات را مطالعه می‌کردند. حتی سال‌ها قبل از انتشار روزنامه فارسی‌زبان در هندوستان، تحصیل‌کردگان و نخبگان بوشهری از طریق مطالعه کتاب‌ها و روزنامه‌های فرانسوی و انگلیسی با فرهنگ روزنامه‌خوانی آشنا بوده‌اند، به‌طوری که یکی از اقلام مهم وارداتی از لندن و هندوستان به بوشهر، کتاب و روزنامه بوده است. اگرچه هنوز آن چنان که باید و شاید تأثیر نشریات در گسترش اندیشه‌های مشروطه‌خواهی بوشهر مورد توجه قرار نگرفته است اما با نگاهی اجمالی به این نشریات و مطالب برخی از آنها می‌توان به نقش این نشریات در پیدایش جنبش مشروطه‌خواهی در بوشهر آگاه شد. روزنامه «مظفری» از جمله نشریه مهم و تأثیرگذاری بود که در بندر بوشهر به همت مدیری جسور و شجاع به‌نام میرزا علی‌آقا لیبب‌الملک شیرازی به چاپ می‌رسید و نقش بسیار مهمی در اشاعه و دفاع از مبانی مشروطه ایفا می‌کرد (یاحسینی، ۱۴۰۱).

در کتاب تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران اشاره شده که میرزا صالح شیرازی که پدر مطبوعات و روزنامه‌نگاری ایران است از اهالی فارس و کازرون بود و بین کازرون و بوشهر نیز مراودات تجاری همواره در جریان بوده و به همین خاطر است که مورخان حوزه مطبوعات بر این باورند که وی در نوجوانی به بوشهر سفر کرده و برای نخستین مرتبه با روزنامه در بوشهر آشنا شده است و از همان‌جا این علاقه در او به‌وجود می‌آید و پس از سفر به اروپا آن را تقویت و «کاغذ اخبار» را در محرم سال ۱۲۵۳ هجری قمری و در زمان عباس‌میرزا منتشر می‌کند. به هر روی، مردم بوشهر استقبال خوبی از روزنامه‌های مخالف حکومت قاجار داشتند و از طرفداران عمده مطبوعات اپوزیسیون چاپ مصر، لندن و

هندوستان بودند. «آقاخان کرمانی» در نامه‌ای که از عثمانی برای «میرزاملکم‌خان» مدیر و سردبیر روزنامه قانون در لندن ارسال کرده بود به این مسئله اشاره کرده است: «آدم موثقی از بوشهر ... آمده و می‌گوید روزنامه‌های قانون در آن نواحی رستاخیز عظیم برپا کرده‌اند» (محیط طباطبائی، ۱۳۷۹: ۲۶).

روزنامه‌های طلوع و اصلاح

نخستین روزنامه مستقل و محلی شهر بوشهر «طلوع» نام داشت که در اوایل سال ۱۳۱۸ هجری قمری یعنی ۱۱۷ سال پیش به سردبیری «عبدالحمیدخان تقفی» ملقب به «متین‌السلطنه» با خط نسخ و چاپ سنگی، همراه با تصویر و کاریکاتورهای طنزآمیز ضداستبدادی بود که چاپخانه مظفری آن را چاپ می‌کرد. مطالب این روزنامه اغلب در محکوم‌کردن استبداد بود. در کتاب تاریخ مطبوعات ایران در دوره مشروطیت؛ جلد دوم ص ۱۴۱ آمده است «اولین روزنامه هجایی، فکاهی که به‌شبهه ریشخند منتشر شد، روزنامه طلوع است که از سوی متین‌السلطنه منتشر می‌شد. وی بعدها نماینده دور دوم مجلس شورای ملی گشت. به‌گفته سیدقاسم یاحسینی، مؤلف کتاب «صدسال مطبوعات بوشهر»، این روزنامه در تیراژ اندکی چاپ می‌شده و به‌همین دلیل امروز حتی یک نسخه از آن نیز در هیچ کتابخانه‌ای موجود نیست. این روزنامه در همان سال نخست، چند شماره بیشتر منتشر نکرد و چون مصور بود، و امکانات چاپی در آن زمان کم و مشکلات زیادی داشت، احتمال داده می‌شود که دلیل تعطیلی طلوع در بوشهر همین باشد (ادواردگراندویل، ۱۳۸۶).

روزنامه اصلاح نیز در سال ۱۳۲۷ هجری قمری که هوادار انقلاب مشروطه در ایران بود به مدیریت محمدرضا بوشهری منتشر می‌شد. که مورد استقبال روشنفکران و طرفداران آزادی بیان در این بندر قرار گرفت. این روزنامه هر چهارشنبه، طبع و هر پنجشنبه توزیع می‌شد و در سرلوحه آن نوشته شده بود: «جریده‌ایست آزاد و در اصلاحات سخن می‌گوید» این روزنامه محتوی اخبار و مقالاتی در دفاع از انقلاب مشروطه و حوادث انقلاب مشروطه در بوشهر بود. با به قدرت رسیدن رضاشاه مدیر این روزنامه از جمله کسانی بود با او به مخالفت پرداخت و مقالاتی را علیه دیکتاتوری او منتشر کرد و همین مسئله موجب شد تا روزنامه «اصلاح» چندین بار توسط مقامات دولتی توقیف شود (صدرهاشمی، ۱۳۶۴).

روزنامه مظفری

مهمترین و تأثیرگذارترین مطبوعه عصر مشروطیت در بوشهر، روزنامه مظفری است. این روزنامه در شهر بوشهر به مدیریت آقامیرزا عبدالحمیدخان متین‌السلطنه تأسیس و در سال ۱۳۱۹ ق منتشر شد. اولین شماره روزنامه مظفری با چاپ سنگی در تاریخ هفت شوال ۱۳۱۹ قمری انتشار یافت. میرزا

عبدالحمیدخان متین السلطنه مدیر مظفری همان کسی است که ابتدا در بوشهر روزنامه طلوع و بعد روزنامه مظفری را تأسیس و منتشر نمود. پس از چندی مدیریت روزنامه مظفری به عهده آقا میرزا علی لیبب‌الملک شیرازی واگذار شد و شاید هم از ابتدا با متین السلطنه همکاری داشته است ولی به هر صورت با رفتن متین السلطنه به تهران اداره امور روزنامه مستقلاً به عهده آقا میرزا علی آقا واگذار شد. اسم روزنامه به خط شکسته دو دفعه نوشته شده و در بالای آن شیر و خورشید و در زیر آن سال تأسیس ۱۳۱۹ درج شده است. در زیر عنوان روزنامه، مظفری بدین قسم معرفی شده است: «در این جریده از هرگونه وقایع و اخبارات و مطالب مفیده راجع به صنعت و تجارت و مقالات علمیه و ادبیات و هر نوع لایحه که متضمن فواید دولتی و منافع ملی و مصالح مملکتی باشد بحث می‌شود نوشته‌جات بی‌غرض و عام‌المنفعه که منافی با دین و دولت نباشد پذیرفته و درج خواهد شد و مکاتیبی که درج نشود صاحبش حق استرداد آن را ندارد.» در هر شماره فهرست مندرجات در ستون اول صفحه اول چاپ شد (صدر هاشمی، ۱۳۶۳: ۲۱۱).

همچنین در خصوص این روزنامه آمده است که مرحوم میرزا علی آقا شیرازی مدیر مظفری برای تهیه مطبوعه سربی سفری به هندوستان نموده و پس از تهیه مطبوعه به بوشهر بازگشته و از ابتدای سال چهارم روزنامه را با چاپ سربی منتشر کرد. شماره اول سال هفتم روزنامه مظفری در شانزده صفحه به قطع کوچک خستی در مطبوعه سربی که باید همان مطبوعه مظفری بوشهر باشد و اسمی از آن در روزنامه نیست در تاریخ ۲۶ شهر صفر مطابق نه برج حمل ۱۳۲۶ هجری طبع و توزیع شده است. سرلوحه روزنامه مانند سال چهارم و دارای شیر و خورشید است. سایر خصوصیات روزنامه نیز مانند سال چهارم منتهی قطع صفحات قدری کوچک شده و در عوض ماهی چهار نمره طبع و توزیع گردیده است (همان: ۲۱۳).

در زمان صدارت عین‌الدوله روزنامه مظفری در بوشهر توقیف و مدیر آن آقامیرزا علی آقا لیبب‌الملک محبوس گردید و این توقیف مصادف با سال چهارم انتشار روزنامه مظفری بوده است. به وساطت جناب آقای اعتماد السلطنه وزیر انطباعات در رجب ۱۳۲۴ ق مدیر مظفری نیز از حبس نجات یافته و روزنامه‌اش از توقیف خارج می‌شود. پس از دو سال توقف در بوشهر و انتشار روزنامه مظفری مجدداً در سال ۱۳۲۶ ق هنگام وقوع حوادث بمباردمان مجلس و نفی آزادی خواهان از تهران مدیر مظفری از آن شهر فرار و رهسپار هندوستان شد. پس از برقراری مجدد رژیم مشروطیت و بازگشت آزادی خواهان به دیار خود، مدیر مظفری نیز از مسافرت هندوستان و مصر و حجاز بازگشت و برای بار دیگر روزنامه مظفری را در شهر خود منتشر کرد. پس از ۲ سال توقف در بوشهر و انتشار روزنامه مظفری روز ۱۸ صفر ۱۳۳۰ ق دو نفر مأمور از طرف حاکم بوشهر میرزاعلی آقا شیرازی مدیر مظفری را به بندر

ریگ تبعید می‌نماید و برای بار دیگر روزنامه مظفری تعطیل می‌شود. با همه مشکلات و موانع این آزادمرد هنگام تبعید و آوارگی دست از اظهار عقاید و دشمنی خود با انگلیسی‌ها و مستبدین برنداشته و روزنامه را در مکه و کربلا به نام غیرت منتشر ساخته است. پس از فوت مدیر مظفری روزنامه مظفری به مدیریت فرزندش میرزا محمدکریم شیرازی منتشر شده [...] با همان خصوصیات و سبک سیاق در هشت صفحه به قطع کوچک طبع و منتشر گردیده است (همان: ۲۱۵).

روزنامه مظفری در زمره مطبوعات روشنگر و پیشرو است و پس از تربیت، دومین روزنامه‌ای است که توانست عبارت مظفری جریده‌ای است آزاد را در کنار عنوان صفحه نخست خود چاپ کند (گوئل کهن، ۱۳۶۰). در مورد این روزنامه گفته شده که «این روزنامه مطالبی محتوایی شامل، اخبار محلی و برخی حوادث ایران و جهان و نیز مقالات متنوع سیاسی، علمی، اجتماعی، و فرهنگی داشته است و دوش به دوش روزنامه «حبل‌المتین» هندوستان پیش می‌رفت، منتها چون حبل‌المتین در خارج ایران طبع و توزیع می‌شد، دشمنان آزادی ایران دسترسی به توقیف و جلوگیری از انتشار آن را نداشته‌اند، فقط یکی دوسه بار توانستند از ورود آن به خاک ایران جلوگیری کنند اما مدیر مظفری چون در داخل ایران می‌زیسته، دچار همه‌گونه عذاب و شکنجه شده و نگذاشته‌اند با قلم خود مردم جنوب را بیدار کند و از این جهت وقایع ناگوار سختی برای او پیش آورده و عاقبت او را از بوشهر تبعید و در بندر ریگ، بصره و کربلا سرگردانش ساخته‌اند. انتشار این روزنامه تا سال ۱۳۴۰ هجری قمری یعنی پس از بیست و یک سال قمری ادامه یافت و سرانجام به دنبال بحران مالی و دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی ناشی از به‌قدرت رسیدن رضاشاه، انتشار آن متوقف و به این ترتیب، یکی از قدیمی‌ترین و دیرپاترین روزنامه‌های بوشهر برای همیشه تعطیل می‌شود» (یاحسینی، ۱۳۷۴).

گوئل کهن (۱۳۶۰) نیز درباره اهمیت و جایگاه تاریخی روزنامه مظفری چنین نوشته است: «در میان این مطبوعات غیردولتی که سال‌های استبداد در ایران منتشر می‌شد، «طلوع» و «مظفری» در بیداری توده‌ها و در جهت گسترش اندیشه‌های نوین و مبارزه بر ضد استبداد، نقش مهمی ایفا کردند. روزنامه مظفری که در زمره مطبوعات روشنگر و پیشرو است، پس از تربیت دومین روزنامه‌ای است که توانست، عبارت مظفری جریده‌ای است آزاد را در کنار عنوان صفحه نخست خود چاپ کند». این روزنامه یکی از نشریات آزادی‌خواه و مستقل و وطن پرستی بود که ضمن احترام به اسلام و مذهب شیعه و حتی نزدیکی به برخی علما و روحانیون خوش فکر و نواندیش تلاش‌های زیادی را برای آشنایی ایرانی‌های با حکومت قانون تعلیم و تربیت نوین بر مبنای اصول مدرنیته انجام داد. در ادامه برخی از موضوعات مطرح شده و موضع‌گیری‌های این روزنامه در قبال وقایع و اتفاقات و شیوه روزنامه‌نگاری آن شرح داده می‌شود.

مسئله زنان

موضوع زنان در جامعه ایران از حساسیت خاصی برخوردار بوده است. گردانندگان روزنامه مظفری و از جمله آقابلیب‌الملک که یک روزنامه‌نگار مستقل، روشنفکر و آزادی‌خواه دوران مشروطیت بود با درک حساسیت‌های فرهنگی طرح مسئله زنان و اجتناب از مواجهه با اقشار مذهبی و روحانیون که در جامعه ایران نفوذ قابل توجهی داشتند و از طرفی دیگر بنا به مسئولیت‌های اجتماعی برای مقابله با وضعیت نامطلوبی که زنان در جامعه ایران داشتند در بیان مطالب رویکردی را پیش گرفتند که به بهترین وجه پیام‌های خود را به مخاطبان برسانند. این روزنامه در ظاهر به طور مستقیم به موضوع زنان نمی‌پرداخت اما آنان را فراموش نکرد. مدیر و گردانندگان روزنامه مظفری برای آگاهی بخشیدن به زنان و به‌طور کلی مخاطبان خود کوشیدند با ترجمه مقالات و اخباری درباره دیگر زنان دنیا مانند امریکا، اروپا و کشورهای مانند ژاپن و حتی زنان مسلمان قفقاز و ترکیه، مخاطبان خود را از وضعیت اسفبارشان آگاه کنند. در راستای چنین راهبردی بود که این روزنامه به طور مرتب و مداوم و به بهانه‌های مختلف اخبار و مطالبی درباره ضرورت آموزش زنان مسلمان در اقصی نقاط جهان مانند وضعیت دختران در باکو، زنان دانشمند و تحصیل‌کرده، زنان سیاح، زنان روزنامه‌نگار، زنان خیر و زنان فعال در امور اجتماعی مانند نقش زنان ژاپنی در جنگ بار روسیه تزاری و حتی بحث‌های نظری در باب زنان شرقی و اسلامی با زنان غربی از نشریات انگلیسی، فرانسوی و عربی ترجمه می‌کرد. چنین استراتژی در طرح مسائل و موضوعات پیرامون زنان نه تنها کم خطر بود بلکه بسیار نیز مؤثر و آگاهی بخش و تحرک آفرین بود. این مشی کاری تا سال‌ها بعد نیز مورد استفاده دیگر فعالان حقوق زنان مانند خانم الیز ساناریسیان محقق و مورخ جنبش زنان در ایران بود (یاحسینی، ۱۳۹۳: ۱۲).

روزنامه مظفری نسبت به آموزش و سوادآموزی زنان حساسیت خاصی داشت. یکی از مهمترین مشکلات زنان ایران در سال‌های انقلاب مشروطیت فقدان آموزش و سوادآموزی بود تلقی عمومی چنین بود که زنان نباید به مدرسه بروند و درس بخوانند. وظیفه اصلی زن خانه‌داری و شوهرداری است. روزنامه مظفری خواهان آموزش دختران بود و راه‌های مختلفی را برای توجه اذهان عمومی به ضرورت آموزش زنان به کار برد. یکی از راه‌های انتقال پیام را گزارش وضع زنان در کشورهای پیش رو مانند ژاپن قرار داد.

"بعضی را عقیده بر این است که یکی از طرق عمده ترقی ژاپون تعلیم نسوان است. چنان چه حساب کرده‌اند که صدی پنجاه و پنج زن‌های ژاپون تعلیم یافته‌اند (روزنامه مظفری، ۱۳۲۱ ق ص ۷۳۹)"

روزنامه مظفری حتی لزوم آموزش زبان‌های خارجی را نیز در کنار زبان ملی در نظام آموزشی خاطر نشان می‌سازد. در اینجا نیز ضمن تأکید بر برابری زنان و مردان در آموزش، ژاپن را به عنوان کشوری مترقی در این زمینه مثال می‌زند:

" اهالی ژاپون خواه اناث و خواه ذکور از عمر شش تا چهارده ساله یعنی هشت سال تمام مجبور به تحصیل علمند غیر از مبادی علوم و فنون در ظرف چهارسال اول طالبان و شاگردان باید زبان چین و ژاپونی را تکمیل نموده و خصوصاً زبان انگلیسی را به صورت مرغوب نوشته و خوانده و با کمال سهولت تکلم نمایند (روزنامه مظفری ۱۳۲۳ ق: ۶)."

مهمترین مقاله‌ای که روزنامه مظفری در تمام دوران پنج‌ساله اول پیش از مشروطیت چاپ و منتشر کرد ترجمه مقاله‌ای با عنوان «نساءنا و نساء هم» (زنان ما و زنان آنها) بود. این مقاله را یک نواندیش دینی مصری به نام محمدغانم و سلیم فبین در روزنامه النیل به عربی منتشر کرد. روزنامه مظفری آن را ترجمه و در شماره‌های ۵۱ و ۵۲ و ۵۴ منتشر کرد. در این مقاله نویسنده با استناد به مطالبی از روزنامه ترجمان روسی و برخی احادیث پیامبر گرامی اسلام و تاریخ صدر اسلام مطالبی درباره ضرورت آموزش و تعلیم و تربیت دختران و زنان و از همه مهمتر امکان فعالیت اقتصادی و اجتماعی برای زنان و توصیه اسلام به چنین مواردی نگاشته است (یاحسینی، ۱۳۹۳، ۳۱).

«مخفی نماند که شریعت سهل محمدی(ص) تجارت را به اناث، حرام یا مکروه نکرده است چنانچه که علم را برایشان نیز حرام نفرموده است. بلکه طلب علم را بر هر مسلم و مسلمه‌ای فرض فرموده است و در تجارت زنام صدر اسلام که زنان تجارت می‌کردند و اخبارات عدیده و مثاله‌ای بسیار و شهود بی‌شمار در دست داریم»

ترجمه این مقاله در روزنامه مظفری را باید یک حرکت انقلابی در شرایط اجتماعی و فرهنگی آن دوران نام برد روزنامه مظفری در زمانه‌ای این مقاله را در بوشهر منتشر کرد که تا ده‌ها سال بعد از انقلاب مشروطیت بسیاری از روحانیون و محافظه‌کاران با تعلیم و تربیت دختران و تأسیس مدارس نوین حتی برای پسران مخالف بودند و مجتهد بانفوذ و مقتدری مانند آیت اله شیخ فضل الله نوری صراحتاً در یکی از لوایح که در استانه حرم عبدالعظیم منتشر کرد مدارس دخترانه را در ردیف فاحشه خانه‌ها قلمداد کرد (همان).

جنگ ژاپن و روسیه

جنگ ژاپن و روسیه در سال ۱۹۰۴ میلادی و شکست روسیه تزاری از کشور کوچک آسیایی مانند ژاپن بسیار مورد توجه روزنامه‌ها و مطبوعات و محافل سیاسی اجتماعی ایران قرار گرفت. مردم ایران که

خاطره بدی از شکست ایران از روسیه و ازدست رفتن بخش‌های زیادی از قلمرو سرزمینی طی معاهده‌های تحمیلی ترکمنچای و گلستان داشتند، از پیروزی‌های ژاپن شگفت زده و خوشحال شدند و با مقایسه وضع خود و کشور ژاپن به دنبال تحلیل و فهم علل شکست ایران و پیروزی ژاپن بودند. نشریات فارسی از جمله روزنامه جبل‌المتین که در کلکته چاپ می‌شد اخبار جنگ روسیه و ژاپن را مرتب بازتاب داده و تحلیل می‌کردند (رجب زاده، ۱۳۷۱: ۹۹). منبع اصلی اخبار جنگ ژاپن و روسیه، همانند بسیاری اخبار جهانی دیگر روزنامه رویترز بود که اطلاعات آن به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از طریق روزنامه‌های دیگر به‌خصوص جبل‌المتین، که در آن ژاپن عنوان امپراتوری باشکوه داشت (جبل‌المتین، ۱۹۰۷: ۱) در سرتاسر کشور منتشر می‌شد. مردم نیز از ارسال اخبار جنگ توسط کنسولگری‌ها تعجب کرده بودند و دیگر کسی نبود از جنگ با خبر نباشد (سوزوکی، ۱۳۹۳: ۶۵-۶۶) دلیل این پوشش خبری به اهمیت زیاد جنگ برای بریتانیا و اتحاد این کشور با ژاپن باز می‌گشت. البته لازم به ذکر است که تبلیغات بین‌المللی به‌جز بریتانیا، توسط ایالت متحده آمریکا نیز به انجام می‌رسید (کشاوری و چایچی امیرخیز، ۱۴۰۰: ۱۹۶).

در میان روزنامه‌های داخل کشور روزنامه مظفری همزمان با روزنامه جبل‌المتین بود از همان آغاز منازعه بین آن دو کشور حجم قابل ملاحظه‌ای از مطالب خود را به انعکاس این واقعه اختصاص داد و از رشادتها و وطن‌پرستی ژاپنی‌ها می‌نوشت (یاحسینی، ۱۳۹۳: ۶۰). این روزنامه در کنار اخبار جنگ روسیه و ژاپن مقالات و اخبار متعددی درباره زنان ژاپنی و مواضع آنان در قبال جنگ کشورشان با روسیه تزاری به چاپ رساند. هدف از نگارش و چاپ این مقالات همانا تحریک و تهییج زنان و مردان ایرانی به حضور اجتماعی و فداکاری در راه میهن بود. این مقالات بیانگر بخشی از تاریخ جنبش زنان در ایران و تأثیر جنگ روسیه و ژاپن بر این جنبش بود. روزنامه مظفری داستان‌های متعددی را از شجاعت‌ها و رشادتهای زنان ژاپنی و ملت ژاپن نقل می‌کند (همانجا: ۶۳ - ۷۴). بنابراین اخبار جهان و تغییرات ملل و دول که به مردم ایران می‌رسید در پیروزی مشروطیت تأثیرگذار بود. برای مثال پیروزی ژاپن بر روسیه در سال ۱۲۸۱ش است انعکاس زیادی در ایران یافت که این آگاهی‌ها به مدد مطبوعات بود.

مشی ضد استعماری

روزنامه مظفری را باید مهم‌ترین و پیشرفته‌ترین روزنامه انقلابی، آزادی‌خواه و ضدانگلیسی بوشهر در سرتاسر عصر قاجار تلقی کرد. این روزنامه برای نخستین بار، علاوه بر بندر بوشهر، نه تنها در سرتاسر ایران، بلکه در هندوستان، مصر، اروپا، قفقاز و روسیه و عثمانی مشترک پذیرفت و عملاً یک سیستم

خبرگیری و خبررسانی بین‌المللی در بوشهر عصر قاجار تأسیس کرد. روزنامه مظفری تنها یک نشریه محلی نبود، یک نشریه فرامحلی و حتی فرامنطقه‌ای بود که در بوشهر منتشر می‌شد. اخباری که روزنامه مظفری فرضا درباب جنگ ترانسوال (جنگ انگلیس در آفریقا)، جنگ روسیه با ژاپن و انقلاب ۱۹۰۵ روسیه تزاری منتشر کرد، در سرتاسر جنوب ایران منحصربه‌فرد بود. این روزنامه همچنین به شکل جنینی و ابتدایی پدیده‌ای را که امروز به «شهروند- خبرنگار» معروف است، در بوشهر راه انداخت. چندین خبر، تحلیل و نامه از شهروندان بوشهری، ایرانی و حتی غیرایرانی چاپ و منتشر کرد (یا حسینی، ۱۴۰۱). رویکرد ضدبیگانه و ضداستعماری سردبیر روزنامه مظفری ابتدا از سفر لرد کرزون نایب السلطنه دولت انگلیس در هندوستان به بوشهر آغاز شد. لرد کرزون در این سفر پر ماجرای تاریخی که باید براساس برنامه پیشین از بندرعباس، بندرلنگه و بندر بوشهر دیدن می‌کرد، به منظور تحقیر ایرانیان از این کار خودداری کرد. وی حتی از دیدار علاءالدوله حکمران فارس که مظفردالدین شاه او را به استقبال لرد کرزون فرستاده بود، اجتناب کرد. این اقدام لرد کرزون موجب شد که لیبب الملک در روزنامه مظفری برای نخستین بار به رفتار او ایراد گرفته و آن را تحقیر ایران و ایرانی بداند. به دنبال این اقدام لیبب الملک، سالار معظم حکمران وقت بوشهر به منظور جلب خاطر انگلستان و جلوگیری از تحریک بیشتر، دستور توقیف روزنامه مظفری و سردبیر آن لیبب الملک را صادر کرد. این حرکت آغازی است بر چندین سال مبارزات فکری و قلمی علیه سیاست انگلیس در بوشهر و ایران که حاصل آن هجده بار تبعید و اسارت بود (محمدی و حق پرست، ۱۳۹۷: ۴۲). مشی ضد انگلیسی و ضد استعماری روزنامه مظفری همانند روزنامه حبل‌المتین در گزارش‌های سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر (مشروطیت جنوب ایران، ۱۳۸۶: ۲۲) آمده است:

«روزنامه حبل‌المتین که در کلکته چاپ و منتشر می‌شد و در ایران هم تیراژ بسیار زیادی دارد در سرتاسر سال به چاپ و انتشار مقالات ضد انگلیسی راجع به موضوعات گوناگون پرداخت. میسیون سیستان و ملاقات رسمی ایران و انگلیس در چابهار برای حل و فصل مسائل حل نشده مکران و بلوچستان ایران و از این دست موضوعات سوژه‌های زیادی را برای این روزنامه فراهم آورد»
این گزارش درخصوص توقیف روزنامه مظفری نیز آورده است:

«سردبیر و مدیر روزنامه مظفری چاپ بوشهر که سه سال پیش در ارتباط با چاپ مقاله‌ای راجع به حوادث مربوط به سفر عالیجناب نایب السلطنه هند فلک گردیده بود در خلال سال هم به خاطر چاپ مقالات و مبارزاتش علیه اصلاحات دولت مرکزی، روزنامه‌اش به حال تعلیق درآمد. اما درست بعد از پایان سال که در ارتباط با همین موضوع به تهران فراخوانده شد به محض اینکه به خرمشهر رسید اجازه یافت به بوشهر بازگردد».

به دنبال انعکاس خبر توقیف روزنامه مظفری و دستگیری لیبب‌الملک در محافل انقلابی وقت و با اعمال فشار آزادی‌خواهان، سرانجام با کمک اعتمادالسلطنه، لیبب‌الملک از زندان آزاد شد. آزادی او بر شدت فعالیت‌هایش مبنی بر اهداف و آرمان‌های آزادی‌خواهانه مشروطه‌طلبان جنوب ایران افزود، به‌نحوی که روزنامه مظفری به‌عنوان یکی از ارکان اصلی مشروطه‌طلبان درآمد. هم‌زمان با فعالیت هرچه بیشتر بلژیکی‌ها و واگذاری گمرکات جنوب به آنان که واکنش‌های مختلفی را در محافل سیاسی روز به دنبال داشت، در بوشهر و جنوب ایران نیز با توجه به به‌کارگیری بلژیکی‌ها در گمرکات بنادر جنوب، لیبب‌الملک روزنامه مظفری را به تریبونی علیه اقدامات بلژیکی‌ها تبدیل کرد و در سلسله مقالاتی آنان را مورد انتقاد قرار داد که این انتقاد سرآغاز آوارگی وی به‌شمار می‌رود. بنابراین، به دستور حکومت مرکزی، شخص اتابک اعظم و حکمران وقت بوشهر احمدخان دریابگی دستگیر و به خرمشهر تبعید شد. تحولات سیاسی به‌وجود آمده در پایتخت و هم‌زمانی آن با ترور اتابک اعظم موجب شد که وی آزاد و بار دیگر در سال ۱۳۲۴ ه. ق. به بوشهر بازگردد (یاحسینی، ۱۳۷۴: ۵۴).

گزارش‌های بالیوز بریتانیا در بوشهر نشان می‌دهد روزنامه مظفری همواره زیر تیغ سانسور و تعطیلی بوده است. رویارویی با حکمران و افراد ذی نفوذ و قدرتمند موجب تعطیلی مکرر آن شده است. از جمله در مقطعی زمانی این روزنامه ناچار بود تنها برای مشترکان خارج از بوشهر نسخه‌های خود را ارسال کند و در بوشهر به تعداد سه نسخه برای افراد خاص توزیع کند (همانجا: ۷۷). این سلسله گزارش‌ها نشان می‌دهد فعالیت این روزنامه در بوشهر برای کشور استعمارگری مانند بریتانیا مزاحمت‌های متعددی فراهم کرده است. با این وجود انگلیسی‌ها برای پوشش خبری خود و اطلاع به موقع از تحولات جنوب ایران نخستین سیستم خبرگیری در بوشهر از سوی کنسولگری بریتانیا در بوشهر طراحی و راه‌اندازی کردند. سرویس‌های سیاسی و امنیتی انگلیس در بوشهر، با پرداخت پول و کالا، چندین بوشهری را اجیر کردند تا کلیه اخبار شهر بوشهر را به‌طور هفتگی برای آنان تهیه کرده، نوشته و به آنان تحویل دهند. انگلیسی‌ها علاوه بر بهره‌برداری عملی و روزانه از این خبرها و گزارش‌ها، در تنظیم گزارش‌های هفتگی، ماهانه و سالیانه خود به هندوستان و سفارت انگلیس در تهران و وزارت خارجه بریتانیا در لندن نیز سود می‌بردند. به گفته یاحسینی (۱۴۰۱) این سیستم خبرگیری و خبرگزاری و ماهیت و کارکرد آن، چنان سری و مخفی بود که تا امروز نیز ما چیز زیادی از آن و نام و نشان مٌخبرها نمی‌دانیم. البته نمونه کشف و افشاشده چنین پدیده‌ای، در فارس بزرگ، کتاب بسیار ارزشمند «وقایع اتفاقیه: مجموعه گزارش‌های خفیه‌نویسان انگلیس در ولایات جنوب ایران» است که در سال ۱۳۶۱ طبع شده و اتفاقاً حاوی اخبار مهم و قابل تأملی در باب بوشهر نیز است.

جدا از انگلیسی‌ها در بوشهر، ظاهراً نخستین خبرنگارهای بوشهری یا مقیم بوشهر، برای برخی از نشریات انگلیسی در لندن و همچنین نشریات انگلیسی و روزنامه‌های فارسی‌زبان چاپ هندوستان کار کرده و خبر ارسال می‌کردند اما تا امروز، اخبار نشریات انگلستان و هندوستان راجع به بندر و شهر بوشهر حتی مورد کاوش اولیه و ابتدایی نیز قرار نگرفته است؛ ولی با وجود این، رجوعی حتی سرسری به آرشیو این نشریات، بیانگر این نکته مهم تاریخی است که دست‌کم از نیمه اول عهد قاجار، شهر بوشهر دارای مٌخبرهایی ایرانی یا غیرایرانی بودند که اخبار و تحولات شهر را برای برخی از نشریات منتشرشده در لندن و همچنین برخی روزنامه‌های انگلیسی‌زبان و فارسی‌زبان طبع هندوستان ارسال می‌کردند(همان).

نتیجه گیری

بی‌شک مطبوعات نقش اساسی در پیروزی جنبش مشروطیت در ایران داشته است. گرچه رهبران فکری جنبش مشروطیت مانند سیدجمال‌الدین اسدآبادی باعث شدند تضاد بین حاکمیت موجود در ایران با کشورهای مترقی جهان بیشتر آشکار شود اما همان‌گونه که مورخان (کسروی، ۱۳۸۷) اذعان می‌دارند گسترش اندیشه مشروطه‌خواهی به عامه مردم و سطوح زیرین طبقات اجتماعی مدیون رشد و گسترش مطبوعات و روزنامه و تأسیس نهادهای آموزشی مدرن مانند مدارس جدید است. در این میان بندر بوشهر به‌عنوان مهمترین بندر ایران در خلیج فارس دروازه ورود عناصر تمدنی جدید بوده است و از جمله رهاوردهای مدرنیته در این شهر مطبوعات و روزنامه است. روزنامه مظفری بوشهر نقش مهمی در بیداری ایرانیان به‌ویژه در خطه جنوب و خلیج فارس داشته و زمینه فکری و فرهنگی مشروطیت را مهیا نموده است و به نوعی یک از ارکان جامعه مدنی به تعبیر امروزی به حساب می‌آید.

شرح فعالیت‌های روزنامه‌نگاری در بوشهر و ظهور روزنامه‌ای مانند مظفری در این شهر در دوران مشروطیت نشان می‌دهد فعالیت این نشریه تنها به این شهر و دیار منحصر نبوده بلکه گستره فعالیت آن فراتر از آن است. این روزنامه گرچه در بندر بوشهر چاپ و منتشر می‌شد اما اخبار و گزارش‌های متعددی از اقصی نقاط کشور و حتی خارج از مرزهای جغرافیایی منتشر می‌کرد و در این راستا منافع ایرانیان خارج از کشور را دنبال می‌کرد. برای مثال در گزارش سرکنسولگری بریتانیا در بوشهر آمده است که در یکی از شماره‌های منتشر شده این روزنامه، نامه‌ای از شهر نجف به چاپ می‌رسد که در آن از قصد دولت ترکیه برای وضع خدمت نظام وظیفه برای ایرانیان ساکن در آن شهر حکایت دارد. در این مورد گفته شده که تلگراف‌هایی هم توسط مردم ساکن در نجف به تهران و استانبول فرستاده شده که بی نتیجه بوده و روحانیون دستور بستن بازار محلی را صادر کرده‌اند (مشروطیت جنوب ایران، ۱۳۸۶: ۸۰).

گسترش عرصه‌های روزنامه‌نگاری در دوران مشروطیت به خارج از مرزها (که روزنامه مظفری نمونه‌ای از آن است) و عدم محدودیت آن به قلمرو سرزمینی خاص پیام‌آور عصری است که بعدها با گسترش ارتباطات به دهکده جهانی تعبیر می‌شود. در این شرایط هر اتفاق در گوشه و کنار جهان بازتاب جهانی پیدا می‌کند و مورد توجه و عبرت‌آموزی ساکنان یک کشور یا منطقه یا حتی یک شهر و روستای خاص قرارگیرد. چنانچه حوادث جنگ روسیه و ژاپن و وقایع و پیشرفت‌های ملل دیگر که از طریق فعالیت‌های روزنامه‌نگاری منعکس می‌شود مورد استفاده و زمینه تحول خواهی را فراهم می‌کند.

با نگاهی مجدد به عرصه‌های فعالیت‌های روزنامه‌نگاری در بوشهر و روزنامه مظفری آشکار می‌شود که بنیان‌گذاران و گردانندگان این روزنامه به خوبی می‌دانستند که هرگونه دگرگونی اجتماعی

مثبت و پیشرفت ملت در همه عرصه‌ها صرفاً با تغییر نظام سیاسی انجام نمی‌گیرد بلکه لازمه آن دگرگونی در فرهنگ برای پذیرش عناصر جدید است. از این رو فعالیت این روزنامه تنها به عرصه‌های سیاسی منتهی نشده بلکه در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و نیز جریان داشته است. توجه به موضوع زنان و لزوم آموزش و سوادآموزی و مشارکت اجتماعی آنان، وطن دوستی و فداکاری در راه میهن از دیگر مقولات مورد تأکید این روزنامه است. این راهبردها که با شیوه‌های مختلف به کار گرفته شده است موجب روشنگری و آشنایی ایرانیان با دستاوردهای اجتماعی و فرهنگی دیگر ملل شد و زمینه اجتماعی و فرهنگی تحول‌خواهی و مشروطه‌طلبی را در سال‌های بعد فراهم کرد.

در زمینه روند نوگرایی و مدرنیته در جامعه ایران و ارتباط آن با مطبوعات عصر مشروطیت می‌توان گفت دو جریان نوگرایی و تحول‌خواهی در ایران عصر قاجار به تدریج اتفاق افتاد. یکی جریان نوسازی از بالا بود که بنا به ضرورت و توسط دولت مرکزی و در پاسخ به نیازهای کشور ایجاد شد که مطبوعات دولتی، تأسیس مدارس به سبک جدید و غیره از این میان بود و دیگری روند نوگرایی از پائین که با ارتباطات ایرانیان با خارج از کشور و آگاهی آنان از تحولات کشورهای مترقی و گسترش فعالیت‌های مطبوعات غیردولتی در داخل و خارج از کشور مانند حبل‌المتین بانی رونق گرفت. روزنامه مظفری بوشهر را می‌توان از جریان دوم دانست. تلفیق این دو جریان در اواخر دوره قاجاریه به وقوع انقلاب مشروطیت انجامید.

همچنین با بازخوانی نقش روزنامه‌نگاری عصر مشروطیت و جایگاه روزنامه مظفری بوشهر در آن میان باید گفت فعالیت‌های روزنامه مظفری همواره با دو عامل استبداد و استعمار در تقابل بوده است و همین رویارویی و رویکرد ضداستعماری و ضداستبدادی، بارها موجب تعطیلی روزنامه مظفری و مجازات سردبیر آن را فراهم کرد. می‌توان این رویکرد را ناشی از نزدیکی و مجاورت روزنامه‌نگاران این دیار با استقرار نیروهای امپراتوری بریتانیا و تمرکز آن در بندر بوشهر و خلیج فارس دانست. بنابراین برخلاف بسیاری از مطبوعات منتشره در مرکز که از اتفاقات جنوب ایران دور بودند روزنامه‌نگاران این خطه حضور استعمارگران را از نزدیک نظاره‌گر بودند و بنا بر روحیه وطن‌دوستی و آزادی‌خواهی آن را بر نمی‌تافتند.

سرانجام اینکه با مروری مجدد به فعالیت‌های روزنامه مظفری می‌توان عشق و علاقه به ترقی‌گردانندگان آن به ایران را مشاهده کرد. گزارش اخبار مربوط به بوشهر و رویدادهای رخ داده در سراسر سواحل و جزایر خلیج فارس با نگاهی ملی‌گرایانه در کنار ذکر اخباری در مورد ترقیات ملت‌های اروپایی و پیشرفت‌های خیره‌کننده کشورهای شرقی مانند ژاپن و مقایسه آنان با وضعیت آن روز ایران

و خلیج فارس نشان دهنده علاقه و اهتمام این مطبوعات به رشد و پیشرفت کشور است و از نکات ارزنده این روزنامه به شمار می‌رود.

منابع

۱. آدمیت، فریدون (۱۳۵۵) / *امیرکبیر و ایران*، تهران انتشارات خوارزمی، جلد ۵.
۲. ادوردگراندویل، براون (۱۳۸۶) *تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت* (سه جلد در یک جلد)، مترجم: محمد عباسی، تهران: نشر علم، چاپ اول.
۳. انگلستان، کنسولگری بوشهر (۱۳۸۶) *مشروطیت جنوب ایران به گزارش بالیوز بریتانیا در بوشهر ۱۹۱۵-۱۹۰۵ م/ ۱۳۳۳-۱۳۳۳ ه ق*، ترجمه و تدوین: حسن زنگنه، تهران: موسسه مطالعات و تاریخ معاصر ایران؛ بوشهر: بنیاد ایران شناسی شعبه استان بوشهر.
۴. حبل المتین ۱۹۰۷
۵. بلندی، فاطمه؛ محمدی، حسین؛ تهامی، مرتضی و پورآرین، فواد (۱۴۰۱) *مطبوعات و نحوه تعامل آنها با ارکان حکومت مشروطه (۱۳۲۶-۱۳۲۴ ق)*، *ماهنامه علمی جامعه شناسی سیاسی ایران*، سال پنجم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۴۰۱، صص ۳۶۲۹-۳
۶. ذاکر حسین، عبدالرحیم (۱۳۸۴) *مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت*، تهران، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ چهارم.
۷. رجب زاده، هاشم (۱۳۷۱) *جنگ روس و ژاپن به روایت ایرانیان، آینده*، سال هجدهم فروردین تا شهریور ۱۳۷۱ شماره ۱ تا ۶
۸. *روزنامه مظفری*، سال دوم، شماره ۴۶، رمضان ۱۳۲۱ هجری ص ۷۲۹
۹. *روزنامه مظفری* سال چهارم ش ۱۰، ذیقعد، ۱۳۲۳ هجری ص ۶
۱۰. رسول اف، رامین و راسخ، کرامت اله (۱۳۹۷) *نقش سیاسی اجتماعی مطبوعات در انقلاب مشروطیت با رویکرد تحلیل محتوای سرمقاله‌های روزنامه‌های روح القدس و صوراسرافیل: مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، دوره ۱۴، شماره ۵۰، صص ۱۳-۳۴
۱۱. رفعتی پناه مهرآبادی، مهدی و سلیمانی دهکردی، کریم (۱۳۹۵) *بازخوانی مفهوم آزادی در مطبوعات مشروطه (۱۳۲۴-۱۳۲۷ ق)*، *مطالعات تاریخ فرهنگی*، سال هشتم، زمستان ۱۳۹۵، شماره ۳۰
۱۲. زنجانی زاده، هما و باغدار دلگشا، علی (۱۳۹۴) *بررسی جامعه شناختی روزنامه‌نگاری زنان در عصر مشروطه*، *مسائل اجتماعی ایران*، سال ششم بهار و تابستان ۱۳۹۴ شماره ۱
۱۳. سوزوکی، شین جو (۱۳۹۳) *سفرنامه سوزوکی شین جو، سفر در فلات ایران، پیاده‌گردی راهب بودایی ژاپنی در شمال و شرق ایران*، مترجم: هاشم رجب زاده و کینجی ئه اورا، تهران، انتشارات طهوری
۱۴. صدراشمی، محمد (۱۳۶۴). *تاریخ جراید و مجلات ایران*. اصفهان: انتشارات کمال، ۱۳۶۳، ج ۴
۱۵. کسروی احمد (۱۳۸۷) *تاریخ مشروطه ایران*، تهران، انتشارات نگاه
۱۶. کشاورز، سیدبنیامین و چاپچی امیرخیز، احمد (۱۴۰۰) *بازتاب وقایع ژاپن بر اذهان عمومی اواخر قاجار*، *مجله پژوهش‌های علوم تاریخی*، سال ۱۲، شماره ۱ بهار ۱۴۰۰، صفحه ۱۹۶

۱۷. گوئل کهن (۱۳۶۰) «تاریخ سانسور در مطبوعات ایران»، تهران، نشر آگاه، چاپ اول ۱۳۶۰.
۱۸. محسنیان راد، مهدی (۱۳۷۶) *انقلاب، مطبوعات و ارزشها*، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی
۱۹. محمدی، مجتبی و حق پرست، گالیا (۱۳۹۷) توصیف بندر بوشهر و خلیج فارس در جریده مظفری (۱۳۲۲-۱۳۹۹ ه ق)، *مطالعات خلیج فارس*، سال پنجم پاییز ۱۳۹۸ شماره ۲ (پیاپی ۱۸).
۲۰. محیط طباطبائی، محمد (۱۳۷۹) *تاریخ تحلیلی مطبوعات در ایران*، تهران، انتشارات بعثت، چاپ دوم
۲۱. مشایخی، عبدالکریم (۱۳۸۷) *جنبش مشروطه خواهی در بوشهر، پژوهش‌های تاریخی*، بهار و تابستان ۱۳۸۷ شماره ۲
۲۲. مولانا، حمید (۱۳۹۱) *سیر ارتباطات اجتماعی در ایران*، تهران، تهران: نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، موسسه انتشارات کتاب نشر: بنیاد علمی فرهنگی مولانا، ۱۳۹۱
۲۳. یاحسینی، سیدقاسم (۱۴۰۱) *مصاحبه با خبرگزاری کتاب ایران*:
<https://www.ibna.ir/fa/note/324790>
۲۴. یاحسینی، سیدقاسم (۱۳۷۴) «*صدسال مطبوعات بوشهر*»، بوشهر: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر، چاپ اول.
۲۵. یاحسینی، سیدقاسم (۱۳۹۳) *روزنامه مظفری بوشهر: وضعیت زنان پیش از مشروطه*، تهران، نشر شیرازه. چاپ دوم.



Criminological analysis of law evasion with a cyber perspective (a case study of 18-29-year-old youth of Isfahan city in the period of 2015)

Amin Amiriyan¹  | Elham Keshvari²  |

1. Corresponding author Assistant Professor of Law, Shahid Ashrafi University of Isfahan, Isfahan, Iran. E-mail: amirian.amin@yahoo.com
2. Master of Criminal Law and Criminology, Shahid Ashrafi University of Isfahani, Isfahan, Iran. E-mail: elham.keshvari7@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received :6 September 2022

Received in revised form 25 September 2022

Accepted: 31 October 2022

Published online: 21 December 2022

Keywords:

criminological analysis, Isfahan city, lawfulness, lawlessness, Media,

ABSTRACT

Objective: evasion of the law is one of the most important social problems in all civil societies, which are searching for solutions to solve such an important problem. This is because the life and survival of any society depends on the existence of order, and order will not be achieved except through legality; Therefore, the first step for creating a healthy and law-oriented society is to establish up-to-date laws that are compatible with the needs of the members of the society. The purpose of this research is to investigate the causes and social factors of lawlessness among the youth of Isfahan city and examines its relationship with having friends and family who are lawless, sense of distributive justice, social trust and social control. **Method:** The method used in this research was a survey method. The statistical population of the research is all young citizens aged 18 to 29 in Isfahan city. Cochran's formula was used, and 390 people were selected from multi-stage random sampling under the title of sample. The tool for collecting data on the variable of illegality is a questionnaire prepared by the researcher, in order to determine its validity, face validity has been used, and to determine its reliability, the internal consistency method has been used using Cronbach's alpha method. **Conclusion:** Lawlessness, which is a social problem that is harmful to the health of the society, is caused by the non-compliance of individuals, the non-compliance that governs the relationship between the individual and the society. Such incompatibilities, which themselves were the result of various factors, both micro and macro, and this in itself is a reason for the weakening of social solidarity and cohesion, endangering social unity and ultimately creating and ruling anomic conditions for the society. slow:

Cite this article: Amiriyan, Amin., Keshvari, Elham, (2022). Criminological analysis of law evasion with a cyber perspective (a case study of 18-29-year-old youth of Isfahan city in the period of 2015) *News Science*, 11 (43), 135-160.





تحلیل جرم شناختی قانون‌گزیزی با چشم انداز سایبری (مطالعه موردی جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهرستان اصفهان در بازه زمانی سال ۱۳۹۵)

امین امیریان^۱ | الهام کشوری^۲

۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه حقوق دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران. رایانامه: amirian.amin@yahoo.com
۲. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران. رایانامه: elham.keshvari7@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	زمینه و هدف: قانون‌گزیزی یکی از معضلات و مسائل اجتماعی پراهمیت در تمامی جوامع مدنی است که برای حل معضلی به این مهمی در حال چاره‌جویی و چاره‌اندیشی هستند. به این دلیل که حیات و بقای هر جامعه‌ای وابسته به وجود نظم است و نظم هم جز با قانون‌پذیری به دست نخواهد آمد؛ پس نخستین قدم برای داتن جامعه سالم و قانون‌گرا، وضع قوانین بروز و سازگار با نیازهای اعضای جامعه است. هدف از پژوهش حاضر بررسی علل و عوامل اجتماعی قانون‌گزیزی در میان جوانان شهرستان اصفهان بوده و ارتباط آن را با داشتن دوستان و خانواده قانون‌گریز، احساس عدالت توزیعی، اعتماد اجتماعی و کنترل اجتماعی را واکاوی می‌کند. روش: روشی که در این پژوهش از آن استفاده شده، روش پیمایشی بوده است. جامعه آماری پژوهش، تمامی شهروندان جوان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهر اصفهان است. از فرمول کوکران استفاده شده است که ۳۹۰ نفر از نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای تحت عنوان نمونه انتخاب شد. ابزار جمع‌آوری داده‌های متغیر قانون‌گزیزی پرسشنامه تدوین شده توسط پژوهشگر است که در راستای تعیین اعتبار آن نیز از اعتبار‌صوری و برای تعیین پایایی آن از روش همسانی درونی از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتیجه‌گیری: قانون‌گزیزی که معضلی اجتماعی مضر به حال سلامت جامعه است، منشأ آن عدم انطباق افراد بوده، عدم انطباقی که حاکم بر ارتباطات فرد و جامعه است. چنین ناسازگاری‌هایی که خودشان معلول عوامل مختلفی اعم از خرد و کلان بود و این خود دلیلی بر ضعف شدن همبستگی‌ها و انسجام‌های جامعه‌ای شده، وحدت اجتماعی را به مخاطره انداخته و درنهایت شرایط آنومیکی را برای جامعه رقم زده و حاکم می‌کند
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۱۵	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۷/۳	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۹	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۹/۳۰	
کلیدواژه‌ها:	
تحلیل جرم‌شناختی، رسانه، شهرستان اصفهان، قانون‌پذیری، قانون‌گزیزی	

استناد: امیریان، امین؛ کشوری، الهام؛ (۱۴۰۱). تحلیل جرم‌شناختی قانون‌گزیزی با چشم انداز سایبری (مطالعه موردی جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله شهرستان اصفهان در بازه زمانی سال ۱۳۹۵). *علوم خبری*، ۱۱ (۴۳)، ۱۶۰-۱۳۵.



مقدمه

مطرح کردن موضوع قانون‌گریزی در اجتماع ایران بدین جهت دارای اهمیت است که ایران در چهار دهه اخیر با تحولات ساختاری و فرهنگی زیادی مثل انقلاب، جنگ هشت ساله، رشد سریع جمعیت، توسعه رسانه‌های ارتباط جمعی و حتی گفتگوی فرهنگی با سایر جوامع، بیشتر شدن سطح کمی آموزش‌های عالی، تغییرات اقتصادی و اجتماعی و ... روبرو است. که هر یک از این موارد گفته شده به تنهایی باعث تحولات عمده‌ای در محیط جامعه و حتی زندگی روزانه اشخاص به وجود آورده است که در همین حال جهات مفیدی که بعضی از این تحولات را با خود داشته وضعیت تازه‌ای را جلوی روی کنشگران گذاشته که سازگار نبودن با آن‌ها طبیعتاً فعالیت‌های مستبدانه و توأم با قانون‌گریزی را در خود داشته است. در این سال‌ها و دهه‌های ممتد گذشته در ایران، تبعیت نکردن از قوانین، خودش گونه‌ای از «قانون نانوشته» را پدید آورده و نکته جالب توجه این است که قانون و قانون‌پذیری سخنی است که همگی متفق‌القول با آن موافق هستند و هر شخص یا هر مقامی، سایرین را در راستای رعایت و تبعیت از این مهم تشویق می‌کنند اکنون قانون‌گریزی تبدیل به پدیده‌ای اجتماعی جهانی شده است که هر اجتماعی بسته به شرایط اقتصادی و اجتماعی خودش متناسب با آن نوع گوناگونی از آن را تجربه می‌کند. ولی این مسئله با تدقیق به گونه اجتماع ممکن است علل متعددی داشته باشد. پژوهش‌هایی که در ۳ دهه گذشته به شکل نظرسنجی (نظرسنجی صدا و سیما ۱۳۷۷، طرح ارزش‌ها و نگرش‌ها ۱۳۸۱ و ...) صورت گرفته است. فعالیت‌های توأم با قانون‌گریزی مثل بی‌اعتنایی به قوانین راهنمایی و رانندگی، پرداخت نکردن یا فرار از پرداخت مالیات‌ها، کارسازی با رشوه در اداره‌های کشور را اذغان کرده بودند. موضوع قانون در کشور ایران به اشاعه و ترویج اندیشه طغیان نسبت به قوانین یا نگاهی ابزاری داشتن به قانون بین مردم منتهی نشده، البته نظر بر این است که احساساتی غریب و حتی در بعضی اوقات متضاد به قانون در بین مردم مشاهده شده است.

بی‌سوادی و حتی سواد کم داشتن، آگاه نبودن و به عبارتی جاهل‌بودن به قوانین جاری، تکثر و فراوانی خرده‌فرهنگ‌ها، توزیع و بهره‌بردن نامساوی از امکانات موجود، فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی در ابعاد ملی و محلی، توسعه بی‌وقفه ارتباطات فراسرزمینی به ایجاد و حتی شدت یافتن تفاوت‌ها، تضادهای اعتقادی، ارزشی و حتی هنجاری در میان اشخاص و دسته‌های اجتماعی باعث می‌شود به شکلی بین نوابغ و مردم عادی بر روی اصول‌ها و

هدف‌های فرهنگی، بینشی مشترک و اتفاق نظر وجود نداشته باشد (عبداللهی، ۱۳۷۸: ۱۹۹). از آنجا که وقتی افراد با قوانین بیگانه باشند و دوری و جدایی که بین ساختارهای شخصی و جامعه‌ی، تضاد جامعه‌شناسی و روانشناسی، دو رخ بودن قانون بدین معنا که در برابر جامعه روی خشن داشته باشد

در شهر اصفهان با وجود ساختار فرهنگی و تاریخی و قدمتی دیرینه که این شهر دارد اما به نظر می‌رسد که باز هم با وجود قوانین چالش‌های زیادی را با خود به همراه دارد که باعث می‌شود عدم اطاعت و پیروی شهروندان از قوانین تصویب شده و به گونه‌ای از موضع‌گیری که در مقابل هنجارهای قانونی جاری در اجتماع هست. بر همین مبنا پژوهش‌هایی مشکوفه در این شهر اعمالی خاص گرایانه مثل: فامیل‌سالاری، خانواده‌گرایی، دوست‌سالاری، شبکه‌بازی، باندبازی دیده شده. باید توجه کرد که ارزش‌های خاص‌گرا جایشان را به ارزش‌های عام‌گرا در جامعه داده است و در خیلی از موارد بستر را برای نقض قوانین مهیا می‌کنند زیرا این‌گونه ارزش‌ها باعث قدرتمند شدن اتصالات میان گروهی، نفع‌گرایی و خویشاوندگرایی در اجتماع به دنبال داشته است و وضعیت را برای قانون‌گریزی مناسب می‌کند. برمبنای مشاهدات و امارات بارز و دیده شده، با تدقیق مشکوفه و همین‌طور مراجعه به مراکز مرتبط و استفاده و استناد به آمار و ارقام موجود در سطوح شهری، این موضوع باعث از بین رفتن فرصت‌ها می‌شود که خاصه جبران‌پذیر هم نیستند چه از نظر کار و تحصیل و حتی در نسل‌های آینده با مخاطرات و صدمات اجتماعی روبرو می‌شوند توجه را به خودش جلب می‌کند. باید توجه داشت که شهر اصفهان با چنین سابقه تاریخی طولانی، جاذبه‌های طبیعی، فرهنگی و هنری که دارد و همچنین سابقه پایتخت بودن و ... دارد و قانون‌گریزی شهروندان همراه با این که آسیبی جدی محسوب می‌شود، مانعی جدی برای توسعه بیشتر و حتی ممکن است عدم توجه به این مهم باعث از بین رفتن تمامی فرصت‌ها و حتی آثار تاریخی و فرهنگی و جاذبه طبیعی شود.

پیشینه و مبانی نظری پژوهش:

خیرخواهان (۱۳۹۲): در پژوهشی به مطالعه عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر قانون‌گریزی شهروندان سمنان را مورد مطالعه قرار داده است. یافته‌های پژوهش مذکور پیمایشی بوده و نشان داده است که میان احساس آنومی، وضعیت تأهل، رضایت از زندگی، نوع و اندازه استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی با قانون‌گریزی ارتباطی پرمعنی وجود داشته، اما

میان سن، جنسیت، میزان گرایش به جمع، احساس عدم عدالت توزیعی و اعتماد پاسخ‌دهندگان با قانون‌گریزی فاقد رابطه معنادار است.

سعیدی (۱۳۹۶): به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر قانون‌گریزی در بین دانشجویان دانشگاه یاسوج پرداخته. یافته‌های این پژوهش به شکل پیمایشی صورت گرفته است، نتایج این پژوهش نشان داده است که بین بی‌اعتمادی اجتماعی، انومی محیط دانشگاه، رابطه با دوستان و گروه همسالان نابهنجار، بت‌وارگی پول، ارتباطی مثبت و معنا دار وجود داشته و همبستگی بین طبقه عینی و پیشرفت‌گرایی و قانون‌گریزی صورتی عکس داشته به صورت کلی تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان داده است که متغیرهای مستقل هفت درصد از تحولات قانون‌گریزی دانشجویان را توضیح می‌دهد.

سرافراز (۱۳۹۹): پژوهشی با عنوان بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مصرف موسیقی و ارتباط آن با قانون‌گریزی در میان شهروندان شهر بندرعباس انجام داده‌اند. روش ایت پژوهش برمبنای روش پیمایشی بوده است و جامعه آماری مورد استفاده در این پژوهش جوانان ۱۸ تا ۳۵ ساله شهر بندرعباس است. برمبنای نتایج معادلات ساختاری در این پژوهش، شاخص‌های زندگی نشان دهنده سازگاری مدل یا داده‌ها بوده است. افزون بر آن یافته‌های دریافتی موسیقی از نظر آماری رابطه‌ای معکوس وجود داشته است. همین‌طور بر مبنای نتایج این پژوهش باید گفت که گروه همسالان بر سبک‌های استفاده موسیقی تأثیری نداشته ولی میان تدین و سبک موسیقی نخبه‌گرا رابطه‌ای عکس وجود دارد. همین‌طور بیانگر ارتباطی بین سرمایه فرهنگی با سبک موسیقی عامه‌پسند و نخبه‌گرا هست. باتوجه به نتایج این پژوهش میزان و سبک استفاده از موسیقی تأثیری بر میزان قانون‌گریزی را نشان نداده است.

سلامتیان (۱۳۹۵): پژوهشی با عنوان بررسی عوامل اجتماعی روانی مرتبط با قانون‌گریزی (مورد مطالعه) رانندگان ۲۰ تا ۶۴ ساله شهر شیراز بوده. در این پژوهش جامعه آماری آن همه شهروندان ۲۰ تا ۶۴ ساله شهر شیراز بوده و روش استفاده شده در آن، روش پیمایشی است. یافته‌های توصیفی این پژوهش نشان داده است که میزان قانون‌گریزی رانندگی در میان رانندگان فراوانی بالایی دارد. علاوه بر این، یافته‌های تحلیلی پژوهش نشان از آن دارد که، ارتباط پرمعنی میان کنترل اجتماعی، ناکامی، فردگرایی و مدارای اجتماعی، با قانون‌گریزی رانندگان است و این متغیرها توان آن را دارد که ۲۶ درصد واریانس قانون‌گریزی رانندگی را تشریح کرده است. همین‌طور یافته‌های تحلیلی این پژوهش نشان داده است که میان سن،

جنسیت، اندازه رانندگی در طی ۲۴ ساعت شبانه روز، میزان تحصیلات و قانون‌گریزی ارتباطی معنا دار وجود دارد ولیکن قانون‌گریزی رانندگی بسته به وضعیت تأهل، مدت زمانی که گواهینامه را اخذ کرده‌اند، نوع خودرو، قومیت فرقی معنادار وجود ندارد. با همه توضیحات، درنهایت نتیجه‌گیری که شده است این بوده که با ترفیع کنترل اجتماعی، کم کردن ناکامی و فردگرایی و همچنین بالابردن مدارای اجتماعی، قانون‌گریزی رانندگی را می‌توان تحت عنوان یکی از مسئله‌های اجتماعی کشور کم کرد.

زارعی (۱۳۸۸): ایشان راجع به نقش عوامل اجتماعی-فرهنگی موثر بر قانون‌گریزی را میا شهروندان شهر ایلام بررسی کردند. جامعه آماری مورد نظر در این پژوهش ساکنین ۱۸ ساله و بالاتر شهرستان ایلام بوده است و از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده. نتایجی که در این پژوهش آمده این بوده که از تجمیع عوامل بیان شده متغیرهای جایگاه اجتماعی اقتصادی و همچنین احساس آنومی به شکل مستقیم و با متغیر وابسته قانون‌گریزی ارتباطی معنادار داشته. متغیرهایی مثل دینداری، اعتماد سیاسی داشتن، نوع نگرش به قانون و همچنین احساس کنترل و نظارت به شکل عکس بر میزان قانون‌گریزی موثر بوده است. همین‌طور از بین متغیرهای زمینه‌ای مثل سن، جنسیت، وضعیت تأهل با پدیده قانون‌گریزی ارتباطی معنا دار داشته و دیگر یافته این پژوهش، ارزیابی میزان قانون‌گریزی شهروندان ساکن در ایلام و نمایاندن موثر بودن عواملی چند بر روی آن بوده است.

مبانی نظری حاکم بر قانون‌گریزی

۱- نظریه بی‌هنجاری (آنومی) ۳۵

بی‌هنجاری یا بی‌معیاری تعریفی است که امیل دورکیم در کتاب خودکشی (پاریس ۱۸۹۷) مطرح کرد. آنومی به وضعیتی گفته می‌شود که هیچ هنجار اجتماعی برای دوام و بقای نظم وجود ندارد. یا حتی به وضعیتی گفته می‌شود که هنجارها نه تنها با هم یک‌سو نبوده بلکه هنجارها در تضاد با هم هستند. در حالتی که مقررات اجتماعی از بین برود و یا تحت تأثیر شرایط مختلف مثل بلایای طبیعی و یا جنگ این هنجارها و مقررات کم رنگ شود. در چنین وضعیتی اعضای جامعه هیچ نظارت

و یا حتی هیچ درجه‌ای از اهمیت برای نظارت بر اعضا و افراد جامعه وجود ندارد یا اصطلاحاً افراد جامعه رها شده‌اند و این رها شدن افراد به حال خودشان باعث انجام رفتارهای خارج از عرف و فارغ از هرگونه نظم خواهد شد. بی‌هنجاری یک وضعیت و حالت روانی نیست بلکه شرح حال و توصیفی است از مرتبط با ساختار اجتماعی، و در زمانی که جامعه در حال تجربه دوره‌ای از بی‌نظمی که ویژگی‌های کنترل و مهار کننده هنجارهای اجتماعی بر رفتارها و اعمال افراد از بین رفته است و افراد درگیر آرزوها و تمایلات بی‌حد و حصر و مرزی خواهند شد (ابرنادآبادی، ۱۳۹۷: ۱۰۰).

البته به نظر می‌رسد که لازمه پیشرفت هر جامعه‌ای تغییر است، عمدتاً تغییرها با یک بی‌نظمی و شکستن ساختارهایش شروع می‌شود و کم‌کم با از بین رفتن هنجارهای قدیمی و بی‌فایده و جایگزین شدن هنجارهای جدید و کارآمد وضعیت جامعه از بی‌هنجاری خارج شده و دوباره منضبط خواهد شد.

۲- نظریه ناکامی منزلتی کوهن^{۳۶}

کوهن یکی از مشهورترین محققینی است که از نظریه مرتون در جوامع آمریکایی استفاده کرد و در اثر خود با عنوان پسران بزهکار (۱۹۹۵) مجدداً این نظریه را بررسی می‌کند و تغییراتی در این نظریه به‌وجود می‌آورد. می‌توان گفت کوهن اصطلاح منزلت را جایگزین موقعیت در نظریه مرتون می‌کند. به این معنا که طبقات پایین جامعه از نظر نیل به منزلت دچار ناکامی هستند. جامعه هم آنها را به داشتن منزلت تشویق می‌کند و هم این امکان را که به آن اهداف دست یابند به آنها نمی‌دهد. پس در این شرایط، طبقه محروم جامعه هم که طبیعتاً راه رسیدن به منزلت را فقط از طریق بزهکاری و امور خلاف می‌داند (ممتاز، ۱۳۸۱، ۱۰۰). کوهن ادعا می‌کند فرزندان طبقات پایین جامعه مثل همه همسن و سالان خود در طبقات متوسط جامعه با رفتن به مدرسه ارزش‌های طبقه متوسط و منزلت اجتماعی آشنا شده و به سمت آن ارزش‌ها و منزلت‌ها تمایل پیدا می‌کنند. زمانی که این افراد، به ارزش‌ها و منزلت‌های طبقه متوسط نمی‌رسند و حتی تحقیر می‌شوند (در مقایسه با فرزندان طبقات متوسط)، در صدد جبران ناکامی خود، در رسیدن به منزلت‌های گفته

³ Status failure theory

شده اقدام به تشکیل خرده فرهنگ بزهکاری می‌کنند. خرده فرهنگی که نظام ارزشی آنها کاملاً مخالف با نظام ارزشی طبقات متوسط جامعه که مسلط جامعه هم هستند، می‌باشد (کوهن، به نقل از صدیق، ۱۳۸۲، ۱۴).

درحقیقت، کوهن انحراف را منصوب به جایگاه و طبقه اجتماعی می‌داند و منبع این رفتارها را در دسترس نبودن رسیدن به اهداف مقبول جامعه می‌داند. او انحراف را اعتراضی که منشأ آن یأس و ناامیدی، ناکامی و سرخوردگی طبقات پایین و محروم جامعه بیان کرده، که به صورت تخریب، خانمان سوزی، ویرانگری هویدا می‌شود (ممتاز، ۱۳۸۱، ۱۰۲-۱۰۱).

اعتقاد کوهن بر این است که ناکامی در رسیدن به هدف‌های با ارزش و منزلت‌های اجتماعی، احساس سرخوردگی را در نوجوانان ایجاد می‌کند که نتیجه این سرخوردگی در جوانان طبقه پایین ایجاد خرده فرهنگ بزهکاری است. در این خرده فرهنگ‌ها، شکل رقابت و ارزش‌ها کاملاً متفاوت است و کاملاً بر خلاف ارزش‌های جامعه طبقات متوسط، و حتی معیار موفقیت و منزلت هم کاملاً متمایز است. به عنوان مثال بر عکس فرهنگ طبقات متوسطه در این گروه‌های فردی منزلت و ارزش بالاتری دارد که در فردی مهارت بیشتری داشته باشد و تا به حال دستگیر نشده باشد و یا کمتر دستگیری شده باشد و مقاومت بیشتری در برابر پلیس از خودش نشان داده باشد.

۳- نظریه محرومیت نسبی^۳

محرومیت نسبی در ابتدا توسط جامعه شناسانی به اسامی پیتربلاو و جیودیس بلاو بیان شد که در آن مفهوم تئوری آنومی را با مدل‌های بی‌سازمانی اجتماعی مخلوط کردند. مطابق نظریه بلاو افراد طبقات پایین ممکن است ضمن احساس محرومیت نسبی آن احساس را هم تقویت کنند و این دو اتفاق زمانی پیش می‌آید که شیوه زندگی خودشان را با افرادی که رفاه و نعمت و اصطلاحاً در ناز و نعمت هستند مقایسه کنند و در نهایت افراد که به سبب طبقه اقتصادی یا نژادی خود دچار احساس محرومیت شوند باعث گسترش بی‌عدالتی و نارضایتی می‌شود. رفاه و

³ Relative Deprivation theory 7

خوشبختی هر چند اندک طبقات پایین منشأ تخریب جامعه‌ای است که نابرابری اجتماعی را پرورش داده و شانس افراد را برای پیشرفت و شکوفایی با توسط از ابزارها و شیوه‌های مشروع مسدود کرده سرخوردگی پیوسته و زیاد که نتیجه‌ی این احساس نابرابری است، این ناکامی‌ها پرخاشگری و شخص سرکوب شده را به وجود می‌آورد که سرانجام این پرخاشگری و دشمنی منجر به خشونت و جرم می‌شود. ممکن است نابرابری زمانی که به نهایت خود برسد افراد محروم و فقیر به این باور برسند که توانایی کمی برای رقابت در جامعه دارند و یا جایی که کفه ترازوی قدرت اقتصادی و اجتماعی به نفع ثروتمندان است در این حالت احتمال این که افراد طبقه پایین فعالیت‌ها و اعمال غیرقانونی را انتخاب کنند بیشتر است و این امکان را افزایش می‌دهد (سیگل، ۲۰۱۲: ۲۰۳).

جرم‌شناسان تا مدت‌ها عقیده داشتند برابر نبودن درآمد، فشار و میزان ارتکاب جرم را افزایش می‌دهد. تفاوت واضح بین فقرا و ثروتمندان باعث حسادت و بی‌اعتمادی می‌شود البته در جوامعی که نابرابری بیشتر است یا اصطلاحاً این جوامع نابرابرطلب هستند، ثروتمندان به فقرا با دید بی‌ارزشی و کم‌اهمیتی می‌نگرند و آنها را پست می‌شمارند. در این جوامع روانشناسان هشدار دادند که در این شرایط جوانان طبقات محروم و فقیر جامعه به ثروتمندان حسادت می‌کنند و از آنان و برندگان جامعه می‌ترسند. آنها احساس می‌کنند دیگر از دور رقابت خارج شده‌اند و شانس برای پیروزی در رقابت اجتماعی ندارند و یا اگر حتی شانس هم برای موفقیت‌های بعدی داشته باشند، آن قدر محسوس نیست

روش‌شناسی پژوهش

شیوه بررسی در هر پژوهش مطالعه‌ای مثل چپستی موضوع، زمان، هزینه پژوهش و ... به این عوامل وابسته است. البته در علوم اجتماعی و علوم رفتاری روش پیمایشی بیشترین کاربرد را دارد. برتری که این روش به دیگر روش‌ها دارد این است که: بیشترین اطلاعات با کمترین هزینه را می‌توان به‌دست آورد. شیوه این پژوهش، مطالعه میدانی از گونه پیمایشی مقطعی است. در این روش برای جمع‌آوری داده‌ها در خصوص یک یا چندین صفت در یک برهه مثلاً یک روز یا یک هفته و یا یک ماه، به‌وسیله نمونه‌گیری از جامعه اجرا می‌شود. در این شیوه در واقع جامعه توصیف می‌شود، این توصیف بر مبنای یک یا چند مآلفه است: در شیوه پیمایشی پژوهشگر اطلاعاتی را که لازم دارد کسب می‌کند. این اطلاعات مورد نیاز با بهره‌گرفتن از وسیله معینی

که در این پژوهش از پرسشنامه استفاده شده است، گردآوری می‌شود. این پرسشنامه به شکل برابر در اختیار افراد جامعه آماری قرار خواهد گرفت.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

جدول شماره (۴-۱) توزیع میزان فراوانی بر اساس جنسیت، تحصیلات، وضعیت تأهل

متغیر	مقوله	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۲۴۸	۶۳/۹
	زن	۱۴۲	۳۶/۳
تحصیلات	بی‌سواد	۷	۱/۸
	سیکل و پایین‌تر	۸۶	۲۲/۱
	متوسطه	۱۲۰	۳۰/۸
	کاردانی و کارشناسی	۱۵۷	۴۰/۲
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۲۰	۵/۱
وضعیت تأهل	مجرد	۲۲۱	۵۶/۸
	متاهل	۱۱۶	۲۵/۸
	بدون همسر(طلاق)	۹	۲/۴
	بدون همسر(فوت همسر)	۴۴	۱۱/۳
وضعیت اشتغال	بیکار	۱۰۰	۲۵/۸
	خانه‌دار	۵۶	۱۴/۴
	دانش‌آموز و دانشجو	۱۰۱	۲۵/۹
	شاغل	۱۰۰	۲۵
	سایر	۳۳	۸/۷

در جدول شماره (۴-۲) همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، بیان شده است که میانگین سنی پاسخگویان (۲۳/۲۹) با انحراف معیار (۵/۶۵) بوده است که کمترین سن پاسخ‌گویان ۱۸

سال بوده و بیشترین سن ۲۹ سال بوده است. چنین میانگینی حکایت از جوان بودن پاسخ‌دهندگان دارد. انحراف معیار هم که عددی برابر با ۵/۶۵ هست، عددی کوچک که حاکی از همگنی نسبی جمعیت دارد. میانه آن هم برابر با ۲۳ بوده به عبارتی می‌توان گفت که حدود ۵۰ درصد پاسخ‌دهندگان سنشان زیر ۲۴ سال است.

جدول شماره (۲-۴) آمارهای توصیفی متغیرهای جمعیتی سن پاسخ‌دهندگان

میانگین	میانه	انحراف معیار	کمترین	بیشترین
۲۳/۲۹	۲۳	۵/۶۵	۱۸	۲۹

یافته‌های توصیفی متغی وابسته قانون‌گزیزی جوانان در جدول شماره (۳-۴) آورده شده است. داده‌های این جدول در واقع بیشترین درصدها را برای عدم رعایت قوانین راهنمایی و رانندگی به خود اختصاص داده است. البته بالا بودن میزان تمایل به دور زدن قوانین را نمی‌توان نادیده گرفت. اکثر پاسخ‌دهندگان یعنی (۴۴/۱) بیان کردند که اگر توانایی عدم اطاعت از قانون را داشته باشند انجام می‌دهند و فقط (۰/۵) در از آنها اذعان داشتند که قوانین را رعایت می‌کنند.

جدول شماره (۳-۴) فراوانی و درصد فراوانی قانون‌گزیزی

کاملاً مخالفم		مخالقم		تاحدودی		موافقم		کاملاً موافقم		قانون‌گزیزی
+/+	F	+/+	F	+/+	F	+/+	F	+/+	F	
۴/۱	۱۵	۱۰/۹	۴۲	۲۸/۹	۱۱	۲۵	۹۷	۳۱/۱	۱۲۱	۱- اگر بدانم که جریمه نمی‌شوم، ممکن است زمان رانندگی قواعد و قوانین را رعایت نکنم.
۵/۵	۲۱	۱۳/۲	۵۱	۳۵/۷	۱۳۸	۳۰/۲	۱۱۷	۱۵/۵	۶۰	۲- اگر بشود در شرایط سبقت ممنوع، سبقت بگیرم، این کار را انجام می‌دهم.

۰/۹	۴	۳/۴	۱۳	۱۳/۲	۵۱	۳۸/۴	۱۴۹	۴۴/۱	۱۷۱	۳-در شرایطی که جای پارک خودرو نیست، در مکانی که پارک ممنوع است خودرو را پارک می‌کنم.
۱/۲	۴	۴/۳	۱۶	۳۴/۵	۱۳۴	۳۰/۹	۱۲۰	۲۰	۷۷	۴-به نظر من اگر کار ضروری داشته باشیم، رد شدن از چراغ قرمز ایرادی ندارد.
۴/۳	۱۷	۷	۲۷	۲۹/۵	۱۱۴	۳۳	۱۲۸	۲۶/۱	۱۰۱	۵-گاهی با آلوده کردن محله باعث عدم رعایت نظافت محله شده‌ام.
۰/۵	۲	۱/۴	۵	۱۲/۳	۴۷	۳۶/۴	۱۴۱	۴۹/۵	۱۹۲	۶-گاهی با عدم رعایت نوبت در صف‌های متعدد کارم را زودتر انجام داده‌ام.
۱/۱	۴	۵/۵	۲۱	۲۳/۶	۹۱	۳۵/۷	۱۳۸	۳۴/۱	۱۳۲	۷-اگر توانایی مختل کردن کنتورهای انرژی را داشته باشیم، آنها را مختل خواهیم کرد.
۲	۷	۶/۴	۲۴	۲۶/۶	۱۰۳	۳۵/۵	۱۳۸	۲۹/۵	۱۱۴	۸-گاهی با پیدا کردن پارتی و آشنا در ادارات، امور اداری خودم را بوسیله آنها انجام می‌دهم تا قانونی.
۰/۹	۳	۶/۴	۲۴	۲۳/۹	۹۳	۳۵/۵	۱۳۸	۳۳/۴	۱۲۹	۹-در صورت امکان از پرداخت مالیات فرار می‌کنم.
۳/۲	۱۲	۸	۳۱	۲۸/۶	۱۱۱	۳۸	۱۴۷	۲۳/۳	۹۰	۱۰-ساخت و ساز غیرقانونی، کاری صحیح است.
۳/۶	۱۴	۸/۹	۳۴	۳۵/۷	۱۳۸	۳۲	۱۲۵	۱۹/۸	۷۷	۱۱-افرادی بیشتر موفق هستند که قوانین را رعایت می‌کنند.
۵/۲	۲۰	۱۴/۳	۵۵	۳۵/۳	۱۳۷	۳۰/۹	۱۲۰	۱۵	۵۸	۱۲-همیشه قوانین را رعایت می‌کنم، حتی اگر کسی ناظر بر اجرای قوانین نباشد.
۵/۵	۲۱	۱۳/۲	۵۱	۳۵/۷	۱۳۸	۳۰/۲	۱۱۷	۱۵/۵	۶۰	۱۳-من همیشه از قوانین اطاعت می‌کنم.

۰/۹	۴	۶/۴	۲۴	۲۳/۹	۹۳	۳۵/۵	۱۳۸	۳۳/۴	۱۲۹	۱۴- رعایت قوانین الزامی است، حتی اگر قوانین با عقاید و افکار ما در تضاد باشد.
-----	---	-----	----	------	----	------	-----	------	-----	-------------------------------------------------------------------------------

یافته‌های توصیفی مآلفه اعتماد اجتماعی در جدول شماره (۴-۵) آمده است. بر مبنای داده‌های جدول زیر، خیل عظیمی از پاسخ‌دهندگان (۶۵٪) اعتماد اجتماعی پایینی داشتند و فقط (۰/۹) از پاسخ‌دهندگان اذعان داشتند که همیشه به دیگران اعتماد میکنند.

جدول شماره (۴-۴) فراوانی و درصد فراوانی مولفه اعتماد اجتماعی

کاملاً مخالفم		مخالفم		تأخوری		موافقم		کاملاً موافقم		اعتماد اجتماعی
+/+	F	+/+	F	+/+	F	+/+	F	+/+	F	
۶/۸	۲۶	۱۷/۵	۶۸	۳۴/۳	۱۳۳	۲۳/۲	۹۰	۱۸/۲	۷۰	۱- به اعتقاد من اکثریت افراد قابل اعتماد است.
۳/۶	۱۴	۱۰/۷	۴۱	۳۶/۱	۱۴۰	۲۹/۵	۱۱۴	۲۰	۷۷	۲- انسان تا زمانی قابل اعتماد هستند که از آنها بدی ندیده باشد.
۱/۱	۴	۳	۱۱	۸/۴	۳۲	۲۲/۵	۸۷	۶۵	۲۵۲	۳- اعضای خانواده شما تا اندازه برایتان قابل اطمینان هستند؟
۲/۳	۸	۶/۸	۲۶	۱۹/۵	۷۵	۳۰/۹	۱۲۰	۴۰/۵	۱۵۷	۴- اقوام و خویشان شما تا چه اندازه برایتان قابل اطمینان هستند؟
۳/۶	۱۴	۷/۷	۳۰	۱۸/۲	۷۰	۲۸	۱۰۸	۴۲/۵	۱۶۵	۵- هرگاه فردی از آشنایان شما از شما درخواست داشته باشد به او پولی حتی کم، قرض بدهید، احتمال اینکه شما مایل به قرض دادن این پول باشید چقدر است؟

۴۴/۵	۱۷۳	۶/۶	۲۵	۱۵/۷	۶۱	۳۰	۱۱۶	۲/۳	۹	۶- اگر خانواده شما دچار مسائل و مشکلاتی شود، احتمال اینکه برای کمک گرفتن از همسایه‌ها مشکلات خانوادگی خودتان را با آنان در میان بگذارید چقدر است؟
------	-----	-----	----	------	----	----	-----	-----	---	---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------

باتوجه به آنچه که در جدول شماره (۴-۶) آورده شده است. بر مبنای داده‌هایی که در این جدول آورده شده است بیشتر پاسخ‌دهندگان اذعان داشتند که احساس انومی اجتماعی و یا به عبارت دیگر این دیدگاه را داشتند که ساختار و فرم جامعی فعلی از هم پاشیده و ارزش‌ها و معیارهای فرهنگی از بین رفته است.

جدول شماره (۵-۴) فراوانی و درصد فراوانی معیار احساس انومی اجتماعی

کاملاً مخالفم		مخالفم		تأخوری		موافقم		کاملاً موافقم		انومی اجتماعی
۰/۰	F	۰/۰	F	۰/۰	F	۰/۰	F	۰/۰	F	
۱۱/۸	۴۵	۷/۷	۳۰	۱۳/۴	۵۲	۱۵/۹	۶۱	۵۱/۱	۱۹۹	۱- شرایط جامعه به شکلی شده است که امکان تشخیص دشمن از دوست غیر ممکن شده است.
۱/۶	۶	۴/۵	۱۷	۹/۱	۳۵	۲۲	۸۶	۶۲/۷	۲۴۳	۲- امروزه امکان تشخیص انسان خوب از بد خیلی سخت شده.
۱/۱	۴	۳	۱۱	۸/۴	۳۲	۲۲/۵	۸۷	۶۵	۲۵۲	۳- با شرایطی که به وجود آمده، امکان تشخیص حلال از حرام غیرممکن شده است.
۲/۳	۸	۶/۸	۲۶	۱۹/۵	۷۵	۳۰/۹	۱۲۰	۴۰/۵	۱۵۷	۴- در شرایط کنونی امکان تشخیص راه صحیح از غلط ناممکن است.
۳/۶	۱۴	۷/۷	۳۰	۱۸/۲	۷۰	۲۸	۱۰۸	۴۲/۵	۱۶۵	۵- در حال حاضر قوانین ایران فاقد ثبات لازم‌های است تا افراد بر مبنای آن رفتار کنند.

۴۴/۵	۱۷۳	۶/۶	۲۵	۱۵/۷	۶۱	۳۰	۱۱۶	۲/۳	۹	۶- در اجتماع ما نظم ثابت با قابلیت پیش بینی شدن، است.
۲/۵	۹	۲/۵	۹	۱۴/۵	۵۶	۲۷/۵	۱۰۷	۵۳	۲۰۶	۷- در حال حاضر در اجتماع هیچ قاعده مشخص و معینی برای دستیابی به پول وجود ندارد
۳/۶	۱۴	۱۰/۷	۴۱	۳۶/۱	۱۴۰	۲۹/۵	۱۱۴	۲۰	۷۷	۸- در اجتماع ما پیش بینی رفتار افراد سهل و آسان است.

با دقت در جدول زیر به شماره (۴-۵) و بررسی یافته‌های توصیفی متغیر کنترل اجتماعی آورده شده است. بر مبنای داده‌های این جدول، خیل عظیمی از پاسخ‌دهندگان مادر خودشان را تأثیرگذارترین فرد معرفی کرده بودند و دادگاه‌ها، اصناف کمترین تأثیرگذاری را به آنها اختصاص داده بودند و معرفی شده بودند.

جدول (۶-۴) فراوانی و درصد فراوانی معیار کنترل اجتماعی

ردیف	کنترل اجتماعی	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم	
		+/+	F	+/+	F	+/+	F	+/+	F	+/+	F
۱	دستگاه قضا	۵	۱/۴	۷۴	۱۹/۱	۱۶۴	۴۲/۲	۴۴	۱۱/۴	۵۲	۱۳/۴
۲	پلیس	۱۶	۴/۱	۸۶	۲۲/۲	۱۶۴	۴۲/۲	۸۶	۲۲/۲	۵۱	۱۳/۲
۳	صدا و سیما	۱۶	۴/۱	۵۰	۱۳	۱۷۲	۴۴/۳	۹۳	۲۳/۹	۵۴	۱۴/۱
۴	ستاد مبارزه با مواد مخدر	۴۶	۱۲	۴۳	۱۱/۲	۱۳۲	۳۴/۱	۴۷	۱۲/۲	۷۵	۱۹/۳
۵	شهرداری	۹	۲/۵	۴۳	۱۱	۱۵۲	۳۹/۱	۷۴	۱۹/۱	۵۹	۱۵/۲
۶	ادارات ثبت اسناد و املاک	۱۷	۴/۴	۹۳	۲۴/۱	۱۶۴	۴۲/۲	۵۸	۱۵	۵۲	۱۳/۴
۷	اداره دارایی و مالیات	۵۴	۱۳/۹	۴۳	۱۱/۲	۱۳۲	۳۴/۱	۴۷	۱۲/۲	۷۵	۱۹/۳
۸	اصناف	۸	۲/۲	۵۰	۱۳	۱۷۲	۴۴/۳	۹۳	۲۳/۹	۵۴	۱۴/۱
۱۰	خواهر	۹۳	۲۴/۱	۱۲۱	۳۱/۱	۴۴	۱۱/۴	۸	۲/۲	۵	۱/۴
۱۱	برادر	۹۸	۲۵/۲	۱۰۰	۲۵/۹	۸۶	۲۲/۳	۵	۱/۴	۳۶	۹/۳
۱۲	پدر	۱۷۱	۴۴/۱	۹۴	۲۴/۴	۴۶	۱۲	۱۹	۵	۲۳	۵/۹

۱/۴	۵	۵/۲	۲۰	۱۳/۴	۵۲	۲۵/۵	۹۹	۴۲/۲	۱۶۴	مادر	۱۳
۱/۴	۵	۱۳/۴	۵۲	۳۲/۳	۱۲۵	۲۴/۱	۹۳	۱۴/۴	۵۶	دوستان	۱۴
۲۲/۲	۸۶	۲۳	۸۹	۲۹/۵	۱۱۴	۱۳	۵۱	۴/۱	۱۵	همسایگان	۱۵
۱۳/۴	۵۲	۱۱/۴	۴۴	۳۴/۱	۱۳۲	۱۹/۵	۷۵	۹/۱	۳۵	همکاران	۱۶

یافته‌های توصیفی متغیر احساس عدالت توزیعی در جدول زیر، یعنی جدول شماره (۴-۶) آمده است. بر مبنای داده‌های آورده شده در جدول زیر بیشتر پاسخ‌دهندگان (۵۸/۶) احساس عدالت توزیعی زیادی داشتند و تنها (۰/۹) درصد از پاسخ‌گویان ابراز داشتند که احساس محرومیت نسبی کم یا بسیار کمی دارند.

جدول شماره (۷-۴) فراوانی و درصد فراوانی معیار احساس عدالت توزیعی

	کاملاً مخالفم		مخالفم		محدودی		موافقم		کاملاً موافقم		محرومیت نسبی
	+ / ۰	F	+ / ۰	F	+ / ۰	F	+ / ۰	F	+ / ۰	F	
۱	۵۴/۱	۲۱۰	۳۲	۱۲۴	۱۱/۸	۴۵	۱/۱	۴	۰/۹	۳	امروزه همه مردم مکان دسترسی به حداقل درآمد وجود دارد.
۲	۵۸/۶	۲۲۸	۲۰/۹	۸۱	۹/۵	۳۷	۲/۷	۱۰	۸/۲	۳۱	امروزه همه مردم مکان دسترسی به حداقل امکانات تحصیلی و بهداشتی وجود دارد.
۳	۵۵/۵	۲۱۵	۲۸/۴	۱۱۰	۱۱/۸	۴۵	۲/۵	۹	۱/۸	۷	امروزه امکان دسترسی به حداقل اطلاعات برای همه مردم وجود دارد.
۴	۳۹/۳	۱۵۲	۳۶/۱	۱۴۰	۱۵/۹	۶۱	۴/۸	۱۸	۳/۹	۱۵	امروزه امکان دسترسی به حداقل امکانات قضایی و

										حقوقی برای همه مردم وجود دارد.
۴۴/۳	۱۷۲	۳۲	۱۲۴	۱۷/۵	۶۸	۳/۹	۱۵	۲/۳	۸	همه افراد به شکلی برابر از همه امکانات دارا هستند.
۴۰	۱۵۵	۳۵/۲	۱۳۶	۳۰	۱۱۶	۲/۵	۹	۲/۳	۸	امروزه رسیدگی به همه کارهای قضایی سرعت زیادی دارد.
۳۶/۶	۱۴۲	۳۱/۴	۱۲۲	۲۳/۴	۹۱	۳/۹	۱۵	۲/۷	۱۰	امروزه قضات با اطلاعات دقیق‌تری رأی را صادر می‌کنند.

یافته‌های استنباطی پژوهش

فرضیه اول. همبستگی معنادار بین کنترل اجتماعی و رفتار قانون‌گريزانه افراد وجود دارد. برای بررسی ارتباط دو متغیر کنترل اجتماعی و قانون‌گریزی با دقت به سطح‌های ارزیابی آنان که سطح فاصله‌ای بوده و نیز به دنبال آن توزیع متغیرها از توزیع عادی، ماتریس همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون دو متغیره یا همان رگرسیون ساده به‌کارگرفته شد. در نهایت نتایج به دست آمده که در جداول شماره‌های و (۴-۱) آورده شده است. با دقت در داده‌های جدول زیر، کنترل اجتماعی با قانون‌گریزی ارتباطی منفی و معناداری ($R = -0.334$)، ($P > 0.01$) داشته است.

همان‌گونه که در جدول شماره (۴-۸) ملاحظه می‌کنید با توجه به مقدار و سطح معناداری که میان کنترل اجتماعی و قانون‌گریزی وجود دارد حکایت از آن دارد که ارتباطی معنادار و معکوس در سطح ۹۹٪ اعتماد وجود داشته، به بیان بهتر هرچقدر که در جامعه کنترل اجتماعی بالاتر برود به همان اندازه قانون‌گریزی به سطح پایین‌تری در میان جوانان در جامعه می‌رسد.

جدول شماره (۸-۴) تحلیل رگرسیون مقیاس کنترل اجتماعی و قانون‌گریزی در میان جوانان

متغیر	R	R ^۲	F	Sig	B	Beta	T	Sig
مقدار ثابت	۰.۳۴۰	۱۲۰	۲۴/۲	۰.۰۰۱	۲۹/۳	-	۶۳/۹	۰.۰۰۱

...	۰/۰	-۵/۱	۳۴+	۵+/۰				کنترل اجتماعی
-----	-----	------	-----	------	--	--	--	---------------

فرضیه دوم. همبستگی میان دوستان، خانواده قانون گریز داشتن و قانون گریز بودن افراد وجود دارد..

جهت بررسی ارتباط بین دو متغیر دوستان و خانواده قانون گریز داشتن و قانون گریزی با دقت به سطوح ارزیابی آن دو که سطح فاصله‌ای است و همچنین از توزیع نرمال و تحلیل رگرسیون دو متغیره یا همان تحلیل رگرسیون ساده به کار گرفته شده است. که نتایج آن در جدول زیر آورده شده است. باید توجه کرد که داده‌های موجود در جدول زیر، بین دوستان و خانواده قانون گریز داشتن و قانون گریزی ارتباطی مثبت متوسط و معنا داری وجود داشته است.

جدول شماره (۱۰-۴) تحلیل رگرسیون مقیاس دوستان و خانواده قانون گریز داشتن و

قانون گریزی

متغیر	R	R ^۲	F	Sig	B	Beta	T	Sig
مقدار ثابت					۳۱/۴	-	۷/۶۶	***+
دوستان و خانواده قانون گریز داشتن	۴۴+	۲۱+	۲۰۸۱+	***+	۱۴۰-	۴۴۰-	۴۰-۱	***+

فرضیه سوم. ارتباطی معنادار بین احساس عدالت توزیعی افراد و رفتار قانون گریزانه آنان وجود دارد.

برای بررسی ارتباط دو متغیر عدالت توزیعی و رفتار قانون گریزانه با دقت در سطوح ارزیابی این دو که در سطح فاصله‌ای می‌باشد و همچنین توزیع عادی از تحلیل رگرسیون ساده یا همان تحلیل دو متغیره بهره برده شده است که نتایج این تحلیل در جدول زیر آورده شده است. با دقت در داده‌های جدول زیر بین عدالت اجتماعی و قانون گریزی ارتباطی منفی و معنادار وجود دارد.

جدول شماره (۱۱-۴) تحلیل رگرسیون احساس عدالت توزیعی افراد و رفتار قانون گریزانه

متغیر	R	R ^۲	F	Sig	B	Beta	T	Sig
مقدار ثابت	۲۱+	۰۸/۰	۷۳۵/	۰۰۰/۰	۲۹/۲	-	۱۶۵	۰۰۰/۰

۰۰۰/۰	-۵/۹	۸/۲۰	۹۰/۰					عدالت توزیعی

بحث و نتیجه‌گیری

قانون‌گریزی که معضلی اجتماعی مضر به حال سلامت جامعه است، منشأ آن عدم انطباق افراد بوده، عدم انطباقی که حاکم بر ارتباطات فرد و جامعه است. چنین ناسازگاری‌هایی که خودشان معلول عوامل مختلفی اعم از خرد و کلان بود و این خود دلیلی بر ضعیف شدن همبستگی‌ها و انسجام‌های جامعه‌ای شده، وحدت اجتماعی را به مخاطره انداخته و در نهایت شرایط آنومیکی را برای جامعه رقم زده و حاکم می‌کند. در دنیای کنونی قانون‌گریزی تبدیل به پدیده‌ای جهانی شده که سرتاسر جهان با این معظل روبرو و دست و پنجه نرم می‌کند. هرچند که جوامع مدنی بشری بر مبنای شرایط اقتصادی و اجتماعی خودشان با گونه‌های مختلفی از قانون‌گریزی روبرو شده‌اند، ولی موضوع قانون‌گریزی با تمرکز به شکل و نوع اجتماع محتمل است دلایل متفاوتی را با خود همراه داشته باشد. خاصه از قرن نوزدهم تا هم‌اکنون مسئله‌ها و مشکلاتی که شهرها تحت عنوان مکانی برای اسکان اکثریت مردم دنیا به طور چشمگیری، روندی افزایشی داشته است. این پژوهش که به بررسی علل و عوامل میزان قانون‌گریزی جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله ساکن در اصفهان پرداخته.

۱- آزمون فرضیه‌ها نشان دهنده این بود که میان احساس عدالت توزیعی و قانون‌گریزی جوانان ارتباطی معنادار و معکوس وجود داشته. این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های فیروزجائیان (۱۳۸۹)، بزرگری و چهارگنبندی (۱۳۹۲)، شاه‌آبادی و ترکان (۱۳۹۱)، رفیع‌پور (۱۳۷۸)، اسدزاده (۱۳۹۱)، پترسون (۱۹۹۹) که تمامی پژوهش‌های گفته شده نشان دهنده این بود که میان احساس عدالت توزیعی با رفتارهای قانون‌گیزانه و کج‌رو افراد ارتباط داشته و منطبق است.

برای تفسیر و تشریح نتیجه فوق‌تئورسین‌های تضادگرا بر این عقیده بودند که فرم و ساختار جامعه‌ای و سیاسی خودشان شکل دهنده رفتار افراد هستند. نظریه‌های تضاد اجتماعی همه کوشش و تلاش خودشان را صرف این دارند که جرم را در میان بافت‌های اقتصادی و اجتماعی تشریح کنند و رابطه‌ای که میان مثلث طبقات اجتماعی، جرم و کنترل اجتماعی تبیین می‌کنند. نظریه‌های تضاد تحت این عنوان که جرم را پیامدی در راستای مبارزه اجتماعی می‌بینند و چنین ادعا دارند که توزیع ناموزون قدرت در اجتماعات گسترده دلیلی بر این موضوع هست که بعضی از گروه‌ها می‌توان قدرتمند هستند، بدین معنا که سهم خوبی از قدرت را در دست دارند، توانایی این را دارند تا قواعد و مقررات رسمی حاکم بر جامعه را در راستای انتفاع

خودشان و حتی به صورتی که موجب تضرر رقیب بشود، تدوین و تصویب خواهند کرد. بر همین مبنا زمانی که اعضای جامعه احساس می‌کنند که عدالت در اجتماع راجع به آنها رعایت نشده و همین‌طور فرصت‌های اجتماعی نامتوازن توزیع شده باشد، قوانین حاکم بر جامعه را زیر پا می‌گذارند چرا که اعتقاد راسخ بر ناعادلانه بودن آن قوانین دارند و با این کار آن را زیر سؤال خواهند برد، پس این‌گونه است که از قوانین حاکم بر جامعه پیروی نکرده و زیر پا خواهند گذاشت. در چنین وضعیتی که اعضای جامعه احساس می‌کنند که امکانات و امتیازاتی که در جامعه وجود دارد به‌صورت ناعادلانه‌ای توزیع شده باشد و حتی فرصت‌های اجتماعی در دست گروه خاص و اندکی است، باعث ایجاد احساس نارضایتی درباره نظام اجتماعی در میان افراد جامعه شده که پیامد چنین وضعیتی چیزی جز قانون‌گریزی نخواهد بود، چراکه با این کار به نوعی جبران برای این خلاء ناعدالتی می‌انگارند.

۲- میان کنترل اجتماعی و رفتار قانون‌گريزانه نیز ارتباطی عکس و معنادار وجود داشت. نتیجه این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های رضایی (۱۳۸۴)، برزگری و چهارگندبیدی (۱۳۹۲)، شاه‌آبادی و ترکان (۱۳۹۱)، عزیزی (۱۳۸۶)، عباس‌زاده و همکارانش (۱۳۹۱)، واحدی و همکاران (۱۳۸۸)، حقیقتیان و فرنام (۱۳۸۸)، اسدزاده (۱۳۹۱)، رضائیان تودشکی (۱۳۹۱)، کریم‌آبادی (۱۳۸۸)، برگارد و کوچران (۲۰۰۸) همگی آنان نشان از این داشتند که در کنترل اجتماعی چه به صورت کنترل رسمی و چه به صورت غیررسمی، رفتار قانون‌گريزانه و دیگر رفتارهای توأم با انحراف در افراد تأثیر گذاشته، هم‌خوان بوده.

در راستای تأیید نظریه فوق‌تئورسین‌های کنترل اجتماعی معتقدند که همه انسان‌ها مستعد نافرمانی از قوانین هستند و اگر این تمایلات و استعدادها کنترل نشده و رها شوند افراد مرتکب جرم می‌شوند. آنان چنین عقیده دارند که افراد بنا به دلایل مختلفی از قوانین پیروی می‌کنند که این دلایل ممکن است بیرونی یا درونی باشد. همچنین اعتقاد آنها بر این است که: اشخاص معتقدند ارتکاب اعمال بزهکارانه باعث خسارت زدن به والدین آنها خواهد شد و یا حتی فرصت آنها را برای راهیابی به دانشگاه از بین خواهد برد، یا ممکن است ترس از دست دادن شغل‌شان را داشته باشند، به بیان بهتر باید گفت که اشخاصی که مرتکب اعمال بزهکارانه می‌شوند به‌واسطه دلبستگی و تعهدشان به دیگران، نهادها و فرآیندهای معمول کنترل خواهند شد، هرگاه این تعهد و دلبستگی از میان برود آنها آزادانه قوانین را زیر پا خواهند گذاشت. پس آن دسته از افرادی که دیگر به‌واسطه دلبستگی تعهدی ندارند به‌وسیله مجازات‌های قانونی این

کنترل صورت خواهد گرفت. هیرشی از بارزترین صاحب‌نظران این رویکرد هست که عقیده دارد: کج‌روی زمانی واقع می‌شود که فرد پیوندی که با محیط اطراف و جامعه داشته را دیگر نداشته یا این پیوند ضعیف شده باشد. در نظریه هیرشی پیوند شخص با جامعه که از مهمترین متغیرها در هم‌نوایی یا عدم هم‌نوایی شخص است. همچنین کج‌روی زمانی حادث خواهد شد که تمامی قید و بندهایی که شخص در رابطه با اجتماع داشته ضعیف و یا از میان رفته باشد. به‌وسیله کنترل اجتماعی برای اشخاصی که ارزش‌ها و هنجارها برای آنان نهادینه نشده و یا به شکلی ناقص نهادینه شده باشد، برای چنین افرادی از روش اجبار و التزام استفاده خواهد شد. به عقیده نظریه بی‌سازمانی اجتماعی، عوامل اجتماعی نیز کار کنترل کردن اشخاص را برعهده دارد و هرگاه آن عوامل اجتماعی از ثبات لازم برخوردار نباشند و یا به بی‌ثباتی برسند، اشخاص قادر به کنترل بر روی خود نخواهند بود و یا کنترل کمتری بر روی رفتار خود پیدا می‌کنند.

۴- میان دوستان و خانواده قانون‌گریز داشتن و رفتار قانون‌گريزانه افراد رابطه‌ای معنادار و مستقیم وجود داشته. نتیجه این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های محمدی (۱۳۹۲)، که نشان از وجود رابطه بین دوستان و همسالان قانون‌گریز و تمایل به قانون‌گریزی بود، کریم‌آبادی (۱۳۸۸)، حقیقتیان و فرنام (۱۳۸۸) که حکایت از وجود ارتباط معنادار بین معاشرت با افراد بزهکار و قانون‌گریزی دارد، یافته‌های فریر (۲۰۰۹) که تأثیر معاشرت با افراد کج‌رو بر ارتکاب جرم را تأیید کرده است، سازگاری دارد.

فهرست منابع

۱. احمدی، حبیب (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی انحرافات*، تهران: نشر مرنديز.
۲. ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج دوم (۱۳۸۲)، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳. افروغ، عماد (۱۳۹۰)، *فضا و نابرابری اجتماعی*، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
۴. ایسپا(مرکز افکار سنجی دانشجویان) (۱۳۸۵)، *بررسی نگرش شهروندان کشور پیرامون قانون و مسایل آن در جامعه*، جهاد دانشگاهی.
۵. ایمان، محمد تقی (۱۳۹۰)، *مبانی پارادایمی روش‌های کمی و کیفی پژوهش در علوم انسانی*، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. آزاد، حسین، (۱۳۹۸)، *آسیب‌شناسی روانی*، تهران، انتشارات بعثت.
۷. تکینسون و اتکینسون، هیلگارد، ریتال و ریچارد، ارنست، (۱۳۹۸)، *زمینه روان‌شناسی*، ترجمه محمد تقی براهنی و دیگران، تهران، انتشارات رشد.
۸. جلالی پور، حمید رضا (۱۳۹۳)، *جامعه‌شناسی ایران*، جامعه کزمدن، تهران: نشر علم
۹. ذکائی، محمد سعید (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی جوانان ایران*، چاپ دوم، تهران: نشر آگه.
۱۰. رال رایبینگتون، مارتین واینبرگ (۱۳۸۳)، *"رویکردهای هفتگانه در بررسی مسایل اجتماعی"*، ترجمه صدیق سروستانی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. عبداللهی، محمد (۱۳۸۵)، *موانع قانون‌گرایی و راههای مقابله با آنها در ایران*، در *قانون‌گرایی و فرهنگ عمومی*، تهران: طرح نو.
۱۲. عبداللهی، محمد (۱۳۸۴)، *مسایل اجتماعی ایران: مجموعه مقالات*، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران: نشر آگه.

منابع لاتین

1. Agnew, Robert and Timothy, Brezina (3088). Relational Problems with peer, Gender and Delinquency, Youth & Society, vol.32:23-888.

2. Beck, U (3002). Risk society: Towards a new modernity. seventh print TLondon:
3. sage.
4. .Bryman, A, Barriers (3088) Integrating quantitative and qualitative research, journal of mixed